سیمای مسکن و شهر اسلامی

محسن قرائتی



بسم الله الرحمن الرحیم

سیمای مسکن و شهر اسلامی

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
سیمای مسکن و شهر اسلامی ----- ۱۱
مشخصات کتاب ----- ۱۱
اشاره ----- ۱۱
فهرست ----- ۱۴
مقدمه ----- ۲۴
ویژگی این کتاب ----- ۲۵
فصل اول: کلیات ----- ۲۸
اشاره ----- ۲۸
نگاهی اجمالی به آیات قرآن درباره ساخت وساز ----- ۲۹
ضرورت و اهمیت ساخت وساز ----- ۳۲
الف) آبادانی زمین ----- ۳۲
ب) حکومت و آبادی زمین ----- ۳۲
ج) عوامل معنوی آبادانی و رفاه ----- ۳۲
لازمه های مسکن ----- ۳۶
نیاز به مسکن ----- ۳۶
قداست مسکن ----- ۳۸
وظیفه حکومت در تأمین مسکن ----- ۴۰
عزم ملی برای مسکن ----- ۴۰
آزادی در انتخاب مسکن ----- ۴۱
کارکرد مغفول مسکن ----- ۴۱
باورهای درست و نادرست ----- ۴۴
بایدها و نبایدها در ساخت و سازها ----- ۵۰
مهارت در کنار امانت ----- ۵۰

محکم کاری ۵۰
رعایت روابط انسانی ۵۳
چند منظوره بودن مکان های عمومی ۵۳
دوری از اشرافی گری، تکاثر، تجمل و تبرّج ۵۴
انگیزه ها و آثار اسراف ۵۸
سادگی منزل مسئولان ۵۸
حفظ محیط زیست ۵۹
دوری از کاخ نشینی ۶۴
فصل دوم: مسکن اسلامی ۶۵
اشاره ۶۵
مسکن شایسته در قرآن ۶۶
مسکن مبارک ۶۶
تهیه زمین و مصالح از مال حلال ۶۹
احترام به مالکیت خصوصی ۷۱
خانه سالمندان ۷۱
مسکن کم هزینه ۷۲
وسعت مسکن ۷۲
طبقات مسکن ۷۴
دسترسی های مسکن ۷۵
بی تکلّفی در مسکن ۷۵
نور طبیعی ۷۶
هوای مطبوع ۷۷
بوستان بیرونی یا باغچه درونی؟ ۷۸
آسایش در مسکن ۷۸
حفظ حریم حیا در مسکن ۷۹
نزدیکی محل کار با مسکن ۷۹

ممنوعیت تبدیل باغ به مسکن ---------- ۸۰

ممنوعیت اِشراف به خانه دیگران ---------- ۸۰

مساکن خالی ---------- ۸۲

زندگی در خانه مخروبه ---------- ۸۲

مقاوم سازی مسکن در برابر زلزله ---------- ۸۲

پایه ساختمان ---------- ۸۳

فاصله سقف تا کف ---------- ۸۴

تهویه ساختمان ---------- ۸۴

نمای ساختمان ---------- ۸۴

اتاق پذیرایی ---------- ۸۵

ایمنی و حفاظ خانه ---------- ۸۶

دیوارِ بام ---------- ۸۷

رنگ اتاق ---------- ۸۷

آراستن منزل ---------- ۸۸

نظافت خانه ---------- ۸۸

سرویس بهداشتی منزل ---------- ۸۹

وجود حیوانات در منزل ---------- ۸۹

آداب ورود به خانه ---------- ۹۰

نماز و عبادت در منزل ---------- ۹۱

تلاوت قرآن در منزل ---------- ۹۱

اثر وجود مجسمه در منزل ---------- ۹۳

معیار انتخاب مسکن ---------- ۹۳

عدم دلبستگی به مسکن ---------- ۹۵

هجرت از شهر و دیار ---------- ۹۷

اهمیت همسایه ---------- ۱۰۰

حفظ مسکن ورشکسته ---------- ۱۰۴

سکونت اقوام در یک محله ---------- ۱۰۴
نعمت های خدادادی در ساختمان ها ---------- ۱۰۵
فصل سوم: اصول شهرسازی ---------- ۱۰۷
اشاره ---------- ۱۰۷
۱. تامین امنیت ---------- ۱۰۸
امنیت مسکن ---------- ۱۰۸
امنیت شهر ---------- ۱۰۹
امنیت راهها (راهنمایی و رانندگی) ---------- ۱۱۱
امنیت مرزها ---------- ۱۱۲
امنیت حیوانات ---------- ۱۱۳
امنیت مردگان ---------- ۱۱۳
امنیت کافران ---------- ۱۱۳
امنیت پناه جویان ---------- ۱۱۴
۲. رعایت عفت عمومی ---------- ۱۱۴
۳. برقراری عدالت ---------- ۱۱۵
۴. گسترش معنویت ---------- ۱۱۶
۵. رعایت تقوا و مبارزه با فساد ---------- ۱۱۷
۶. توجه به کودکان، سالمندان و معلولان ---------- ۱۱۹
۷. جایگاه بانوان در شهر اسلامی ---------- ۱۲۰
۸. زیباسازی شهر ---------- ۱۲۰
۹. جایگاه هنر در شهر اسلامی ---------- ۱۲۳
۱۰. گسترش فضای سبز ---------- ۱۲۴
۱۱. تامین سرویس بهداشتی عمومی ---------- ۱۲۶
۱۲. توجه به شرایط منطقه و اقلیم ---------- ۱۲۷
۱۳. حفظ آثار باستانی گذشتگان ---------- ۱۲۸
۱۴. بهداشت شهر و مسکن ---------- ۱۲۹

۱۵. نوآوری با حفظ تجربیات ---------- ۱۳۲
۱۶. خودباوری و خوداتکایی ---------- ۱۳۳
۱۷. فاضلاب شهری ---------- ۱۳۴
۱۸. بینش سیاسی در اداره شهر ---------- ۱۳۵
۱۹. اداره شهر براساس قانون ---------- ۱۳۷
اشاره ---------- ۱۳۷
آسانی قوانین ---------- ۱۴۰
نظارت بر ساخت و ساز ---------- ۱۴۱
۲۰. حمل و نقل شهری ---------- ۱۴۱
۲۱. ساخت راههای وسیع و متعدد ---------- ۱۴۳
اشاره ---------- ۱۴۳
نصب علائم و نشانه ها ---------- ۱۴۶
۲۲. جلوگیری از سدّ معبر ---------- ۱۴۶
۲۳. رعایت حقوق شهروندی ---------- ۱۴۸
۲۴. ساماندهی تبلیغات شهری ---------- ۱۴۹
نمادها در شهر ---------- ۱۵۰
پایتخت کشور اسلامی ---------- ۱۵۱
زندگی پاک و طیب در شهر ---------- ۱۵۲
مسجد در شهر اسلامی ---------- ۱۵۳
متولیان مسجد ---------- ۱۵۵
خطر سوء استفاده از مسجد ---------- ۱۵۵
ساخت مسجد در مرکز شهر ---------- ۱۵۶
حریم مسجد ---------- ۱۵۸
مشارکت در امور مسجد ---------- ۱۵۸
محل دستشویی مسجد ---------- ۱۵۹
مناره بلند ممنوع ---------- ۱۵۹

کتابت قرآن بر دیوار مسجد ----- ۱۵۹
خوشبو کردن مسجد ----- ۱۶۰
اطلاع رسانی در مسجد ----- ۱۶۰
ساخت مدرسه ----- ۱۶۰
ساخت بازار ----- ۱۶۰
بوستان معنوی (کتابخانه) ----- ۱۶۱
ساخت ورزشگاه ----- ۱۶۲
جایزه مسابقات ----- ۱۶۲
پادگان ----- ۱۶۳
زندان ----- ۱۶۳
سرای مستمندان و غریبان ----- ۱۶۴
اختصاص محل برای اشیای گمشده ----- ۱۶۴
استراحت گاه مسافران ----- ۱۶۵
کشتارگاه ----- ۱۶۵
قبرستان ----- ۱۶۵
خانه آخرت ----- ۱۶۷
درباره مرکز ----- ۱۷۱

سیمای مسکن و شهر اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : سیمای مسکن و شهر اسلامی/ تالیف محسن قرائتی.

مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی درسهایی از قرآن،۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۱۴۴ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س م.

شابک : ۵۵۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۴۹-۱

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Mohsen Gharaati. Portrait of housing and urban islamic.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : مسکن -- جنبه های مذهبی-- اسلام

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷۵/ق۴س۹ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۵۳۶۸۱

ص:۱

اشاره

فهرست

مقدمه. ۹

ویژگی این کتاب.. ۱۰

فصل اول: کلیات... ۱۳

نگاهی اجمالی به آیات قرآن درباره ساخت وساز ۱۴

ضرورت و اهمیت ساخت وساز ۱۶

الف) آبادانی زمین.. ۱۶

ب) حکومت و آبادی زمین.. ۱۶

ج) عوامل معنوی آبادانی و رفاه ۱۶

لازمه های مسکن.. ۱۹

نیاز به مسکن.. ۱۹

قداست مسکن.. ۲۱

وظیفه حکومت در تأمین مسکن.. ۲۲

عزم ملی برای مسکن.. ۲۲

آزادی در انتخاب مسکن.. ۲۳

کارکرد مغفول مسکن.. ۲۳

باورهای درست و نادرست.. ۲۶

بایدها و نبایدها در ساخت و سازها ۳۲

مهارت در کنار امانت.. ۳۲

محکم کاری.. ۳۲

رعایت روابط انسانی.. ۳۴

چند منظوره بودن مکان های عمومی.. ۳۴

دوری از اشرافی گری، تکاثر، تجمل و تبرّج. ۳۵

انگیزه ها و آثار اسراف.. ۳۹

سادگی منزل مسئولان. ۳۹

دوری از کاخ نشینی.. ۴۰

حفظ محیط زیست.. ۴۱

فصل دوم: مسکن اسلامی.. ۴۵

مسکن اسلامی.. ۴۵

مسکن شایسته در قرآن. ۴۶

مسکن مبارک... ۴۶

تهیه زمین و مصالح از مال حلال. ۴۸

احترام به مالکیت خصوصی.. ۴۹

خانه سالمندان. ۴۹

مسکن کم هزینه. ۵۰

وسعت مسکن.. ۵۰

طبقات مسکن.. ۵۲

دسترسی های مسکن.. ۵۳

بی تکلّفی در مسکن.. ۵۳

نور طبیعی.. ۵۴

هوای مطبوع. ۵۵

بوستان بیرونی یا باغچه درونی؟ ۵۶

آسایش در مسکن.. ۵۶

حفظ حریم حیا در مسکن.. ۵۷

نزدیکی محل کار با مسکن.. ۵۷

ممنوعیت تبدیل باغ به مسکن.. ۵۸

ممنوعیت اِشراف به خانه دیگران. ۵۸

مساکن خالی.. ۶۰

زندگی در خانه مخروبه. ۶۰

مقاوم سازی مسکن در برابر زلزله. ۶۰

پایه ساختمان. ۶۱

فاصله سقف تا کف.. ۶۲

عایق بندی ساختمان. ۶۲

تهویه ساختمان. ۶۲

نمای ساختمان. ۶۲

اتاق پذیرایی.. ۶۳

بیرونی و اندرونی.. ۶۳

آشپزخانه بزرگ... ۶۳

ایمنی و حفاظ خانه. ۶۴

دیوارِ بام. ۶۵

رنگ اتاق.. ۶۵

آراستن منزل. ۶۶

نظافت خانه. ۶۶

سرویس بهداشتی منزل. ۶۷

وجود حیوانات در منزل. ۶۷

آداب ورود به خانه. ۶۸

نماز و عبادت در منزل. ۶۹

تلاوت قرآن در منزل. ۶۹

اثر وجود مجسمه در منزل. ۷۰

معیار انتخاب مسکن.. ۷۰

عدم دلبستگی به مسکن.. ۷۲

هجرت از شهر و دیار ۷۴

اهمیت همسایه. ۷۷

حفظ مسکن ورشکسته. ۸۰

سکونت اقوام در یک محله. ۸۰

نعمت های خدادادی در ساختمان ها ۸۱

فصل سوم: اصول شهرسازی.. ۸۳

اصول شهرسازی.. ۸۳

۱. تامین امنیت.. ۸۴

امنیت مسکن.. ۸۴

امنیت شهر ۸۵

امنیت راهها (راهنمایی و رانندگی) ۸۷

امنیت مرزها ۸۸

امنیت حیوانات.. ۸۹

امنیت مردگان. ۸۹

امنیت کافران. ۸۹

امنیت پناه جویان. ۹۰

۲. رعایت عفت عمومی.. ۹۰

۳. برقراری عدالت.. ۹۱

۴. گسترش معنویت.. ۹۲

۵. رعایت تقوا و مبارزه با فساد ۹۳

۶. توجه به کودکان، سالمندان و معلولان. ۹۵

۷. جایگاه بانوان در شهر اسلامی.. ۹۶

۸. زیباسازی شهر ۹۶

۹. جایگاه هنر در شهر اسلامی.. ۹۹

۱۰. گسترش فضای سبز ۱۰۰

۱۱. تامین سرویس بهداشتی عمومی.. ۱۰۲

۱۲. توجه به شرایط منطقه و اقلیم. ۱۰۳

۱۳. حفظ آثار باستانی گذشتگان. ۱۰۴

۱۴. بهداشت شهر و مسکن.. ۱۰۵

۱۵. نوآوری با حفظ تجربیات.. ۱۰۸

۱۶. خودباوری و خوداتکایی.. ۱۰۹

۱۷. فاضلاب شهری.. ۱۱۰

۱۸. بینش سیاسی در اداره شهر ۱۱۱

۱۹. اداره شهر براساس قانون. ۱۱۳

آسانی قوانین.. ۱۱۶

نظارت بر ساخت و ساز ۱۱۷

۲۰. حمل و نقل شهری.. ۱۱۷

۲۱. ساخت راههای وسیع و متعدد ۱۱۹

نصب علائم و نشانه ها ۱۲۱

۲۲. جلوگیری از سدّ معبر ۱۲۱

۲۳. رعایت حقوق شهروندی.. ۱۲۳

۲۴. ساماندهی تبلیغات شهری.. ۱۲۴

نمادها در شهر ۱۲۵

پایتخت کشور اسلامی.. ۱۲۶

زندگی پاک و طیب در شهر ۱۲۷

مسجد در شهر اسلامی.. ۱۲۸

متولیان مسجد. ۱۳۰

خطر سوء استفاده از مسجد. ۱۳۰

ساخت مسجد در مرکز شهر ۱۳۱

حریم مسجد. ۱۳۳

مشارکت در امور مسجد. ۱۳۳

مساجد بین راهی.. ۱۳۳

محل دستشویی مسجد. ۱۳۴

مناره بلند ممنوع. ۱۳۴

کتابت قرآن بر دیوار مسجد. ۱۳۴

خوشبو کردن مسجد. ۱۳۵

اطلاع رسانی در مسجد. ۱۳۵

ساخت مدرسه. ۱۳۵

ساخت بازار ۱۳۵

بوستان معنوی (کتابخانه) ۱۳۶

ساخت ورزشگاه ۱۳۷

جایزه مسابقات.. ۱۳۷

پادگان. ۱۳۸

زندان. ۱۳۸

سرای مستمندان و غریبان. ۱۳۹

اختصاص محل برای اشیای گمشده ۱۳۹

استراحت گاه مسافران. ۱۴۰

کشتارگاه ۱۴۰

قبرستان. ۱۴۰

خانه آخرت.. ۱۴۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ

با لطف الهی، بعد از انتشار کامل تفسیر نور (تفسیر قرآن کریم در ده جلد)، به همت چند نفر از دوستان موضوعات زیر از این تفسیر استخراج شد:

۱. سیمای حقوق در قرآن؛

۲. سیمای مدیریت در قرآن؛

۳. سیمای سیاست در قرآن؛

۴. سیمای انسان در قرآن؛

تمام این موضوعات، با استفاده از تفسیر نور و زیر نظر اساتید برجسته دانشگاه که در آن رشته تخصص کامل دارند، تدوین شده اند. به عنوان نمونه، «سیمای حقوق» با نظارت جناب آقای دکتر میرمحمد صادقی، استاد دانشکده حقوق و «سیمای سیاست» با نظارت جناب آقای دکتر افتخاری، استاد دانشگاه در رشته علوم سیاسی بوده است.

هدف از نوشتن این کتاب نیز، توجه دادن دانشجویان و اساتید رشته های ساختمان و مسکن و مسئولان شهرداری ها به این نکته است که اسلام فقط به

ص:۹

مسائل فردی و عبادی نپرداخته است و خالق انسان و هستی، برای همه نیازمندی های انسان برنامه دارد. هدف دیگر این نوشتار، بیان چارچوب های بنیادین در خانه و مسکن از دیدگاه قرآن و روایات است تا مهندسان عزیز با آگاهی از این دیدگاه، تمدن اسلامی را بر مبنای سرچشمه های راستین آن بسازند.

به نظر نگارنده، بی‌توجهی به رهنمودهای الهی، می تواند با وجود آباد کردن شهر و مسکن دنیایی، خانه اخروی ما را خراب کند؛ اما توجه به رهنمودهای هدایت گر خدا و اولیای خدا، هم زندگی مادی را تأمین می کند و هم زندگی اخروی را تضمین می نماید. طبیعتاً در این کتاب به مسائل فنی معماری نپرداخته ایم، بلکه اصول و کلیاتی که باید مهندسان شهر و مسکن در کار خود در نظر بگیرند، بیان شده است.

ویژگی این کتاب

در این کتاب، «انسان قرآنی» در نظر گرفته شده که مخلوق خداست، هدفمند آفریده شده و موجودی است دارای دو بعد جسم و روح. مهندسان باید بدانند که برای چه انسانی مسکن می سازند. اگر به شخصی گفتیم: ظرفی برای ما بساز! او می پرسد: برای چه کاری؟ برای غذاخوردن یا غذاپختن؟ برای میوه یا شیرینی؟ برای چای یا قهوه؟

آری؛ تا مظروف را نشناسیم، نمی دانیم چه ظرفی متناسب با آن بسازیم. شهر و مسکن نیز در واقع ظرف انسان است و انسان مظروف آن. در اینجا چند سؤال مطرح است:

۱. آیا انسان فقط جسم است، یا روح هم دارد؛ آیا اصل با جسم است یا روح؟

۲. آیا زندگی انسان محدود به این دنیا است، یا زندگی ابدی هم دارد؟

۳. آیا آفرینش هستی امری تصادفی است، یا امری هدفدار و با برنامه؟

۴. آیا در برنامه ریزی ها اصل، خدمت به مردم و محرومان است، یا سود بیشتر برای سرمایه داران؟

تعجب است که انسان بسیاری از چیزها را کشف کرده، ولی خود را کشف نکرده است. او نمی داند که چه ظرفیتی دارد. همه هستی محدودیت دارند، ولی انسان موجودی بی نهایت طلب است. انسان با طی کردن پنج مرحله (کشف، استخراج، ذوب، قطعه‌سازی و مونتاژ) بسیاری از محصولات را ساخت، اما آیا این پنج مرحله را در وجود خود نیز پیاده کرده است؟

آیا کشف کرده که خلیفه خداست؟

آیا خودش را از میان جهل و خرافات و غرور و تعصب و توهمات و خیالات رها کرده است؟

آیا خود را ذوب کرده تا کف ها و ناخالصی ها از او جدا شود؟

آیا خود را ساخته و قطعه سازی کرده و کمالات را در خود ایجاد کرده است؟

آیا خود را با افراد دیگر همراه کرده و با آنها متصل شده تا جامعه ای متکامل بسازد؟

به راستی چگونه انسان از چوبِ جنگل، دری زیبا می سازد، از پشم گوسفند و کرک شتر، بهترین فرش را تولید می کند و با تلاشی که روی جمادات می کند، به ارزش آنها می افزاید، ولی روی خودش کار نمی کند؟

مشکل بزرگ دنیای امروز، تحصیلات و تخصص نیست، بلکه دوری از هویت الهی انسان است.

ص:۱۱

قرآن می فرمایـد: اگر مسـکن شـما غار باشـد، ولی فکر و عقیده شـما سالم بماند، ارزشـمند است؛ چنانکه خداوند از اصـحاب کهف سـتایش و آنـان را جوانمردانی باایمان معرفی می کنـد: «إِنَّهُمْ فِتْیَهٌ آمَنُوا بِرَبِّهِم»(۱)؛ اما اگر در کاخ زنـدگی کنید، ولی فکر و رفتـار شـما کـج باشـد، هم خودتان در گل فرو می رویـد و هم خانه هایتان؛ چنانکه قارون این چنین شـد: «فَخَسَ فْنا بِهِ وَ بِدارِه»(۲).

امید است این صفحات که مملو از نور قرآن و روایات است، چراغ راه کارشناسان شهر و مسکن قرار گیرد و برای نگارنده نیز ذخیره خانه ابدی و روز قیامت باشد؛ ان شاءالله.

۱- . کهف:۱۳.

۲- . قصص:۸۱.

فصل اول: کلیات

اشاره

ص:۱۳

نگاهی اجمالی به آیات قرآن درباره ساخت وساز

۱. بالابردن پایه های کعبه به دست حضرت ابراهیم و اسماعیل:

«وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْت وَ إِسْماعیل»(۱)؛

(به یاد آورید) هنگامی که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند.

۲. تعمیر دیوار خانه یتیمان به دست حضرت خضر:

«فَوَجَدا فیها جِداراً یُریدُ أَنْ یَنْقَضَّ فَأَقامَه»(۲)؛

در آن جا دیواری یافتند که می خواست فروریزد و (آن مرد عالم) آن را برپا داشت.

۳. سد سازی ذوالقرنین:

«ءَاتُونىِ زُبَرَ الحْدِیدِ حَتىَّ إِذَا سَاوَى بَینْ َالصَّدَفَینْ ِقَالَ انفُخُواْ حَتىَّ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونىِ أُفْرِغْ عَلَیْهِ قِطْرًا»(۳)؛

(ذو القرنین گفت) قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید) تا وقتی که کاملًا میان دو کوه را پوشانید، گفت: (در اطراف آن آتش بیفروزید، و) در آن بدمید! (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: (اکنون) مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم!

۴. به کار گرفتن جنیان توسط حضرت سلیمان برای ساخت و ساز:

«وَ الشَّیاطینَ کُلَّ بَنَّاءٍ وَ غَوَّاصٍ»(۴)؛

و شیاطین را مسخّر او کردیم، هر بنّا و غوّاصی از آنها را!

۱- . بقره: ۱۲۷.

۲- . کهف: ۷۷.

۳- . کهف: ۹۶.

۴- . ص: ۳۷.

۵. ساختمان بزرگ و بلورین و صحن و سرای شیشه ای حضرت سلیمان:

«قالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوارير»(۱)؛

گفت: (این آب نیست،) بلکه قصری است از بلور صاف.

۱. مأمور شدن حضرت موسی و هارون برای تهیه مسکن بنی اسراییل:

«وَ أَوْحَيْنا إِلى مُوسى وَ أَخيهِ أَنْ تَبَوَّءا لِقَوْمِكُما بِمِصْرَ بُيُوتا»(۲)؛

و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه هایی آماده کنید.

۲. بنای یادبودی بر مزار اصحاب کهف:

«لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِداً»(۳)؛

ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).

۳. خانه سازی قوم ثمود از کوه ها و بریدن سنگ ها:

«وَ ثَمُودَ الَّذينَ جابُوا الصَّخْرَ بِالْوادِ»(۴)؛

و قوم ثمود که صخره های عظیم را از (کنار) درّه می بریدند (و از آن خانه و کاخ می ساختند)!

۴. صنعت آجرپزی و ساختمان های بلند در زمان فرعون:

«فَأَوْقِدْ لِي يَاهَامَانُ عَلىَ الطِّينِ فَاجْعَل لىّ ِ صَرْحًا»(۵)؛

پس ای هامان آتشی بر گل بیافروز (تا پخته و آجر شود)، پس برایم قصر و کاخ بلند بساز.

۵. در قرآن عبـاراتی از قبیـل «فَتِلْـكَ مَسـاكِنُهُم»(۶)، «فی بُرُوجٍ مُشَـيَّدَه»(۷)، «يَمْشُـونَ فی مَسـاكِنِهِم»(۸)، «فی بُيُـوتِكُم»(۹) ، «ديارهم»(۱۰) آمده است که بیانگر سابقه ساخت و ساز در طول تاریخ است.

۱- . نمل: ۴۴.

۲- . یونس: ۸۷.

۳- . کهف: ۲۱.

۴- . فجر: ۹.

۵- . قصص: ۳۸.

۶- . طه: ۱۲۸.

۷- . نساء: ۷۸.

۸- . سجده: ۲۶.

۹- . آل عمران: ۴۹ و ۱۵۴.

۱۰- . بقره: ۸۵ و۲۴۳ و آیات دیگر.

ضرورت و اهمیت ساخت وساز

الف) آبادانی زمین

در فرهنگ اسلامی آباد کردن زمین، یکی از وظایف انسان است؛ چنانکه نابودی و تخریب آن مورد انتقاد قرآن است. قرآن در این زمینه می فرماید:

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فيها»(۱)؛

اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت.

اسلام برای تشویق مردم به آبادی زمین می فرماید:

«مَنْ أَحْيَا أَرْضاً مَيِّتاً فَهُوَ لَهُ»(۲)؛

هر کس منطقه مرده ای را احیا کند مالک آن می شود.

ب) حکومت و آبادی زمین

حضرت علی علیه السلام به استاندار خود می نویسد:

«ولْيَكُنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الأَرْض»(۳)؛

توجه تو در آباد کردن زمین باشد.

روشن است که این آبادانی شامل توسعه کشاورزی، توسعه مسکن و توسعه راهها نیز می شود.

ج) عوامل معنوی آبادانی و رفاه

براساس آموزه های دینی، ایمان و تقوا و حرکت در راه خدا و استقامت در آن، سبب آبادانی زمین می شود و در این زمینه آیات متعددی در قرآن مطرح است که به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱. «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَهِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً»(۴)؛

و اگر بر طریق (حق) استقامت کنند، آنان را با آبی فراوان سیراب می کنیم.

۱- . هود: ۶۲.

۲- . الکافی، ج ۵، ص ۲۸۰.

۳- . نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴- . جن: ۱۶.

۲. «وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراهَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»(۱)؛

و اگر آنـان (یهود و نصـارا) تورات و انجیـل و آنچه را از سوی پروردگارشـان بر آنـان نـازل شـده، برپـا می داشـتند، از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پاهایشان (زمین) روزی می خوردند.

۳. «وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتاعاً حَسَناً»(۲)؛

و از پروردگارتان طلب مغفرت کنید و بسوی او بازگردید تا شما را به بهره ای نیکو کامیاب کند.

«مَتاعاً حَسَـناً» یعنی زندگی دلنشین همراه با آرامش روحی؛ در برابر کسانی که به خاطر اعراض از یاد خدا، زندگی تلخ دارند؛ گرچه از نظر مادّیات در آسایش و رفاه هستند.

۴. «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ»(۳)؛

و اگر مردم شـهرها و آبـادی هـا ایمـان آورده و تقوا پیشه کرده بودنـد، قطعـاً (درهـای) برکـات آسـمان و زمین را برآنـان می گشودیم، ولی آنان (آیات ما را) تکذیب کردند، پس ما هم به خاطر عملکردشان آنان را (با قهر خود) گرفتیم.

در اینجـا شایـد این سؤال به ذهن بیایـد که اگر ایمـان و تقوا سـبب نزول برکـات است، پس چرا کشورهای کافر، وضع بهتری دارند و کشورهای اسلامی با مشکلات فراوانی روبرو هستند؟

پاسخ این است که اوّلًا آن کشورها از نظر علم و صـنعت جلو هسـتند، ولی از نظر روحی و روانی مشکلات فراوانی دارند. ثانیاً اغلب کشورهای اسلامی،

۱- . مائده: ۶۶.

۲- . هود: ۳.

۳- . اعراف: ۹۶.

تنها نام اسلام را با خود دارند و قوانین و رهنمودهای دین اسلام در آنجا حاکم نمی باشد تا برکات آن نیز نصیبشان شود.

به علاوه، گاهی رفاه مادّی، نوعی قهر الهی است. چنانکه قرآن می فرماید:

«فَلَمَّا نَسُوا ما ذُکِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَیْهِمْ أَبْوابَ کُلِّ شَیْ ءٍ»(1)؛

چون تذکّرات الهی را فراموش کردند، درهای همه چیز را به رویشان گشودیم تا سرمست شوند.

در قرآن، گشایش در زندگی برای دو گروه مطرح است:

الف: برای خوبان که همراه با برکات است: «لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ»(2)؛

از مصادیق بارز این آیه، دوران ظهور حضرت مهدی عجّل اللّه تعالی فرجه است که به گفته روایات، در آن زمان برکات از آسمان و زمین سرازیر می شود.

ب: برای کفّار و نااهلان که همراه با برکت نیست: «فَتَحْنا عَلَیْهِمْ أَبْوابَ کُلِّ شَیْ ءٍ»؛ بلکه چه بسا سبب غفلت و غرور و طغیان باشد.

برکت یافتن و آبادانی مسکن و شهر انسان نیز نیازمند شکرگزاری است:

«وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ وَ لَئِنْ کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِی لَشَدِیدٌ»(3)

و (نیز به یادآور) هنگامی که پروردگارتان اعلام فرمود: همانا اگر شکر کنید، قطعاً (نعمت های) شما را می افزایم، و اگر کفران کنید البتّه عذاب من سخت است.

در مسئله شهر و مسکن، مصداق شکر آن است که منطقه ای را برای سکونت انتخاب کنیم که افراد صالح بیشتری در آنجا باشند. شخصی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم پرسید: کجا خانه تهیه کنم و نام چند محله را برد. پیامبر

1- . انعام: 44.

2- . اعراف: 96.

3- . ابراهیم: 7.

فرمود: «الْجَارَ ثُمَ الدَّار»(۱)؛

یعنی اول به همسایگان نگاه کن، سپس منزل انتخاب کن.

لازمه های مسکن

حضرت ابراهیم درباره محل سکونت خانواده اش، چهار چیز را از خداوند خواست:

۱. امنیت: «رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِنا»(۲)؛

۲. معیشت: «وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرات»(۳)؛

۳. محبت: «فَاجْعَلْ أَفْئِدَهً مِنَ النَّاسِ تَهْوی إِلَيْهِم»(۴)؛

۴. معنویت: «أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتی بِوادٍ غَيْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِيُقيمُوا الصَّلاه»(۵)؛

نیاز به مسکن

مسکن جزء نیازهای اولیه انسان است و هزینه خرید یا ساخت آن خمس ندارد. حتی اگر انسان بدهکار شد، نمی توان به راحتی مسکن محل زندگی او را برای پرداخت بدهی فروخت.

نه فقط انسان، بلکه حیوانات نیز نیاز به مسکن دارند و این نیاز، از طریق غریزه به آنها الهام می شود. قرآن درباره زنبور عسل می فرماید:

«وَ أَوْحی رَبُّكَ إِلَی النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُيُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ»(۶)؛

۱- . علل الشرایع، ج۱، ص۱۸۲.

۲- . بقره: ۱۲۶.

۳- . بقره: ۱۲۶.

۴- . ابراهیم: ۳۷.

۵- . ابراهیم: ۳۷.

۶- . نحل: ۶۸.

و پروردگـارت به زنبـور عسـل وحی (و الهـام غریزی) کرد که از بعضـی کـوه هـا و درختـان و از داربست هـایی که مردم می سازند، خانه هایی بساز.

در مورد مورچه نیز قرآن چنین می فرماید: «یا أَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکُم»(۱).

بسیاری از پرنـدگان از قطعات کوچک چوب برای خود لانه درست می کننـد. لانه ای که در اثر باد شدیـد هم متلاشـی نمی شود.

انسـان نیز برای حفـظ جـان خود، از همـان آغـاز به فکر مسـکن بوده است. ابن عبـاس می گویـد: اول کسـی که خانه ساخت، حضرت آدم بود که در آن نماز گزارد.(۲)

حضرت علی علیه السلام درباره نیاز به مسکن می فرماید:

«وَ لتَکُن دارُکَ أولَ ما یُبتاعُ وَ آخِرُ ما یُباعُ»(۳)؛

اولین چیزی که خریداری می شود و آخرین چیزی که به فروش می رسد، باید خانه باشد.

در روایت آمـده است که شخصـی به امام صادق گفت: از کسـی طلب دارم و او می خواهـد با فروش خانه اش بـدهی خود را بپردازد. امام دو مرتبه فرمود:

«أُعِیذُکَ بِاللَّهِ أَنْ تُخْرِجَهُ مِنْ ظِلِّ رَأْسِهِ أُعِیذُکَ بِاللَّهِ أَنْ تُخْرِجَهُ مِنْ ظِلِّ رَأْسِهِ»(۴)؛

پناه می برم به خدا از این که او را از سرپناه خودش خارج کنی.

محمد بن ابی عمیر که بزّاز بود، تمام اموالش از بین رفت و فقیر شد. او از شخصی ده هزار درهم طلب داشت. بدهکار منزلش را به ده هزار درهم فروخت و پول ابن عمیر را آورد. پرسـید: آیـا ارث برده ای؟ گفت: نه. پرسـید: آیـا به تو بخشـیده انـد؟ باز گفت: نه. پرسـید: پس از کجـا آوردی؟ گفت: منزلم را فروختم تا بـدهی خود را بـدهم. ابن عمیر گفت: بااینکه به یک درهم آن نیز

۱- . نمل: ۱۸.

۲- . اخبار مکه، ص۷.

۳- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج۲۰، ص ۳۱۲.

۴- . التهذیب، ج۶، ص۱۸۷.

نیاز دارم، ولی چون اسلام اجاره نداده که انسان به خاطر بدهکاری منزل خود را بفروشد، هرگز این پول را از تو نمی گیرم.(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مَن باعَ دارًا ثُمَّ لَم یَجعَل ثَمَنَها فی مِثلِها لَم یُبارک لَهُ»(۲)؛

کسی اگر خانه خود را بفروشد و پولش را در تهیه خانه دیگر صرف نکند، برای او برکت نخواهد داشت.

قداست مسکن

مسکن یکی از نعمت های الهی است. قرآن می فرماید:

«جَعَلَ لَکُمْ مِنْ بُیُوتِکُمْ سَکَنا»(۳)؛

و خدا برای شما خانه هایتان را مایه آرامش قرار داد.

بی خانمانی و آوارگی نیز یکی از نقمت هاست:

«قالَ فَإِنَّها مُحَرَّمَهٌ عَلَیْهِمْ أَرْبَعینَ سَنَهً یَتیهُونَ فِی الْأَرْضِ فَلا تَأْسَ عَلَی الْقَوْمِ الْفاسِقین»(۴)؛

[خدا به موسی] فرمود: «[ورود به] آن [سرزمین] چهل سال بر ایشان حرام شد و در بیابان سرگردان خواهند بود؛ پس تو بر گروه نافرمانان اندوه مخور.

این سرگردانی قهر خداوند بود نسبت به کسانی که از فرمان موسی سر باز زدند.

حضرت سلیمان نیز به افرادی که در مقابل حق سرسختی نشان می دادند، فرمود:

«وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْها أَذِلَّهً وَ هُمْ صاغِرُون»(۵)؛

ما اینها را ذلیلانه از منطقه بیرون می کنیم.

۱- . وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۹۵.

۲- . نهج الفصاحه، ح ۲۹۳۱.

۳- . نحل: ۸۰.

۴- . مائده: ۲۶.

۵- . نمل: ۳۷.

اسلام برای خانه، ارزش قائل شده و همان گونه که برای تولد نوزاد، عقیقه و ذبح گوسفند، و برای ازدواج، ولیمه و اطعام، و برای سفر حج، دستور اطعام داده، درباره مسکن نیز رسول خدا می فرماید:

«مَنْ بَنَی مَسْکَناً فَلْیَذْبَحْ کَبْشاً سَمِیناً وَ لْیُطْعِمْ لَحْمَهُ الْمَسَاکِینَ ثُمَّ یَقُولُ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی مَرَدَهَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّیَاطِینِ وَ بَارِکْ لَنَا فِی بُیُوتِنَا»(۱)؛

هر که خانه ای می سازد، گوسفند چاقی را ذبح کند و با گوشتش بینوایان را اطعام کند و از خدا بخواهد که او و خانواده اش را از شر جن و انس و شیاطین سرکش حفظ کند و سکونتش را در آن خانه مبارک گرداند.

وظیفه حکومت در تأمین مسکن

حضرت علی علیه السلام درباره نقش حکومت در رفاه و آسایش مردم و تأمین نیازهای اولیه آنان فرمودند: در سراسر عراق رعیت من در نعمتند. آبشان شیرین و گوارا، نانشان گندم و همه سرپناهی دارند و احدی نیست که چنین نباشد.(۲)

عزم ملی برای مسکن

قران می فرماید: ذوالقرنین به مردم گفت که اگر می خواهید امنیت منطقه شما تأمین شود، همه باید با تمام قدرت به من کمک کنید: «فَاَعینونی بِقُوَهٍ»(۳).

رسول خدا نیز فرمود:

«مَن اَصبَحَ وَ لایَهتَمَّ بِاُمورِ المُسلِمینَ فَلَیسَ بِمُسلِمٍ»(۴)؛

هرکس نسبت به امور مسلمانان اهتمام و جدیت و عزم نداشته باشد، مسلمان نیست.

ص:۲۲

۱- . کافی، ج۶، ص۲۹۹.

۲- . مناقب شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۰۶ به نقل از مسلم بن عقیل، کمره ای، ص ۳۹.

۳- . کهف: ۹۵.

۴- . علل الشرایع، ص ۱۳۱.

در شرح این حدیث می خوانیم که مراد از اهتمام، عزم و جدیت در رفع مشکلات مسلمانان و کمک در امر دنیا و آخرت آنان و برآورده کردن حاجاتشان می باشد؛ و همچنین خیررسانی به آنان و ارشاد آنان به آنچه مصلحتشان است.(۱)

آزادی در انتخاب مسکن

براساس قرآن، در قیامت اهل بهشت می گویند: ما از بهشت هر کجا که بخواهیم مسکن می گزینیم:

«وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی صَدَقَنا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَیْثُ نَشاءُ»(۲)؛

گویند: «سپاس خدایی را که وعده اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد، از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می گزینیم».

از این آیه استفاده می شود که اهل بهشت مجبور به ماندن در یکجا نیستند؛ یعنی اگر بهترین کاخ ها و باغ ها برای انسان فراهم شود، ولی انسان در انتخاب آن آزاد نباشد ارزشی ندارد.

کارکرد مغفول مسکن

مسکن، محل سکونت و استراحت و همچنین محلی برای غذاخوردن است. افراد بی مسکن، هر روز در مکانی و رستورانی غذا می خورند که چه بسا مورد اطمینان یا بهداشتی نیست، نحوه تهیه غذا در آن را نمی داند، در راه و نیمه راه، ایستاده و نشسته، زیر نظر افراد مختلف و با نگاه های گوناگون است، در حالی که اسلام، غذا خوردن در مسیر راه و جلوی چشم دیگران را نمی پسندد. خوب است بدانیم که پیشوایان دین به ما فرموده اند: «ساعاتی را

۱- . شرح الکافی، ملا صالح مازندرانی، ج ۹، ص۲۹.

۲- . زمر: ۷۴.

که در حال غذا خوردن هستید، از عمرتان حساب نمی شود» تا انسان با آرامش کامل غذا را بجود و لقمه را کوچک بردارد.

پس یکی از کارکردهای خانه، غذاخوردن است؛ چنانچه حضرت عیسی به مردم می فرمود: من علم غیب دارم و می توانم به شما خبر بدهم که در خانه هایتان چه غذایی می خورید:

«وَ أُنَبِّئُكُمْ بِما تَأْكُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ»(۱)

و از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید به شما خبر می دهم.

جالب آن که قرآن در آیه ۶۱ سوره نور، در مورد مکان هایی که خوردن از آنها مجاز است، نُه بار کلمه خانه را تکرار می کند. خانه ی پدران و مادران و برادران و خواهران و عموها و عمه ها و دایی ها و خاله ها و دوستان:

«لَيْسَ عَلَى الْأَعْمى حَرَجٌ وَلا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَ لا عَلى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَواتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خالاتِكُمْ أَوْ ما مَلَكْتُمْ مَفاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتاتاً فَإِذا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبارَكَةً طَيِّبَةً كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»(۲)؛

بر نابینا و لنگ و بیمار و بر خود شما ایرادی نیست که بخورید از خانه های خود یا خانه های پدرانتان یا خانه های مادرانتان یا خانه های برادرانتان یا خانه های خواهرانتان یا خانه های عموهایتان یا خانه های عمه هایتان یا خانه های دایی هایتان یا خانه های خاله هایتان یا خانه هایی که کلیدش را در اختیار دارید، یا خانه های دوستانتان. بر شما باکی نیست که

۱- . آل عمران: ۴۹.

۲- . نور: ۶۱.

دسته جمعی بخورید یا پراکنده (و تنها)، و چون وارد خانه ای شدید، پس بر یکدیگر سلام کنید، که تحیّت الهی است و مبارک و پسندیده است؛ خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند؛ باشد که بیندیشید.

امام باقر علیه السلام درباره جمله ابتدایی این آیه می فرماید: قبل از اسلام، نابینا و لنگ و مریض حقّ نداشتند با افراد سالم غذا بخورند؛ این آیه به آنان اجازه داد تا با افراد سالم و به صورت دسته جمعی غذا بخورند. آری؛ در جامعه باید از شخصیّت چنین افرادی دفاع کرد.

مصرف غذا در خانه، نه دل فقیر را می سوزاند و نه انسان را مورد ترحم اغنیا قرار می دهد و نه تنوع های بیرون، تحریکاتی در اطفال به وجود می آورد. بگذریم که تهیه غذا در خانه، با دقت صورت می گیرد، ولی معمولاً در غذاهای بیرون، نه دلسوزی است و نه دقت لازم.

از برکات غذا خوردن در خانه، گفتگوی صمیمانه بین اعضای خانواده، تعاون و همکاری بین آنان، صرفه جویی و توجه به نیاز واقعی اعضای خانواده است.

نقل شده است که سید جمال الدین اسدآبادی در سفر به اروپا هنگام غذا خوردن، دست های خود را می شست و با دست غذا می خورد. عکاسان از غذا خوردن او عکس گرفتند و حرکت او را یک نوع عقب ماندگی معرفی کردند. سید جمال گفت: من می دانم دست خودم را چگونه شسته ام، اما نمی دانم شما قاشق و چنگال را چگونه شسته اید! این دست من تاکنون در حلق کسی نرفته است، ولی قاشق و چنگال شما لحظه ای پیش در دهان دیگری بوده است! من به خاطر اعتماد به خود با دست غذا می خورم و به دلیل عدم اعتماد به شما، از قاشق استفاده نمی کنم!

ص:۲۵

باورهای درست و نادرست

رفتارهای انسان براساس باورهای او شکل می گیرد. دست اندرکاران مسکن و شهر، باید شناخت درستی نسبت به انسان و طبیعت از نگاه دین داشته باشند، تا در طراحی، برنامه ریزی و ساخت وساز آنها را لحاظ کنند. البته آنچه را که یک مهندس مسلمان باید بداند و براساس آن عمل کند، بسیار است که به مواردی از آنها اشاره می شود:

۱. هستی امانتی است در دست انسان و تصرف در امانت، باید همراه با امانتداری باشد و بی مصرف ماندن یا بد مصرف کردن، بی اعتنایی به این امانت است.

۲. در شهر اسلامی محور عدالت است؛ آن هم برای همه. ظلم و تعرّض خلاف است، آن هم برای همه.

۳. توسعه شهری باید همراه با توسعه اخلاق باشد و هر برنامه ای که به معنویات ضربه بزند، محکوم است.

۴. رعایت حقوق کارگران ساختمانی لازم است و نباید بیش از توان کارگر از او کار کشید. این دعای قرآنی ماست:

«رَبَّنا وَ لاتُحَمِّلنا ما لاطاقَةَ لَنا بِهِ»(۱)؛

پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار.

ص:۲۶

۱- . بقره: ۲۸۶.

امام صادق علیه السلام باغی داشت که افرادی در آن مشغول به کار بودند. هنگامی که کارشان تعطیل می شد، امام می فرمود:

«أَعْطِهِمْ أُجورَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَجِفَ عَرَقُهُمْ»(۱)؛

قبل از آنکه عرقشان خشک شود، مزدشان را بدهید.

۵. ساختن بهترین ساختمان ها مثل مسجدالحرام و انجام بالاترین خدمت ها مثل آبرسانی به حاجیان، با همه ارزشی که دارد، به درجه ایمان و جهاد نمی رسد. قرآن می فرماید:

«أَ جَعَلْتُمْ سِقايَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ»(۲)؛

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند؟

۶. حفظ محیط زیست، مانند درختان و حیوانات لازم است. حضرت علی علیه السلام سفارش شهر ها و ساکنانش را ابتدا آورده و فرموده است: «اِتَّقُوا اللهَ فی عِبادِهِ وَ بِلادِهِ»(۳) و سپس درباره درختان و حیوانات می فرماید: «فَإِنَّكُم مَسئولونَ حَتّی عَنِ البِقاعِ وَ البَهائِمِ»(۴). قرآن نشانه حکومت ستمگران را از بین بردن محیط زیست می داند: «وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ»(۵).

۷. در طراحی و مدیریت شهر و مسکن، همواره باید به اصل «لا ضَرَرَ وَ لا ضِرارَ» توجه کرد.

۸. در موارد تزاحم بین دو امر لازم، به اصل اهم و مهم توجه شود.

۱- . الکافی، ج۵، ص۲۸۹.

۲- . توبه: ۱۹.

۳- . نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۴- . نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۵- . بقره: ۲۰۵.

۹. به خاطر دانش امروز، تجربه های دیروز را نادیده نگیریم. پیامبر اکرم فرمود:

«أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَی عِلْمِه»(۱)؛

باسوادترین مردم کسی است که علم دیگران را به علم خود اضافه کند.

۱۰. خداگرا و عقل گرا باشیم؛ نه کهنه گرا، نه نوگرا، نه غرب گرا، نه شرق گرا، نه فقرگرا، نه سرمایه گرا.

۱۱. در طرح و برنامه و نقشه و مصالح از تسامح و سهل انگاری پرهیز شود؛ زیرا این کار نوعی کم فروشی است و قرآن می فرماید: «وَیْلٌ لِلْمُطَفِّفین»(۲)

و اگر این سهل انگاری سبب خسارت یا حادثه ای بشود، به ضامن شدن هم کشیده می شود. چه بسیار جرائم که ما قصد انجام آن را نداشته ایم، ولی به خاطر تدبیر غلط، در آن شریک هستیم!

۱۲. در طراحی، توجه کامل به حفظ حریم ها و حرمت ها شود. اگرچه امروز بسیاری از حریم ها شکسته شده، اما هر کس در هر شغلی که دارد مسئول است و فراوانی اسباب گناه، دلیل ترک مسئولیت نمی شود. اگر کسی می تواند از صد گناه یک گناه کم کند، لازم است این کار را بکند. نه فقط انجام گناه، بلکه ایجاد مراکز گناه یا تعمیر و توسعه آن نیز مجاز نیست.

۱۳. مالکیت دلیل بر اتلاف و اسراف نیست و در طراحی مسکن و شهر باید از اسراف پرهیز کرد تا بستری برای غرور و تکبر کسانی که از آن استفاده می کنند، نشود. بر اساس بیان قرآن، یکی از دلایل تکبر فرعون مسکن او بود که می گفت:

«یا قَوْمِ أَ لَیْسَ لِی مُلْکُ مِصْرَ وَ هذِهِ الْأَنْهارُ تَجْرِی مِنْ تَحْتِی أَ فَلا تُبْصِرُونَ»(۳)؛

۱- . من لایحضره الفقیه، ج۴، ۳۹۵.

۲- . مطففین: ۱.

۳- . زخرف: ۵۱.

ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست و این نهرها از زیر (کاخ) من جاری نیست؟

تجملات از یک سو روحیه ساکنین را به غرور می کشانـد و از سوی دیگر افراد ضـعیف و متوسط را خیره می کنـد. قرآن می فرماید: هنگامی که مردم رفت و آمد قارون را همراه با زیور آلات می دیدند، با آهی حسرت آلود می گفتند:

«یا لَیْتَ لَنا مِثْلَ ما أُوتِیَ قارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظیمٍ»(۱)؛

ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!

۱۴. در هر رشته ای از خودباختگی در برابر صاحبـان نام و مقام دوری کرد. قرآن می فرمایـد: روز قیامت عـده ای می گویند رمز بدبختی ما این بود که در دنیا شخصیت زده بودیم و بی دلیل از بزرگانمان پیروی می کردیم:

«وَ قالُوا رَبَّنا إِنَّا أَطَعْنا سادَتَنا وَ کُبَراءَنا فَأَضَلُّونَا السَّبیلاَ»(۲)؛

و گویند: پروردگارا! همانا ما سران و بزرگانمان را اطاعت کردیم، پس آنان ما را از راه به در بردند.

۱۵. بهره گیری از تجربه دیگران لازم است. مکتب ما بارها دستور «سیروا فِی الاَرضِ»(۳)

داده و بارها از کسانی که سیر و سفر نمی کنند انتقاد کرده است.

۱۶. بلنـدی ساختمـان هـا نبایـد به قیمت کوتـاهی دین مردم تمـام شود. امام حسـین علیه السـلام از منطقه ای عبور می کرد که ساختمان بلندی را دید، فرمود:

«رَفَعَ الطّینَ وَ وَضَعَ الدّینَ»(۴)؛

گِل را برافراشته و دین را زمین نهاده است.

ص:۲۹

۱- . قصص: ۷۹.

۲- . احزاب: ۶۷.

۳- . انعام: ۱۱.

۴- . مستدرك الوسائل، ج۳، ص۴۶۷.

۱۷. در ساخت شهر و مسکن، فرهنگ جامعه اسلامی را ملاحظه کنیم و از ترویج فرهنگ غرب دوری کنیم. رسول خدا می فرماید:

«وَ لَا تَسْكُنُوا مَسَاكِنَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا كَانَ أُولَئِكَ أَعْدَائِي»(۱)؛

در خانه هایی مانند خانه دشمنان من زندگی نکنید که دشمن من می شوید، همان طور که آنها دشمن من هستند.

۱۸. انسان مرکب از جسم و روح است. در ساخت شهر و مسکن توجه به بعد روحی و معنوی مردم لازم است. اگر ما در برنامه‌ریزی ها تنها به جسم انسان بنگریم، بُعد اصلی انسان را فراموش کرده ایم. اگر از خدا و معنویت غافل شویم، به ترویج فساد کمک کرده ایم. قرآن می فرماید:

«ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاس»(۲)؛

فساد در خشکی و دریا ظاهر شد به واسطه اعمال مردم.

۱۹. در مسکن و شهرسازی شعائر الهی را برجسته کنیم. قرآن می فرماید:

«وَ مَنْ يُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَى الْقُلُوب»(۳)؛

هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

۲۰. در طراحی و ساخت مسکن به فکر فخرفروشی و برتری جویی نباشیم. قرآن می فرماید:

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذِينَ لا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لا فَساداً وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»(۴)؛

سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که خواستار برتری و فساد در زمین نباشند و سرانجام (رستگاری) از آن پرهیزکاران است.

۱- . مستدرک الوسائل، ج۳، ص۲۸۴.

۲- . روم: ۴۱.

۳- . حج: ۳۲.

۴- . قصص: ۸۳.

این آیه در پایان داستان قارون آمده است تا بگوید: هرگونه فخر فروشی و برتری جویی، مایه هلاکت در دنیا و شقاوت در آخرت می شود. بر اساس روایات، حضرت علی علیه السلام، این آیه را برای تاجران بازار تلاوت می فرمود. امام خمینی نیز در پایان درس اخلاقشان برای طلّاب و فضلای حوزه علمیّه قم به این آیه عنایت داشتند.

در حدیث می خوانیم، حتی اگر کسی به واسطه بهتر بودن بند کفشش خود را برتر از دیگران ببیند، جزء کسانی است که اراده علوّ در زمین دارند. چه بسیارند کسانی که در ساخت مسکن، کاری می کنند که در جامعه نمودی داشته باشند و مردم متوجّه آنان شوند. البته اگر مهندسی با کار بهتر و دقیق تر از دیگران سبقت بگیرد، این امر روا و نیکوست.

بایدها و نبایدها در ساخت و سازها

مهارت در کنار امانت

گاهی می گوییم تعهد و دینداری مهم است یا تخصص و مهارت؟ اما وقتی به اسلام مراجعه می کنیم می بینیم تخصص و دینداری در کنار هم آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِین»(۱)؛

خداوند دوست دارد کسی را که مهارت و صنعت و حرفه و تخصصی دارد و امین و دیندار است.

در حدیث دیگری می خوانیم:

«فَمَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَی نَفْسِهِ وَ فِیهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ یَنْظُرِ اللَّهُ إِلَیْهِ یَوْمَ الْقِیَامَه»(۲)؛

کسی که مردم را به سمت خود فرا خواند، در حالی که افرادی باسوادتر از او هستند. خداوند روز قیامت نظر رحمت به او نخواهد کرد.

محکم کاری

با کمال تأسف، در کشور ما ساختمان هایی که ساخته می شود، بعد از سه چهار دهه آن را فرسوده حساب کرده و آن را در معرض تخریب قرار

۱- . کافی، ج۵، ص۱۱۳.

۲- . بحار، ج۲، ص ۱۱۰.

می دهند. در حالی که در بعضی کشورها عمر ساختمان به دو تا سه قرن می رسد و باز هم در تخریب آن تردید می کنند!

قرآن می فرماید:

«الذی أَتْقَنَ کُلَ شَیْ ء»(۱)؛

خداوند تمام آفریده های خود را متقن و محکم آفریده است.

پیامبر اکرم می فرمایند:

«إذا عَمِلَ أَحَدُکُم عَمَلًا فَلیُتقِنَهُ»(۲)؛

هرکدام از شما که کاری را انجام می دهد، آن کار را با استحکام انجام دهد.

و در سخنی دیگر می فرمایند:

«یُحِبُّ اللهُ العامِلَ إِذا عَمِلَ أَن یَحسُنَ»(۳)؛

خداوند دوست دارد که هرکس کاری را انجام می دهد، آن را نیکو و زیبا انجام دهد.

در حدیث دیگری نیز می خوانیم:

«مَن بَنی فَاقتَصَدَ فی بَنائِهِ لَم یُؤجَر»(۴)؛

هرکس ساختمانی بنا کند و در آن کم بگذارد، پاداشی نخواهد داشت.

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق از خدا چنین می خواهد:

«وَ اجعَلنی مِن اَهلِ السّدادِ»(۵)؛

خدایا مرا از اهل محکم کاری قرار بده (حرفم مستند، کارم متین و به دور از هرگونه سهل انگاری باشد).

۱- . نمل: ۸۸.

۲- . نهج الفصاحه، ص ۱۹۷.

۳- . نهج الفصاحه، ص۸۰۱.

۴- . المحاسن، ج۲، ص۶۰۸.

٥- . المحاسن، ج٢، ص٦٠٨.

در آیات متعدد قرآن سفارش شده که: «لاتَبخَسُوا النّاسَ اَشیاءَهُم»(۱)؛

یعنی کم کاری نکنید! در جای دیگر نیز می فرماید: وای بر کم فروشان! «وَیلٌ لِلمُطَفِّفینَ»(۲).

رعایت روابط انسانی

امام رضا علیه السلام با کارگران مزرعه خود هم غذا می شد و می فرمود: هر کارگری را که به کار می گیرید، مزدش را از قبل معین کنید تا او در حین کار دغدغه نداشته باشد؛ ولی در پایان کار، کمی بیش از آنچه قرارداد بسته اید، به او بدهید و این کارِ خدایی است که می فرماید:

«وَ یَزیدُهُمْ مِنْ فَضْلِه»(۳)؛

خداوند از فضلش پاداش اضافه می دهد.

چند منظوره بودن مکان های عمومی

قرآن در ماجرای حضرت یوسف، از لیوانی که در میان گندم های برادران جاسازی شد، دو تعبیر آورده است. یکبار فرموده: «صُواعَ الْمَلِک»(۴)؛

یعنی پادشاه با این ظرف پیمانه می کرد و یکجا می فرماید: «جَعَلَ السِّقایَهَ فی رَحْلِ أَخیه»(۵)؛

ظرف آبخوری بود. یعنی این لیوان هم ظرف آبخوری بوده و هم وسیله کیل و پیمانه.

حضرت موسی نیز در پاسخ خدا که از او پرسید: چه در دست داری؟ گفت:

«قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّؤُا عَلَیْها وَ أَهُشُّ بِها عَلی غَنَمِی وَ لِیَ فِیها مَآرِبُ أُخْری»(۶)؛

۱- . اعراف: ۸۵.

۲- . مطففین: ۱.

۳- . نساء: ۱۷۳.

۴- . یوسف: ۷۲.

۵- . یوسف: ۷۰.

۶- . طه: ۱۸.

این عصای من است که هم بر آن تکیه می دهم و هم با آن برای گوسفندانم (از درختان) برگ می ریزم و در آن منافع دیگری (نیز) برای من هست.

خداوند بهره های چند منظوره را در آفرینش بسیار به ما نشان داده است. مثلاً مکیدن، سخن گفتن، نفس کشیدن، بوسیدن، سوت کشیدن و فوت کردن را از طریق دو لب انجام می دهیم!

در ساخت و ساز نیز باید ببینیم چگونه می توانیم از مکان کم، بهره زیاد ببریم.

می توان از مدارس و دانشگاه ها در ایام تعطیلی بهره جست؛

می توان حسینیه ها را آنگونه طراحی کرد که در غیر ایام سوگواری، پاسخ گوی نیازهای مردم محله باشد؛

می توان از سالن های ورزشی در غیر ایام ورزش بهره جست؛

می توان سالن های آمفی تئاتر ادارات را آنگونه طراحی کرد که راهی هم به خیابان داشته باشد و یا نمازخانه ادارات در جایی قرار دهیم که مردم نیز از آن بهره مند شوند.

دوری از اشرافی گری، تکاثر، تجمل و تبرّج

هرکدام از این امور، بستری برای غفلت از خدا، معاد و محرومین است و بخش مهمی از عمر و مال انسان را به خود جلب می کند. دل ربایی مادیات، بینندگان را از معنویات غافل می کند. هوس ها، حسادت ها و حساسیت ها را تحریک و مردم را دچار تضاد و تفرقه می کند. به علاوه، خود انسان را نیز گرفتار غرور و تکبر می کند.

زندگی اشرافی قارون دل افراد را می برد و آنان می گفتند: ای کاش ما هم مثل قارون بودیم. قرآن می فرماید:

«فَخَرَجَ عَلی قَوْمِهِ فِی زِینَتِهِ قالَ الَّذِینَ یُرِیدُونَ الْحَیاهَ الدُّنْیا یا لَیْتَ لَنا مِثْلَ ما أُوتِیَ قارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِیمٍ»(۱)؛

(روزی قارون) با تمام تجمّل خود در میان قومش ظاهر شد، (با دیدن این صحنه) آنان که خواهان زندگانی دنیا بودند (آهی کشیده و) گفتند: ای

کاش مثل آنچه به قارون داده شده، برای ما نیز بود. براستی که او بهره بزرگی (از نعمت ها) دارد.

از این آیه استفاده می شود که قدرت و ثروت در دست انسان های غافل، سبب فخرفروشی، خودنمایی و تجمّل گرایی است و اشرافی گری، می تواند فرهنگ مردم را به تدریج تغییر دهد.

شخصی به امام حسین گفت: خانه ای ساخته ام که دوست دارم تشریف بیاورید و دعا کنید. امام دعوت او را پذیرفت، ولی وقتی وارد شد و خانه را دید، فرمود:

«أَخْرَبْتَ دَارَکَ»؛

خانه آخرتت را خراب کردی؛

«وَ عَمَرْتَ دَارَ غَیْرِکَ»؛

خانه وارثت را آباد کردی.

«غَرَّکَ مَنْ فِی الارْضِ وَ مَقَتَکَ مَنْ فِی السَّمَاءِ»(۲)

مردم زمین تو را اغفال کرده اند و اهل آسمان نسبت به تو خشمگین هستند.

در تاریخ آمده است که ابوذر به معاویه گفت: اگر کاخی که ساخته ای از بیت المال است، خیانت کرده ای و اگر از مال خودت است، اسراف کرده ای.

در فرهنگ اسلامی، اسراف از گناهان کبیره است و قرآن چند تعبیر درباره اسراف دارد:

۱- . قصص: ۷۹.

۲- . مجموعه ورام، ج ۱، ص ۷۰.

۱. «وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفين»(۱): و مسرفان را هلاک نموديم!

۲. «وَ أَنَّ الْمُسْرِفينَ هُمْ أَصْحابُ النَّار»(۲): و مسرفان اهل آتشند!

۳. «إِنَّ الْمُبَذِّرينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطين»(۳): تبذير كنندگان، برادران شياطين هستند!

۴. «يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتاب»(۴): خداوند هر اسراف كارى را گمراه مى سازد!

گرچه انسان در مالك شدن محدوديتى ندارد، ولى معناى مالكيت آن نيست كه هرگونه بخواهد خرج كند.

انبيا مانع ولخرجى ثروتمندان بودند، لذا آنان عصبانى مى شدند و مى گفتند:

«يا شُعَيْبُ أَ صَلاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ ما يَعْبُدُ آباؤُنا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فى أَمْوالِنا ما نَشاءُ»(۵)؛

اى شعيب! آيا نمازت تو را وادار كرده كه ما را از آزادى در اموالمان منع كنى؟

قرآن درباره اسراف در ساختمان مى فرمايد:

«أَ تَبْنُونَ بِكُلِّ ريعٍ آيَةً تَعْبَثُون وَ تَتَّخِذُونَ مَصانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُون»(۶)؛

آيا بر هر بلندى برجى براى عياشى بنا مى كنيد و قصرهاى محكم مى سازيد به اميد اينكه در دنيا جاودانه بمانيد؟

در آيات قبل و بعد اين آيه، چندين بار عبارت «فاتقوا الله» تكرار شده است؛ يعنى اين كارها با تقوا سازگار نيست.

اسراف در ساختمان هاى دولتى كه از بودجه بيت المال ساخته مى شود، خطر بيشترى دارد. حضرت على عليه السلام در نامه ۲۶ نهج البلاغه مى فرمايد:

۱- . انبياء: ۹.

۲- . غافر: ۴۳.

۳- . اسراء: ۲۷.

۴- . غافر: ۳۴.

۵- . هود: ۸۷.

۶- . شعرا: ۱۲۸.

«أَعظَمُ الخِیانَهِ خِیانَهُ الأُمَّهِ»(۱)؛

از بزرگترین خیانتها، خیانت کردن به امت است.

در مورد دیگر نیز دستور می دهد:

«أَدِقُّوا أَقْلَامَکُمْ وَ قَارِبُوا بَیْنَ سُطُورِکُم»(۲)؛

نوک قلم ها را تیز کنید و سطرها را به هم نزدیک کنید؛ زیرا بیت المال تحمل این همه ولخرجی در کاغذ را ندارد.

نقل شده که «شریح ابن حارث» قاضی حکومت امام علی علیه السلام خانه ای اشرافی خرید. این گزارش که به امام رسید، او را احضار کرد و چنین هشدار داد: «بَلَغَنِی أَنَّکَ ابْتَعْتَ دَاراً بِثَمَانِینَ دِینَاراً وَ کَتَبْتَ لَهَا کِتَاباً وَ أَشْهَدْتَ فِیهِ شُهُوداً»(۳) به من خبر رسیده که خانه ای به قیمت ۸۰ دینار خریده و بر آن شهود و گواه گرفته ای. شریح پاسخ داد: چنین بوده است ای امیرمؤمنان. امام علیه السلام نگاه تندی به وی کرد و فرمود: ای شریح! به زودی کسی به سراغت خواهد آمد که نه سندت را نگاه می کند و نه از شهودت می پرسد؛ او تو را از آن خانه خارج می کند و به قبرت تحویل می دهد. ای شریح! بنگر این خانه را از مال دیگری نخریده، یا بهای آن را از غیر مال حلال نپرداخته باشی که در دنیا و آخرت خود را زیانکار کرده ای! اگر هنگام خرید خانه نزد من آمده بودی، نسخه قباله را بدین گونه می نوشتم که دیگر در خریدن خانه ای حتی به بهای یک درهم یا بیشتر علاقه به خرج ندهی: «این چیزی است که بنده ای ذلیل که آماده کوچ به سرای دیگر است خریداری کرده؛ خانه ای از سرای غرور، در محله فانی و کوچه هلاک شوندگان...».

۱- . نهج البلاغه، ص۱۶.

۲- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۴۰۴.

۳- . نهج البلاغه، ص۳۶۴.

انگیزه ها و آثار اسراف

۱. ریشه اسراف و تجملات در مسکن آن است که اسراف کار، کار خود را زیبا می پندارد: «زُیِّنَ لِلْمُسْرِفینَ ما کانُوا یَعْمَلُون»(۱)؛ درحالی که اسراف نشانه دو چیز است: یکی غفلت از قیامت و دیگری فراموش کردن محرومان و نیازمندان جامعه.

البته برخی اسراف ها ناشی از بی توجهی و بی اعتنایی به اصول ساخت وساز است که به اسم صرفه جویی در هزینه مرتکب می‌شویم؛ مانند حرارت هایی که

از طریق پنجره ها و کانال کولر هدر می رود. مساحت پنجره ها، یک جداره بودن شیشه ها، اتاق های پر پنجره و دیوارهای بدون عایق، گوشه ای از بستر های اسراف و نشانه بی توجهی به نسل آینده است.

قرآن در سوره ابراهیم از مدیریت انسان گله می کند و می فرماید: ما زمین و آسمان را آفریدیم، باران را فروفرستادیم، همه گونه میوه در اختیارتان گذاشتیم، کشتی و نهر ها را برایتان مسخر کردیم، شب و روز و خورشید و ماه را در تسخیر شما قرار دادیم و هرچه نیاز داشتید به شما دادیم، طوری که نعمت های خداوند را نمی توانید به شمارش درآورید. پس مشکل در لطف ما و نداشتن امکانات نیست، مشکل در مدیریت شماست: «إِنَّ الْإِنْسانَ لَظَلُومٌ کَفَّار»(۲)؛ سوء مدیریت شما، مایه ظلم و کفران نعمت است.

سادگی منزل مسئولان

یکی از کارگزاران حضرت علی علیه السلام خانه ای با شکوه ساخت. حضرت به او فرمود:

۱- . یونس: ۱۲.

۲- . ابراهیم: ۳۴.

«أَطْلَعَتِ الْوَرِقُ رُءُوسَهَا إِنَّ الْبِنَاءَ يَصِفُ لَکَ الْغِنَی»(۱)؛

سکه های طلا و نقره، سر و کله خود را نشان داده اند. این ساختمان می گوید: تو مرد ثروتمندی هستی.

امام باقر علیه السلام درباره حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«لَقَدْ وُلِّیَ خَمْسَ سِنِینَ وَ مَا وَضَعَ آجُرَّهً عَلَی آجُرَّهٍ وَ لا لَبِنَهً عَلَی لَبِنَهٍ»(۲)؛

او پنج سال حکومت کرد، اما نه آجری روی آجری گذاشت و نه خشتی روی خشت.

چنانکه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نیز می خوانیم: «وَ مَا وَضَعَ لَبِنَهً عَلَی لَبِنَهٍ وَ لا قَصَبَهً»(۳)؛ پیامبر از دنیا رفت، اما خشتی روی خشت نگذاشت.

خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و حضرت علی علیه السلام در کنار خانه های مردم عادی بود، اما با کمال تأسف از زمان عثمان و معاویه به تقلید از پادشاهان، خانه ها تبدیل به کاخ و در نقاط خوش آب و هوا و به دور از توده های مردم ساخته می شد.

حفظ محیط زیست

تخریب منابع طبیعی، مصداق فساد در زمین است که قرآن می فرماید:

«لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ»(۴).

همچنین خداوند درباره مواهب طبیعی می فرماید:

«یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْأَنْفالِ قُلِ الْأَنْفالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ»(۵)؛

(ای پیامبر!) از تو درباره انفال می پرسند (که از آن کیست؟) بگو: انفال، از آنِ خدا و پیامبر است. پس، از خداوند پروا کنید.

در روایات و کتب فقهی، منابع طبیعی و ثروت های عمومی، جنگل ها، درّه ها، نیزارها، زمین های موات، معادن و... از انفال شمرده شده اند.(۶)

براساس این آیه تلف کردن، ضایع کردن، بد استفاده کردن یا استفاده نکردن و به حال خود رها کردن منابع طبیعی، نوعی بی تقوایی است.

تخریب منابع طبیعی، مصداق تبدیل نعمت های الهی است: «وَ مَنْ یُبَدِّلْ نِعْمَهَ اللَّه»(۷)؛

تخریب، مصداق طغیان است که قرآن می فرماید: «وَ لا تَطْغَوْا»(۸)؛

۱- . نهج البلاغه، حکمت ۳۵۵.

۲- . المناقب، ج ۲، ص ۹۵.

۳- . التحصین، ابن فهد حلی، ص ۳۰.

۴- . بقره: ۱۱.

۵- . انفال: ۱.

۶- . تفسیر نمونه، ج ۷، ص۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۲۳.

۷- . بقره: ۲۱۱.

۸- . طه: ۸۱.

تخریب، تغییر نعمت های الهی است: «فَلَیُغَیِّرُنَّ خَلْقَ اللّه»(۱)؛

تخریب، به هم زدن نظام آفرینش الهی است، که قرآن می فرماید: «وَ خَلَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدیرا»(۲)؛

تخریب، نابود کردن زینت های الهی است: «إِنّا جَعَلْنا ما عَلَی الْأَرْضِ زینَهً لَها»(۳)؛

تخریب، خیانت به امانت های الهی است: «وَ تَخُونُوا أَماناتِکُم»(۴)؛

تخریب، تجاوز به حقوق مردم است، زیرا زمین برای همه است: «وَ الْأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنام»(۵)؛

تخریب، مخالفت با هدف الهی است؛ زیرا خداوند از ما آباد کردن زمین را خواسته است، نه تخریب آن را: «هُوَ أَنْشَأَکُمْ مِنَ الارْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیها»(۶)؛

تخریب، کار جنایتکاران است، زیرا قرآن می فرماید:

«وَ إِذا تَوَلّی سَعی فِی الارْضِ لِیُفْسِدَ فِیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ»(۷)؛

آنان اگر حکومت را به دست بگیرند برای فساد در زمین و نابودی کشاورزی و نسل تلاش می کنند.

البته در مواردی نیز تخریب به جاست، مانند:

۱. تخریب بت ها به دست حضرت ابراهیم: «فَجَعَلَهُمْ جُذاذا»(۸)؛

۲. تخریب و آتش زدن گوساله سامری توسط حضرت موسی: «لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِی الْیَمِّ نَسْفا»(۹)؛

۱- . نساء: ۱۱۹.

۲- . فرقان: ۲.

۳- . کهف: ۷.

۴- . انفال: ۲۷.

۵- . الرحمن: ۱۰.

۶- . هود: ۶۱.

۷- . بقره: ۲۰۵.

۸- . انبیاء: ۵۸.

۹- . طه: ۹۷.

۳. تخریب موانع در هنگام جنگ با دشمن: «ما قَطَعْتُمْ مِنْ لينَه»(۱)؛

۴. تخریب بت ها به دست حضرت علی علیه السلام روز فتح مکه؛

۵. تخریب مسجد ضرار به دست پیامبر؛

۶. تخریب خانه خیانتکاران. حضرت علی علیه السلام خانه خیانتکارانی را که به سوی معاویه گریختند، مانند مصقله بن هبیره، عروه بن العشیه، جریر بن عبدالله بجلی و کسانی دیگر را ویران ساخت(۲)؛

۷. ویران سازی دکان های غیر مجاز. حضرت علی علیه السلام به بازار رفت و دید که دکان هایی در آن بنا شده است. فرمود که آنها ویران و با خاک یکسان شود؛

۸. تخریب محراب های نا بجا. حضرت علی علیه السلام اگر در مسجدی محرابی می دید که شبیه معابد یهود بود، ویران می ساخت و می فرمود: گویی آن ها قربانگاه های یهود هستند(۳)؛

این سخن گواه آن است که نباید در طراحی بناها و میدان ها و خیابان ها، خصوصیتی را به کار ببریم که نماد دشمنان تلقی می شود.

۹. ویران سازی مساجدی که بر سر راه هستند. امام باقر علیه السلام فرمود: چون قائم قیام کند، هر مسجدی را که بر سر راه باشد، ویران می نماید(۴).

۱- . حشر: ۵.

۲- . انساب الاشراف، ص ۲۲۷۷.

۳- . علل الشرایع، ۳۲۰.

۴- . بحار، ج۵۲، ص۳۳۳.

دوری از کاخ نشینی

معمولاً پس از هر انقلابی افرادی که قـدرت را به دست می گیرند، کاخ ها و باغ ها و خانه های فراریان و معدومین را مصادره و در آن مسکن می گزینند یا محل کار و تفریح خود قرار می دهند. قرآن می فرماید: جای گزینی شما برای جبران محرومیت های قبل نیست، بلکه این کاخ ها و باغ ها کلاس درسی است که بدانید چگونه عمل کنید تا به سرنوشت آنان مبتلا نشوید:

«وَ سَكَنْتُمْ فِی مَساكِنِ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ تَبَیَّنَ لَكُمْ كَیْفَ فَعَلْنا بِهِمْ وَ ضَرَبْنا لَكُمُ الْأَمْثالَ»(۱)؛

و در خانه های کسانی که (پیش از شما بودند و) به خویشتن ستم کردند، ساکن شدید، و برای شما روشن شد که با آنان چه کردیم و برای شما مثل ها زدیم (پس چرا عبرت نگرفتید؟)

فصل دوم: مسکن اسلامی

اشاره

۱- . ابراهیم: ۴۵.

مسکن شایسته در قرآن

کلمه صدق که به معنای خوب و مناسب و شایسته است، در قرآن به عنوان صفت چند کلمه آمده است:

«قَدَمَ صِدْق»(۱)،

«مُدْخَلَ صِدْق»(۲)،

«مُخْرَجَ صِدْق»(۳)،

«لِسانَ صِدْق»(۴)،

«وَعْدَ الصِّدْق»(۵)؛ جالب اینکه این وصف در مورد مسکن دو بار به کار رفته است. یکبار درباره مسکن بهشتیان که می فرماید: «فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلیکٍ مُقْتَدِر»(۶) و یکبار در مورد مسکن دنیوی که می فرماید: «مُبَوَّأَ صِدْق»(۷).

مسکن مبارک

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«وَ بَرَکَتُهَا جَوْدَهُ مَوْضِعِهَا وَ سَعَهُ سَاحَتِهَا وَ حُسْنُ جِوَارِ جِیرَانِهَا»(۸)؛

برکت مسکن، جایگاه آن، وسعت آن و همسایگان خوب آن است.

ص:۴۶

۱- . یونس: ۲.

۲- . اسراء:۸۰.

۳- . اسراء:۸۰.

۴- . مریم: ۵۰.

۵- . احقاف: ۱۶.

۶- . قمر: ۵۵.

۷- . یونس: ۹۳.

۸- . مکارم الاخلاق، ص۱۲۶.

رسول خدا می فرماید:

«بَیتٌ لاصبیانَ فیهِ لا بَرَکَهَ فیهِ»(۱)؛

خانه ای که در آن بچه نباشد، برکتی در آن نیست.

مسکن خوب، مسکنی است که دو ویژگی داشته باشد؛ یکی آنکه برای اهل خانه دلپسند و دل پذیر باشد و دیگر آنکه در منطقه خوب و مناسبی قرار گرفته باشد. قرآن درباره مسکن بهشتیان می فرماید:

«وَ مَساکِنَ طَیِّبَهً فی جَنَّاتِ عَدْن»(۲)؛

یعنی مسکن های دلپذیر در باغ های همیشگی.

در حدیث می خوانیم: مسکن دلپذیر نیست، مگر با داشتن سه چیز:

- هوای خوب: «الْهَوَاءِ الطَّیِّبِ»(۳)؛

- آب گوارای فراوان: «وَ الْمَاءِ الْغَزِیرِ الْعَذْب»(۴)؛

- زمین نرم حاصل خیز: «وَ الْأَرْضِ الْخَوَّارَه»(۵).

بادگیر بودن محله بسیار مهم است. در حدیث می خوانیم:

«وَ الرِّیحُ لَوْ حُبِسَتْ أَیَّاماً لَفَسَدَتِ الْأَشْیَاءُ جَمِیعا»(۶)

اگر برای چند روز باد نوزد، همه چیز فاسد می شود.

امام صادق درباره فواید باد به مفضل می فرماید:

«وَ یُمْرِضُ الْأَصِحَّاءَ وَ یَنْهَکُ الْمَرْضَی وَ یُفْسِدُ الثِّمَارَ وَ یُعَفِّنُ الْبُقُولَ وَ یُعْقِبُ الْوَبَاءَ فِی الْأَبْدَانِ وَ الْآفَهَ فِی الْغَلَّات»(۷)

۱- . نهج الفصاحه، ص۱۰۹۶.

۲- . توبه: ۷۲.

۳- . تحف العقول، ص ۳۲۰.

۴- . تحف العقول، ص ۳۲۰.

۵- . بحار، ج۷۵، ص۲۳۲.

۶- . بحار، ج ۱۰، ص۱۷۵.

۷- . توحید، مفضل، ص ۱۴۰.

اگر باد نبود سالم ها بیمار می شدنـد، بیماران ذلیل می شدند، میوه ها فاسد می شد، سبزی ها بدبو می شدند و بیماری وبا بدن را فرا می گرفت و غلات آفت زده می شد.

به گفته بعضی از پژوهشگران، زندگی در اتاق کوچک و بدون پنجره که دسترسی به هوای سالم و فضای خارج نداشته باشد، سبب افسردگی می شود.(۱)

تهیه زمین و مصالح از مال حلال

پیامبر اکرم فرمود:

«اِتّقوا حَجَرَ الحَرامِ فِی البُنیانِ فَاِنَّهُ اَساسَ الخَرابِ»(۲)؛

از بکار بردن مصالحی که از مال حرام تهیه شده، در ساختمان بپرهیزید، که مایه خرابی است.

و در سخنی دیگر فرمود:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ هَوَاناً أَنْفَقَ مَالَهُ فِی الْبُنْیَانِ»(۳)؛

اگر خدا اراده کند که بنده ای را خوار نماید، مالش را در بنای ساختمان هزینه می کند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«سَلَّطَ اللهُ عَلَیهِ بُقعَهً مِنها فَاَنفَقَهُ فیها»(۴)؛

همین که انسـان مـال حرامی را به دست آورد، خداونـد یکی از این قطعـات زمین را بر او مسـلط می کنـد تا ثروت خود را در آنجا خرج کند.

همچنین رسول خدا فرمود:

«اِتَّقُوا البُنیانَ فِی الحَرامِ فَاِنَّه اَساسُ الخَرابِ»(۵)؛

در بنای ساختمان از گناه بپرهیزید، زیرا گناه اساس خرابی است.

۱- . اولین دانشگاه، اخرین پیامبر، ج۲، ص۱۸۲.

۲- . نهج الفصاحه، ح ۳۸.

۳- . مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۵۵.

۴- . کافی، ج۶، ص۵۳۲.

۵- . مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۷۲.

براساس این حدیث، تقوا در ساخت مسکن، در رفاه و راحتی، یا تنگی و سختی اهل خانه اثر دارد. چنانکه در حدیث دیگری می خوانیم:

«مالُ الحَرامِ لایَنمو وَ إِنْ نَمی لَا یُبَارَکُ»(۱)؛

مال حرام رشد و نموی ندارد و اگر داشته باشد برکت ندارد.

احترام به مالکیت خصوصی

اسلام برای مالکیت افراد احترام قائل است و لذا در انجام نماز، اگر آب وضو، مکان نماز، لباس نمازگزار، حتی دکمه لباس او غصبی باشد، نماز باطل است.

از آنجا که مسکن هرکس، محل نماز او نیز هست، لذا زمین، مصالح و هزینه های ساخت مسکن باید از مال حلال تهیه شود و اگر ملک اجاره ای است، در هر تصرف و تغییر و تبدیلی باید رضایت مالک مراعات شود.

خانه سالمندان

نیازهای افراد متفاوت است و باید طراحی و ساخت انواع مسکن نیز متفاوت باشد. برای افراد سالمند باید واحدهای کوچکی در مجموعه های مسکونی طراحی کرد که نیاز نباشد پدران و مادران سالمند را کیلومترها دورتر به آسایشگاه سالمندان منتقل کنند و روابط عاطفی دچار اختلال شود.

در مجتمع های بزرگ، همان گونه که پارکینگ و انباری تعبیه می شود، چند واحد برای پدران و مادران سالمند ساخته شود که آنان در کنار فرزندشان باشند؛ ولی از جانب عروس و داماد یا دختر و پسر خود مورد بی مهری قرار نگیرند.

از برکات این طرح، سرکشی روزمره فرزندان به والدین سالمند، ارتباط عاطفی سالمندان با نوه های خود، سپردن اطفال خانه به آنان و حضور آنان در

ص:۴۹

۱- . الکافی، ج۵، ص ۱۲۵.

مجالس و مهمانی های خانوادگی است که مرهمی برای افسردگی آنان و برکت برای فرزندان است.

مسکن کم هزینه

قرآن می فرماید:

«بُیُوتاً تَسْتَخِفُّونَها»(۱)؛

خانه هایی که روز کوچ سبک می یابید.

زندگی عشایری که در چادر و خیمه است، هم سبک است و هم قابل نقل و انتقال. قرآن این خیمه ها را خانه نامیده تا تصور نشود که خانه فقط از مصالح سنگین است؛ بلکه می توان از مصالح سبک نیز خانه ساخت.

وسعت مسکن

با اینکه در قرآن، اسراف گناه کبیره شمرده شده و در روایات، از ساخت مسکنی که مورد نیاز نیست، نهی شده، اما نسبت به وسعت خانه سفارش شده است. پیامبر اکرم در سخنان متعدد فرموده اند:

«مِنْ سَعَادَهِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْکَنُ الْوَاسِع»(۲)؛

از سعادت انسان منزل وسیع است.

«شَرَفُهَا السَّاحَهُ الْوَاسِعَه»(۳)؛

شرف خانه، به حیات بزرگ است.

البته وسعت خانه به حسب تعداد اعضا و میزان رفت و آمد مهمانان تفاوت دارد.

پیامبر اکرم در دعا می فرمودند:

«اللّهمَّ اغفِر لی ذَنبی وَ وَسِّع لی فی داری وَ بارِک لی فی رِزقی»(۴)؛

۱- . نحل: ۸۰.

۲- . المحاسن، ج۲، ص۶۱۱.

۳- . بحار، ج۷۳، ص۱۵۴.

۴- . نهج الفصاحه، ص۲۴۸.

خدایا گناهان مرا ببخش و خانه مرا وسعت بخش و روزی مرا پر برکت گردان.

البته در این امر باید از افراط و تفریط دوری نمود. در حدیث می خوانیم:

«کُلُّ بِناءٍ وَبالٌ عَلی صاحِبِهِ اِلّا ما لابُدَّ لَهُ»(۱)؛

ساخت بنایی که به آن نیاز نیست، وبالی بیش نیست.

پیامبر اکرم فرمود:

«فَضلًا عَلی ما یَکفیهِ اَو یَبنی مُباهاةً»(۲)؛

جایز نیست ساختمانی بیش از نیاز ساخته شود یا برای فخرفروشی و مباهات بنا شود.

حضرت علی به خانه علاء بن زیاد (یکی از یارانش) به عیادت رفت. پرسید: با این خانه بزرگ چه می کنی؟ نیاز تو در آخرت به خانه بیشتر است؛ مگر آنکه در این خانه مهمانی بدهی و فامیل را دعوت کنی که در این صورت می توانی از این خانه، خانه آخرتت را درست کنی.(۳)

پیامبر فرمود:

«لا تَبْنُوا مَا لا تَسْكُنُونَ وَ لا تَجْمَعُوا مَا لا تَأْكُلُونَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»(۴)؛

آنچه را مورد سکونت قرار نمی دهید نسازید و آنچه را نمی خورید جمع نکنید؛ از خدایی که به سوی او بر می گردید پروا کنید.

در حدیث می خوانیم: امام معصوم خانه ای خرید و به یکی از اطرافیانش که منزل تنگی داشت فرمود که به آنجا منتقل شود. او گفت این خانه، خانه ای

۱- . مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۶۷.

۲- . الحیاه، ج ۴، ص ۲۱۲.

۳- . بحار، ج۷۶، ص۱۵۵؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۰۹.

۴- . کافی، ج۲، ص۵۲.

است که پدرم ساخته است. امام فرمود: اگر پدر تو نادان بوده، تو هم باید نادان باشی.(1)

آری؛ کسی که امکان فراهم کردن رفاه برای خود و خانواده دارد، نبایـد به خاطر حفظ منزل پدری، بر خود و خانواده سـخت بگیرد و آنها را در مضیقه قرار دهد.

پیامبر اکرم فرمودند:

«مِن سَعادَهِ المُسلِمِ سِعَهُ المَسکَنِ وَ الجارِ الصّالِحِ وَ المَرکَبِ الهَنی ءِ»(2)؛

خانه وسیع و همسایه خوب و مرکب راهوار، از سعادت مسلمان است.

طبقات مسکن

در توصـیف مسـکن بهشتیان در قرآن می خوانیم که دارای باغ ها و نهر های متعدد و گسترده ای است که این نشانه آن اسـت که خانه های بهشتیان وسـیع و در کنار نهرهاست (به اصـطلاح، ویلایی است). این از یک سو؛ از سوی دیگر قرآن می فرماید: «لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِها غُرَف»(3)؛ با توجه به اینکه معنای غرفه، مکان مرتفعی است که بر اطراف اشـراف داشته باشد، به نظر می رسد در بناهای بهشتی، طبقات نیز مطرح است.

امروزه به دلیـل جمعیت هـای متراکم و کمبود زمین - به خصوص در بعضـی منـاطق - و نیازهای زنـدگی ماشـینی به خـدمات گوناگون، انسان ها مجبور به زنـدگی در آپارتمان شـده انـد. اگر مسـئولان شـهرسازی و طراحان و مهندسان مسـکن به اصول دینی توجه نماینـد، می توان در عین ساخت خانه های چنـد طبقه، از آفت ها و آسـیب های فرهنگی و اجتماعی آن جلوگیری نمود.

1- . الکافی، ج6، ص525.

2- . خصال، 183.

3- . زمر:20.

همان گونه که در بهشت هم زندگی در طبقات و در امنیت کامل است: «وَ هُمْ فِی الْغُرُفاتِ آمِنُون»(۱).

دسترسی های مسکن

اگر مسکن به مراکزی مثل مدرسه و مسجد و کتابخانه نزدیک باشد، انسان توفیقات بیشتری پیدا می کند. همچنین براساس روایات، صله رحم سبب

آبادانی شهرها می شود: «صِلَةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّیَار»(۲). لذا در انتخاب مسکن مکانی را انتخاب کنیم که دید و بازدید بستگان آسان تر باشد.

اما اگر در انتخاب مسکن آنگونه تدبیر شود که دید و بازدیدهای فامیلی حذف شود، گرفتار قهر خدا خواهیم شد. قرآن می فرماید:

«وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَل»(۳)؛

گروهی از مردم، آنچه را خداوند به وصلش فرمان داده است، قطع می کنند.

امام سجّاد علیه السلام به فرزندش می فرماید:

«اِیّاکَ وَ مُصاحَبَةُ القاطِعِ لِرَحِمِهِ، فَاِنّی وَجَدتُهُ مَلعوناً فی کِتابِ اللهِ»(۴)؛

از دوستی و مصاحبت با کسانی که قطع رحم می کنند بپرهیز، زیرا من در قرآن، آنها را ملعون یافتم:

«وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَه»(۵).

بی تکلّفی در مسکن

ساده زیستی، هم راحتی دنیا را در پی دارد، هم روسفیدی قیامت را. به قول شاعر:

ص:۵۳

۱- . سبأ: ۳۷ ؛ قرآن در سوره فرقان آیه ۷۵ و سوره عنکبوت ۵۸ نیز از غرفه های بهشت نام می برد.

۲- . امالی طوسی، ص ۴۸۱.

۳- . بقره: ۲۷.

۴- . الکافی، ج ۲، ص ۳۷۷.

۵- . رعد: ۲۵.

تکلف گر نباشد خوش توان زیست تعلق گر نباشد خوش توان مُرد

پیامبر اکرم به مردم می فرمود:

«وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفین»(۱)؛

من اهل تکلف نیستم و زندگی با من بسیار آسان است.

در امر ساختمان و مسکن نیز بی تکلفی یک نعمت است. چه افرادی که به خاطر تکلف در بنای ساختمان ورشکست شدند یا زیر بار قرض های سنگین

رفتند! چه مساجدی که به خاطر تکلف در ساخت آن مدت ها از برگزاری نماز جماعت در آن محروم بودند! متأسفانه امروزه بخش زیادی از بودجه ها و استعدادها، صرف تکلفات و تجملات می شود.

نور طبیعی

بهره گیری از نور خورشید در سلامتی ساکنان خانه مؤثر است. بسیاری از ساختمان های شیک امروزی - اگر برق نباشد - تاریکخانه ای بیش نیست. زندگی در اتاق های تاریک علاوه بر مصرف برق، در سلامتی جسم و روح انسان نیز مؤثر است.

قرآن در ماجرای اصحاب کهف می فرماید: خداوند به اصحاب کهف وعده رحمت و لطف و رِفق داد: «وَ یُهَیِّئْ لَکُمْ مِنْ أَمْرِکُمْ مِرفَقا»(۲)؛ سپس نمونه این رحمت و لطف را، وسعت و نور غار بیان کرد:

«وَ تَرَی الشَّمْسَ إِذا طَلَعَتْ تَتَزاوَر»(۳)؛

و (اگر در آنجا بودی) خورشید را می دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می گردد و به هنگام غروب، به سمت چپ، و آنها در محل وسیعی از آن (غار) قرار داشتند.

۱- . ص: ۸۶.

۲- . کهف: ۱۶.

۳- . کهف: ۱۷.

ظاهرا غار نه رو به شرق بوده که تنها صبح آفتاب داشته باشد و نه رو به غرب که تنها غروب آفتاب داشته باشد؛ بلکه به گونه ای بوده که صبح و غروب، نور خورشید را داشته است.

با کمال تأسف، امروز دیده می شود اتاقی را که نور بهتری دارد، اتاق پذیرایی می کنند که در سال چند بار بیشتر از آن استفاده نمی شود، ولی برای خود و فرزندان، اتاق کوچک و کم نور را قرار می دهند!

هوای مطبوع

تأمین دمای مطلوب در تابستان و زمستان، با تجهیز ساختمان به سیستم های سرمایش و گرمایش، باید در طراحی و ساخت مسکن لحاظ شود. قرآن درباره هوای بهشت می فرماید:

«لا يَرَوْنَ فيها شَمْساً وَ لا زَمْهَريرا»(۱)؛

در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی.

این آیه بیان می دارد که هوای بهشت از نظر گرما و سرما در حد مطبوعی است.

حضرت موسی نیز در سفر بازگشت از مدین، به همسرش گفت: لحظاتی بمانید تا من آتشی را برای شما فراهم کنم تا گرم شوید: «إِنِّي آنَسْتُ ناراً لَعَلِّي آتيكُمْ مِنْها بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُون»(۲).

در مورد سفر حضرت موسی به مدین نیز قرآن می فرماید: «ثُمَّ تَوَلَّي إِلَى الظِّل»(۳)؛ یعنی حضرت موسی به سمت سایه رفت تا استراحت کند. قرآن در مورد سفرهای اهل مکه در زمستان و تابستان نیز می فرماید: «إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ»(۴)؛ بنابراین می بینیم که اسلام حتی به تأمین هوای مطبوع نیز

۱- . انسان: ۱۳.

۲- . قصص: ۲۹.

۳- . قصص: ۲۴.

۴- . قریش: ۲.

التفات دارد؛ کاری که گاهی با انتقال از مکانی به مکان دیگر انجام می شود و گاهی با تهیه وسایل گرمایشی و سرمایشی.

بوستان بیرونی یا باغچه درونی؟

امروز اکثر منازل و شهرک ها در قالب آپارتمان ساخته می شود و در فاصله های دور یا نزدیک آنها بوستانی می سازند. اما در فرهنگ اسلامی، اولویت با خانه

حیاط دار است، نه آپارتمان بدون حیاط؛ اولویت با باغچه کوچک داخل حیاط منزل است، نه بوستان بزرگ بیرون منزل.

اگر هر خانه ای چند متر باغچه داشته باشد، برکاتی دارد که این برکات در پارک نیست. فوایدی مانند:

۱. باغچه هوای حیاط را لطیف می کند؛

۲. سایه درختان آن در بهار و تابستان مفید است؛

۳. گل و سبزی آن نشاط آور است؛

۴. رسیدگی به آن، بخشی از ایام فراغت صاحبخانه را به خوبی پر می کند؛

۵. بخشی از میوه و سبزی خانه را تأمین می کند؛

۶. مسائل شرعی مثل محرم و نامحرم، مسائل اجتماعی مثل ارتباطاتی که گاهی ناسالم است، مسائل امنیتی مثل نظارت و کنترل والدین، مسائل روحی مثل چشم و هم چشمی هایی که با رفتن به پارک ها تحریک می شود و بسیاری از مسائل دیگر در خانه مطرح نیست.

اگر مهندسان مسلمان تدبیری بیندیشند که پارک ها هر کجا امکان دارد، تبدیل به باغچه خانه ها شود، مردم از برکات باغچه استفاده بیشتری خواهند کرد.

آسایش در مسکن

قرآن می فرماید:

«جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنا»(۱)؛

خدا برای شما خانه هایتان را مایه آرامش قرار داد.

مسکن از ریشه «سکینه» به معنای آرامش است؛ بنابراین باید محور ساخت مسکن، آرامش و آسایش ساکنان آن باشد. خانه هایی که در کنار فرودگاه، راه آهن و کارخانجات پر سروصدا هستند، ساکنانشان به اضطرار در آنجا زندگی

می کنند و آرامشی ندارند. در خانه سازی باید دیوارها به گونه ای عایق بندی شود که گفتگوهای ساکنان خانه به همسایگان منتقل نشود.

حفظ حریم حیا در مسکن

اتاق خواب باید به گونه ای ساخته شود که مسائل زناشویی از سایر افراد منزل پنهان بماند. قرآن می فرماید:

فرزندان حق ورود بدون اجازه به اتاق والدین را ندارند: «وَ الَّذینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ ثَلاثَ مَرَّات»(۲)؛ به خصوص زمانی که آنان لباسهایشان را بر زمین می گذارند: «وَ حینَ تَضَعُونَ ثِیابَکُمْ مِنَ الظَّهیرَه»(۳).

نزدیکی محل کار با مسکن

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ مِنْ سَعَادَهِ الْمَرْءِ أَنْ یَکُونَ مَتْجَرُهُ فِی بَلَدِه»(۴)؛

از سعادت انسان آن است که محل کسب و کار او در شهر خودش باشد و نیازی به کوچ کردن نباشد.

از این حدیث شریف استفاده می شود که نزدیکی محل کار به مسکن یک امتیاز است و برکاتی دارد از جمله:

۱- . نحل: ۸۰.

۲- . نور: ۵۸.

۳- . نور: ۵۸.

۴- . الکافی، ج۵، ص۲۵۷.

۱. صرفه جویی در وقت؛

۲. صرفه جویی در هزینه رفت و آمد؛

۳. کاهش ترافیک؛

۴. هوای بهتر و سالم تر؛

۵. کاهش خستگی که سبب کاهش کار و تولید می شود؛

۶. انس بیشتر با خانواده؛

۷. استمداد از اعضای خانواده در موارد نیاز؛

۸. افزایش ساعات فراغت برای تفریح و استراحت و ورزش.

ممنوعیت تبدیل باغ به مسکن

در روایات می خوانیم: درختان را برای ساخت و ساز قطع نکنیـد، مگر آنکه در مقابل قطع درخت، درختی را غرس کنید. امام صادق فرمود:

«لَا تَقْطَعُوا الثِّمَارَ فَيَبْعَثَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْعَذَابَ صَبّاً»(۱)؛

درختان را قطع نکنید، زیرا خداوند بر شما عذاب می فرستد.

ممنوعیت اِشراف به خانه دیگران

جلوی گناه را بایـد از سرچشـمه گرفت. خلوت با زن نامحرم، به گونه ای که دیگری نتوانـد وارد شود، ممنوع است. ساختمان ها نیز باید به گونه ای باشد که اشـراف بر خانه مردم، بستری برای چشم‌چرانی نباشد. در روایات بسیاری، از اشراف بر همسایه و نگاه کردن به خانه مردم با صراحت نهی شده است. پیامبر فرمود: «خانه هرکس حرم اوست».

جالب آنکه ارزش چشم از نظر حقوقی مساوی با ارزش یک انسان است؛ تا آنجا که اگر کسـی دو چشم دیگری را نابینا کند، باید دیه کامل بدهد. اما اگر

۱- . الکافی، ج۵، ص۲۶۴.

همین چشم با نگاه خائنانه به حریم افراد وارد شود و صاحبخانه به آن چشم ناپاک ضربه وارد کند، ضامن نیست.

امام خمینی چنین فتوا داده اند: «دید زدن به خانه مردم و نگاه به نامحرم گناه است و صاحبخانه حق دارد سنگ یا چیزی به سوی نگاه کننده پرتاب کند و ضمانی هم بر او نیست. حتی اگر به درون خانه های دور با ابزاری مثل

دوربین قوی بنگرد، مثل آن است که از نزدیک نگاه کند. نگاه به درون خانه دیگران از طریق نصب آینه نیز همین حکم را دارد.»(۱)

پیامبر در اتاق، کنار یکی از همسرانش نشسته بود که متوجه شد شخصی از شکاف در به اندرون نگاه می کند. حضرت فرمود: ای خبیث! اگر به تو نزدیک بودم، چشمانت را در می آوردم:

«إِنَّ رَجُلًا اطَّلَعَ مِنْ خَلَلِ حُجْرَهِ رَسُولِ اللَّهِ ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَيْ خَبِيثُ أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ ثَبَتَّ لِي لَفَقَأْتُ عَيْنَكَ»(۲)

در حدیثی می خوانیم:

«وَ مَنِ اطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَهِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَهٍ أَوْ شَيْ ءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَبْتَغُونَ عَوْرَاتِ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَ يُبْدِيَ لِلنَّاسِ عَوْرَتَهُ فِي الْآخِرَه»(۳)؛

کسی که اشراف به خانه همسایه داشته باشد و به عورت مرد یا بدن و موی زن همسایه نگاه کند، حق است که خداوند او را با منافقین به دوزخ افکند و نمیرد تا اینکه به نحوی خداوند او را رسوا کند.

۱- . تحریرالوسیله، ج۱، ص۴۹۳.

۲- . وسائل الشیعه(موسسه آل البیت)، ج۲۹، ص ۶۸.

۳- . بحار، ج۷۳، ص۳۶۱.

مساکن خالی

از نظر اسلام، احتکار و خالی نگه داشتن مسکن بسیار مذموم است؛ به ویژه امروزه که افراد بسیاری از جامعه مشکل مسکن دارند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ كَانَ لَهُ دَارٌ وَ احْتَاجَ مُؤْمِنٌ إِلَى سُكْنَاهَا فَمَنَعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَلَائِكَتِي عَبْدِي بَخِلَ عَلَى عَبْدِي بِسُكْنَى الدُّنْيَا وَ عِزَّتِي لَا يَسْكُنُ جِنَانِي أَبَداً»(۱)؛

هر کس خانه ای داشته و شخص مؤمنی به آن احتیاج داشته باشد و او خانه اش را در اختیار او قرار ندهد، خداوند سوگند یاد کرده که همان گونه که او در دنیا به بنده ام بخل کرد، من نیز در بهشت او را جای نمی دهم.

زندگی در خانه مخروبه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ثَلاثَةٌ لایُجیبُهُم رَبُّک عَزّوجلّ: رَجُلٌ نَزَلَ بَیتًا خَرباً»(۲)

سه گروه هستند که خداوند جوابشان را نمی دهد، یکی از آنها کسی است که در خانه خراب زندگی کند.

مقاوم سازی مسکن در برابر زلزله

گداختگی درون زمین، سبب لرزش و ایجاد زلزله در زمین می شود. قرآن می فرماید: «إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها»(۳)؛ از کلمه «زلزالها» استفاده می شود که گویا زلزله لازمه زمین و از خصوصیات آن است؛ چنانکه بخار از آب‌جوش از جدا نیست.

قرآن در چند آیه می فرماید:

ص:۶۰

۱- . بحار، ج۷۱، ص۳۸۹.

۲- . نهج الفصاحه، ص ۲۴۹، حدیث ۱۲۲۵.

۳- . زلزله: ۱.

«وَ أَلْقى فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ أَنْ تَمیدَ بِکَم»(۱)؛

خداوند در زمین کوه هایی استوار افکند تا زمین، شما را نلرزاند.

کوه ها چون ثابت و استوار هستند، می توانند مانع اضطراب زمین و مایه آرامش زمین و ساکنانِ آن شوند. چنانکه قرآن در جای دیگر می فرماید: «وَ الْجِبالَ أَوْتادا»(۲)؛

«اوتاد» جمع «وتد» به معنای میخ است و تشبیه کوه به میخ، از معجزات علمی قرآن است. ریشه کوه ها در عمق زمین، مانع حرکت لایه های

زمین و وقوع زلزله های دائمی می شود. کوه ها همچون میخ، چند برابر آنچه در بیرون اند، در دل زمین فرورفته اند.

بنابراین همان گونه که خداوند زمین را با کوه ها مقاوم سازی کرده تا از زلزله جلوگیری کند، ما هم باید از هرگونه تدبیر و تخصص و مصالحی که مانع خرابی های زلزله است، بهره بگیریم تا در راستای اهداف الهی باشیم.

پایه ساختمان

براساس آیات قرآن و روایات، خانه کعبه نخست به دست آدم ساخته شد و سپس در طوفان نوح فروریخت. تا آنکه به دست ابراهیم و فرزندش اسماعیل تجدید بنا گردید:

«وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعیلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیم»(۳)؛

و (بیاد آور) هنگامی که ابراهیم، پایه های خانه (کعبه) را با اسماعیل بالا می برد (و می گفتند:) پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی.

آری؛ اگر پی و پایه ساختمان محکم باشد، امکان تجدید بنا روی همان پایه ها هست و نیازی به پی ریزی مجدد نمی باشد.

۱- . نحل: ۱۵؛ لقمان: ۱۰.

۲- . نباء: ۷.

۳- . بقره: ۱۲۷.

فاصله سقف تا کف

امام صادق علیه السلام هنگامی که دید شخصی بیش از چهار متر سقف را بلند گرفت، با توبیخ به او گفت: «أَيْنَ تُرِيدُ؟»(۱)؛ کجا می خواهی بروی!؟

عایق بندی ساختمان

در اسلام استراق سمع ممنوع است؛ بنابراین دیوارهای ساختمان باید به گونه ای عایق بندی شود که گفت و شنود ها به همسایه منتقل نشود و امکان

استراق سمع وجود نداشته باشد. بگذریم که عایق بندی از صدا، در سرما و گرما نیز نقش ایفا می کند.

تهویه ساختمان

براساس روایات، هر رکعت نماز با بوی خوش، ثواب ۳۰ رکعت نماز دارد و پیامبر عزیز ما هزینه عطرش بیش از هزینه لباسش بود و هنگام خروج از منزل عطر می زد.

اسلام می فرماید: کسانی که می خواهند به مراکز عمومی مثل مسجد وارد شوند، از سیر و پیاز استفاده نکنند! توجه اسلام به بوی خوش و دوری از بوی بد، نشان می دهد که در ساخت مسکن نیز باید به این امر توجه داشت و با ایجاد سیستم تهویه مناسب، کاری کرد که ساکنان منزل از بوی بد سرویس های بهداشتی، حمام و آشپزخانه در رنج نباشند و به جای آن، هوای پاک و سالم و طبیعی در جریان باشد.

نمای ساختمان

مالکیت افراد محترم است، ولی نمای ساختمان چون در معرض دید آحاد جامعه است، اگر آسیبی به هویت ملی یا دینی جامعه بزنند، می توان صاحب ساختمان را از آن نما بازداشت.

ص:۶۲

۱- . کافی، ج ۲، ص ۶۷۰.

در قرآن آمده است که مردم به حضرت شعیب می گفتند: آیا نمازت تو را وادار کرده که نگذاری ما در اموالمان هرگونه که می خواهیم تصرف کنیم: «أَنْ نَتْرُکَ ما یَعْبُدُ آباؤُنا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فی أَمْوالِنا ما نَشاءُ»(۱). آری؛ مالکیت، دلیل جواز هر نوع تصرف و مصرف نیست.

اتاق پذیرایی

در فرهنگ اسلامی، مهمانی کردن و پذیرایی از مهمان یک ارزش است. پس باید در ساختمان محلی برای پذیرایی از مهمان نیز در نظر گرفته شود. پیامبر اکرم فرمودند:

«لِکُلِّ شَیءٍ زَکَوهٌ وَ زَکَوهُ الدّارِ بَیتُ الضِّیافَهِ»(۲)؛

برای هر چیز زکاتی است و زکات خانه، میهمان خانه است.

بیرونی و اندرونی

حتی المقدور خانه ها به گونه ای طراحی شود که اتاق پذیرایی از فضای اندرونی خانه جدا شود. این نوع طراحی برکاتی دارد از جمله:

۱. مهمان و میزبان احساس استقلال دارند؛

۲. امور داخلی خانه و خانواده پوشیده می ماند؛

۳. از اختلاط نابجای محرم و نامحرم تا حد زیادی جلوگیری می شود.

آشپزخانه بزرگ

بخش مهمی از عمر زنان در آشپزخانه می گذرد؛ پس سزاوار است آشپزخانه از نور و هوا و وسعت کافی برخوردار باشد.

۱- . هود: ۸۷.

۲- . نهج الفصاحه، ح۲۲۵۷.

قرآن در ماجرای پذیرایی حضرت ابراهیم از فرستادگان الهی عبارتی می فرماید که معلوم می شود همسر حضرت ابراهیم در آشپزخانه امکانات لازم برای درست کردن کباب را داشت:

«فَما لَبِثَ أَنْ جاءَ بِعِجْلٍ حَنِیذٍ»(۱)؛

طولی نکشید که گوساله بریانی (برای آنها) آورد.

ایمنی و حفاظ خانه

در قرآن می خوانیم: منافقان برای فرار از جبهه و توجیه کار خود نزد پیامبر می آمدند و می گفتند:

«یَقُولُونَ إِنَّ بُیُوتَنا عَوْرَةٌ»(۲)؛

خانه های ما حفاظ ندارد.

آنها با خود حساب می کردند که چون پیامبر حفاظ خانه را واجب می داند، پس بی حفاظی را به عنوان دلیلی برای نرفتن به جبهه می پذیرد.

در واقع منافقان از مذهب علیه مذهب استفاده می کردند و می گفتند: چون خانه های ما در و پنجره ندارد و ناموس ما در معرض خطر است، پس نمی توانیم به جبهه برویم. قرآن می فرماید: البته هدف اینها فقط فرار است: «إِنْ یُرِیدُونَ إِلاَّ فِرارا»(۳).

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید:

«کَرِهَ أَنْ یَبِیتَ الرَّجُلُ فِی بَیْتٍ لَیْسَ لَهُ بَابٌ وَ لا سِتْرٌ»(۴)؛

پسندیده نیست که انسان در خانه ای که در و حفاظ ندارد، بیتوته کند.

۱- . هود: ۶۹.

۲- . احزاب: ۱۳.

۳- . احزاب:۱۳.

۴- . قرب الاسناد، ص۶۸.

دیوارِ بام

در روایات سفارش شده که پشت بام دیوار داشته باشد.

«مَنْ بَاتَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ فَأَصَابَهُ شَيْ ءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَه»(۱)؛

هرکس شب روی پشت بام بی دیوار بخوابد و به او آسیبی برسد، جز خود را ملامت نکند.

دیوار بام، هم وسیله امنیت جانی و مانع از پرتاب شدن است، هم وسیله امنیت مالی و مانع ورود سارق است و هم وسیله امنیت روانی برای همسایگان؛ زیرا دیوار مانع تجاوز به حریم شخصی همسایگان نیز می شود.

رنگ اتاق

از نظر قرآن، رنگ اشیاء می تواند در روح و روان انسان اثر داشته باشد:

«لَوْنُها تَسُرُّ النَّاظِرين»(۲)؛

رنگ زرد بینندگان را شاد می کند.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«إِنَ اللَّهَ يُحِبُ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ قِيلَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يُنَظِّفُ ثَوْبَهُ وَ يُطَيِّبُ رِيحَهُ وَ يُجَصِّصُ دَارَهُ وَ يَكْنُسُ أَفْنِيَتَهُ حَتَّى إِنَّ السِّرَاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْق»(۳)؛

خداوند زیبایی را دوست دارد و دوست دارد آثار نعمت هایی را که به بنده اش عطا کرده دیده شود. در ادامه حدیث می خوانیم که پوشاندن دیوارها با گچ که سفید رنگ است، مصداق نشان دادن نعمت های الهی است.

ص:۶۵

۱- . کافی، ج۶، ص ۵۳۰.

۲- . بقره: ۶۹.

۳- . وسایل الشیعه، ج۵، ص۷.

در حدیث دیگری می خوانیم: «جَصِّصِ الدّار»(۱)؛ خانه را گچ کن و حیاط خانه را جارو کن، تا فقر برطرف و رزق زیاد شود.

بسیار مایه تعجب است که افرادی به جای استفاده از رنگ های روشن و شاد، دیوار خانه و اتاق خود را با رنگ های تیره تزیین می کنند.

بهترین رنگ ها، رنگ سفید است که در روایات، مورد ستایش و توجه است و برای لباس نوزاد و لباس عروس و لباس احرام و اقامه نماز سفارش شده و

لباس ملاقات با خدا نیز کفن سفید است. البته لباس اهل بهشت، به رنگ سبز و رنگ طبیعت است.

در روایات، استفاده از رنگ سیاه جز در کفش و عبا و عمامه مکروه شمرده شده است. البته چادر مشکی نیز جزء عبا حساب می شود.

آراستن منزل

روایت پیشین از امام صادق علیه السلام به گونه ای دیگر نیز نقل شده است که به جای«یُجَصِّصُ دارَهُ»، عبارت «یُحَسِّنُ دَارَهُ» آمده است؛ یعنی فرد خانه خود را نیکو و زیبا سازد.(۲)

البته آراستن خانه نباید به اسراف و اشرافی گری بیانجامد که در این صورت، عقل های ضعیف را فاسد می کند: «زَخَارِفُ الدُّنْیا تُفْسِدُ الْعُقُولَ الضَّعِیفَه»(۳).

نظافت خانه

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«نَظِّفُوا بُیُوتَکُمْ مِنْ حَوْکِ الْعَنْکَبُوتِ فَإِنَّ تَرْکَهُ فِی الْبَیْتِ یُورِثُ الْفَقْرَ»(۴)؛

۱- . بحار، ج۷۶، ص۳۰۴.

۲- . بحار، ج۷۶، ص۱۷۵.

۳- . غررالحکم، ص۶۵.

۴- . محاسن، ج۲، ص۶۲۴.

خانه خود را از تار عنکبوت پاک کنید تا گرفتار فقر نشوید.

در روایتی دیگر پیامبر اکرم فرمود: زباله و خاکروبه را شب ها در منزل نگه ندارید.(۱)

حضرت علی علیه السلام نیز فرمود:

«لا تُووُا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ فَإِنَّهُ مَأْوَی الشَّیَاطِینِ»(۲)؛

خاکروبه ها را در پشت درب خانه نریزید که مأوای شیطان است.

سرویس بهداشتی منزل

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: در ساختمان خانه، مستراح در پنهان ترین نقطه باشد؛ چنانکه در ساختمان بدن نیز، محل دفع پنهان شده است:

«فِی مَوْضِعٍ غَامِضٍ مِنَ الْبَدَنِ مَسْتُورٌ مَحْجُوبٌ یَلْتَقِی عَلَیْهِ الْفَخِذَانِ وَ تَحْجُبُهُ الْأَلْیَتَان»(۳).

وجود حیوانات در منزل

اسلام، بعضی حیوانات را نجس و حضورشان را در منزل مسکونی مضر می داند. در حدیث می خوانیم: اگر در منزلی سگ باشد، فرشتگان در آنجا حاضر نمی شوند.(۴)

اما اسلام نگهداری بعضی پرندگان مانند مرغ و خروس و کبوتر را مفید می داند. مرغ، باقیمانده غذا را که معمولاً در سطل زباله ریخته می شود، می خورد و تخم مرغ هم می دهد و خروس نیز با صدای خود در اول صبح، گویا ندای نماز سرمی دهد.

۱- . من لایحضره‌الفقیه، ج۴، ص۳.

۲- . کافی، ج۶، ص ۵۳۱.

۳- . بحار، ج۳، ص۷۶.

۴- . مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۵۳.

ضمن آنکه وجود این پرندگان در حیاط منزل برای کودکان یا سالمندان نوعی سرگرمی و اشتغال است. البته همه اینها در صورتی است که مایه آزار همسایگان نشود.

آداب ورود به خانه

قرآن کریم می فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ بُیُوتِکُم حَتَّیٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَیٰ أَهْلِهَا»(۱)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی که خانه شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هرگاه می خواست وارد منزلی شود، برای اجازه گرفتن، روبروی در خانه نمی ایستاد؛ بلکه سمت راست یا چپ می ایستاد تا هنگام باز شدن درب، نگاه مبارکشان به داخل خانه نیفتد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وقتی می خواستند وارد خانه کسی شوند، پشت در می ایستادند و می فرمودند: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا أَهْلَ الْبَیْتِ»؛ اگر افراد خانه اجازه می دادند، وارد می شدند و اگر صدایی نمی آمد، تا سه بار تکرار می کردند. ایشان این روش را حتی در ورود به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها نیز اجرا می کردند. در قرآن می خوانیم که اولاً ـ بدون دعوت، داخل خانه کسی نشوید: «إِذا دُعیتُمْ فَادْخُلُوا»(۲)؛

ثانیاً به هنگام ورود، سلام کنید: «وَ تُسَلِّمُوا عَلی أَهْلِها»(۳)؛

و اگر بدون دعوت رفتید و گفته شد برگردید، ناراحت نشوید: «وَ إِنْ قیلَ لَکُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا»(۴)؛

۱- . نور: ۲۷.

۲- . احزاب: ۵۳.

۳- . نور: ۲۷.

۴- . نور: ۲۸.

بعد از پذیرایی نیز به مقدار ضرورت بنشینید: «فَإِذا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا»(۱).

نماز و عبادت در منزل

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«صَوْمَعَهُ الْمُسْلِمِ بَیْتُه»(۲)؛

عبادتگاه مسلمان خانه اوست.

یعنی در غیر مواردی که دستور به جماعت و جمعه داده شده (مثل نماز های مستحبی) محل مخصوصی را در خانه به نماز اختصاص دهید.

آن حضرت نیز محلی را در خانه برای نماز قرار داده بود:

«کَانَ عَلِیٌّ ع قَدْ جَعَلَ بَیْتاً فِی دَارِهِ»(۳).

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود نوشت:

«إِنِّی أُحِبُ لَکَ أَنْ تَتَّخِذَ فِی دَارِکَ مَسْجِداً فِی بَعْضِ بُیُوتِکَ ثُمَّ تَلْبَسَ ثَوْبَیْنِ طِمْرَیْنِ غَلِیظَیْنِ ثُمَّ تَسْأَلَ اللَّهَ أَنْ یُعْتِقَکَ مِنَ النَّارِ وَ أَنْ یُدْخِلَکَ الْجَنَّهَ وَ لَا تَتَکَلَّمَ بِکَلِمَهِ بَاطِلٍ وَ لَا بِکَلِمَهِ بَغْی»(۴)؛

دوست دارم یکی از اتاق های خود را عبادتگاه قرار دهی و در آن اتاق برای خانه آخرتت دعا کنی و سخن بیهوده و یاوه نگویی.

شاید در زمان ما که خانه ها و اتاق ها کوچک است، انداختن یک سجاده در گوشه ای از خانه، مصداق اختصاص مکانی به عبادت و نماز باشد.

تلاوت قرآن در منزل

پیامبر اکرم فرمود:

«نَوِّرُوا بُیُوتَکُمْ بِتِلَاوَهِ الْقُرْآنِ وَ لَا تَتَّخِذُوهَا قُبُوراً کَمَا فَعَلَتِ الْیَهُودُ وَ النَّصَارَی صَلَّوْا فِی الْکَنَائِسِ وَ الْبِیَعِ وَ عَطَّلُوا بُیُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَیْتَ إِذَا کَثُرَ

۱- . احزاب: ۵۳.

۲- . کافی، ج۸، ص۱۲۸.

۳- . وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۹۵.

۴- . وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۹۶.

فِیهِ تِلَاوَهُ الْقُرْآنِ کَثُرَ خَیْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ کَمَا تُضِی ءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْیَا»(۱)؛

با تلاوت قران، خانه هایتان را نورانی کنید و نگذارید خانه هایتان مثل قبر ساکت باشد. یهود و نصاری فقط در مراکز عبادت خودشان عبادت می کردند و خانه های آنها تعطیل بود. هرچه تلاوت قرآن در خانه بیشتر باشد، خیر آن خانه و گشایش اهلش بیشتر است و آن خانه برای اهل آسمان می درخشد؛ همان گونه که ستارگان آسمان برای اهل دنیا می درخشد.

اثر وجود مجسمه در منزل

پیامبر اکرم فرمود:

«لاتَدخُلُ المَلائِکَهُ بَیتاً فیهِ صُورَهُ تِمثالٍ وَ المُصَوِّرونَ یُعَذَّبونَ یَومَ القیامَهِ»(۲)؛

ملائکه در خانه ای که در آن مجسمه باشد، وارد نمی شوند...

البته مراد روایت، مجسمه انسان و حیوان است که روح دارند؛ اما تندیس درخت و امثال آن مانعی ندارد.(۳)

معیار انتخاب مسکن

در انتخاب مسکن باید به بندگی خدا توجه کرد. حضرت ابراهیم هنگامی که همسر و فرزندش را به مکه آورد، گفت:

«رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتی بِوادٍ غَیْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقیمُوا الصَّلاه»(۴)؛

پروردگارا من ذریه خود را در منطقه بی آب و گیاه مسکن دادم تا نماز را بپا دارند.

۱- . کافی، ج۲، ص ۶۱۰.

۲- . کنزالعمال، ج۱۵، ص۳۹۵.

۳- . کافی، ج۶، ص۵۲۷.

۴- . ابراهیم: ۳۷.

امروزه بسـیاری از مردم در انتخاب مسـکن به دنبال این هستند که در محله و منطقه ای خانه ای تهیه کنند که در آینده نرخش چند برابر شود و متأسفانه به تأثیرات محل بر مسائل معنوی و تربیتی فرزندان خود کمتر توجه دارند.

در اسلام سفارش شده که اگر در منطقه ای نمی توانید عقاید و دین خود را حفظ کنید، از آنجا هجرت کنید.

براساس قرآن، فرشتگانِ مسئول قبض روح، در لحظه گرفتن جان به انسان می گویند:

«فیمَ کُنْتُمْ قالُوا کُنَّا مُسْتَضْعَفینَ فِی الْأَرْض»(۱)؛

شما در چه شرایطی بودید؟ می گویند: ما در زمین مستضعف بودیم و توان کاری نداشتیم.

به آنها گفته می شود:

«أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللَّهِ واسِعَهً فَتُهاجِرُوا فیها»(۲)؛

آیا زمین خدا بزرگ نبود تا به منطقه دیگر هجرت کنید؟

بنابراین در انتخاب مسـکن بایـد هم به مناطق مـذهبی و هـدف های مقدس توجه داشت و هم به رفاه مادی؛ همان گونه که در دعای حضرت ابراهیم در آیه ۳۷ سوره ابراهیم، به هر سه مسئله اشاره شده است:

۱. انتخاب مکه که مکان مذهبی است؛

۲. اقامه نماز که هدف مقدس است؛

۳. بهره گیری از ثمرات مادی؛

حضرت علی علیه السلام نیز در نامه ۶۹ نهج البلاغه می فرماید:

«وَ اسْکُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جِمَاعُ الْمُسْلِمِینَ وَ احْذَرْ مَنَازِلَ الْغَفْلَهِ وَ الْجَفَاءِ وَ قِلَّهَ الْأَعْوَانِ عَلَی طَاعَهِ اللَّه»؛

۱- . نساء: ۹۷.

۲- . نساء: ۹۷.

در شـهرهای بزرگ مسـکن گزین که آنجا مرکز اجتماع مسـلمانان است؛ و از اقامت در مناطقی که اهل غفلت و جفا هستند و یاران مطیع خدا در آن اندکند، بپرهیز.

از اینکه در این نـامه، انتخـاب شـهر بزرگ در برابر دوری از محـل غفلت و ظلم قرار گرفته، معلوم می شود که ملاـک برتری، شهری است که جمعیت مسلمانان در آن فراوان و جمعیت اهل غفلت و گناه اندک باشد.

عدم دلبستگی به مسکن

انسـان بایـد همواره آمـادگی داشـته باشـد که در راه خـدا از جان و مال و فرزنـد و خانواده و خانه مسـکونی و کسب و کار و تجـارت بگـذرد؛ وگرنه آنچه ما را در برابر تکلیف الهی پای بنـد و سرسـنگین کنـد، دامی بیش نیست. قرآن در این زمینه می فرماید:

«قُـلْ إِنْ کـانَ آبـاؤُکُمْ وَ أَبْنـاؤُکُمْ وَ إِخْوانُکُمْ وَ أَزْواجُکُمْ وَ عَشِیرَتُکُمْ وَ أَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوهـا وَ تِجـارَهٌ تَخْشَوْنَ کَسادَهـا وَ مَسـاکِنُ تَرْضَوْنَها أَحَبَّ

إِلَیْکُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فِی سَبِیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّی یَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقِینَ»(۱)؛

بگو: اگر پـدران و فرزنـدان و برادران و همسـران و خاندان شـما و ثروت هایی که جمع کرده اید و تجارتی که از کسادی آن بیم داریـد و خانه هایی که به آنها دلخوش کرده اید، نزد شـما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب تر باشد، پس منتظر باشید تا خداوند، فرمان (قهر) خویش را به اجرا در آورد. و خداوند، گروه نافرمان را هدایت نمی کند.

از این آیه استفاده می شود که علاقه به مسکن اگر مانع انجام تکلیف باشد، انسان باید در انتظار قهر خدا باشد.

قرآن با تعبیرات متعدد دیگری نیز به انسان هشدار داده که مبادا خانه و کاشانه شما را زمین گیر کند:

۱- . توبه: ۲۴.

- گاهی می فرماید: «أَخْلَدَ إِلَی الْأَرْض»(۱)؛ او به زمین [دنیا] گرایید؛

- گاهی می فرماید: «أَ رَضیتُمْ بِالْحَیاهِ الدُّنْیا»(۲)؛ آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟!

- گاهی می فرماید: «اثَّاقَلْتُمْ إِلَی الْأَرْض»(۳)؛ سنگین و زمین گیر شدید؟

- گاهی می فرماید: «تُحِبُّونَ الْعاجِلَه»(۴)؛ شما دنیای زودگذر را دوست دارید؛

- گاهی می فرماید: «وَ مَساکِنُ تَرْضَوْنَها»(۵)؛ به خانه ها دل بسته اید؛

- گاهی می فرماید: «وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ لَمْ یُهاجِرُوا ما لَکُمْ مِنْ وَلایَتِهِمْ مِنْ شَیْ ء»(۶)؛ و آنها که ایما ن آوردند و مهاجرت نکردند، هیچگونه ولایت [دوستی و تعهّدی] در برابر آنها ندارید.

این تعابیر نشان دهنده آن است که خانه و مسکن نباید زنجیر پای انسان باشد. انسان باید از نظر فکری، فرهنگی و تربیتی به مرحله ای از ایمان برسد که هرگاه بین دو راهی دنیا و آخرت قرار گرفت، نه تنها از مسکن، بلکه از همه چیز خود بگذرد.

جالب است که مشرکان مکه به پیامبر می گفتند: ما اگر هدایت تو را بپذیریم از منطقه خود اخراج می شویم: «نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنا»(۷)؛ و به همین بهانه حاضر به ایمان آوردن نمی شدند!

ص:۷۳

۱- . اعراف: ۱۷۶.

۲- . توبه: ۳۸.

۳- . توبه: ۳۸.

۴- . قیامت: ۲۰.

۵- . توبه: ۲۴.

۶- . انفال: ۷۲.

۷- . قصص: ۵۷.

هجرت از شهر و دیار

انسان نباید به خاطر تعلّق خاطر به شهر و منطقه ای، از اهداف بزرگ خود بازماند؛ بلکه باید حتی به قیمت از دست دادن وطن و مسکن، به منطقه ای برود که به اهداف بلند خود برسد. بعضی از پرندگان و ماهیان برای ادامه حیات خود همواره هجرت می کنند.

قرآن درباره کسانی که حاضر نشدند از مکه به مدینه هجرت کنند و در سرزمین کفر و شرک باقی ماندند، می فرماید:

«وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهاجِرُوا ما لَكُمْ مِنْ وَلايَتِهِمْ مِنْ شَيْ ءٍ حَتَّى يُهاجِرُوا»(۱)؛

کسانی که ایمان آورده ولی هجرت نکردند، حقّ هیچ گونه دوستی و حمایت از آنان را ندارید، تا آنکه هجرت کنند.

از امتیازات اسلام آن است که هجرت پیامبر مبدأ تاریخ است و نه میلاد پیامبر؛ زیرا در هجرت، عزم و حرکت برای رسیدن به هدف نجات خود و دیگران وجود دارد، ولی در میلاد - که تاریخ مسیحیت طبق آن است - این نکته وجود ندارد.

البته هجرت، گاهی از منطقه خود به مناطق دیگر است و گاهی بازگشت به منطقه خود. به راستی اگر متخصصانی که از کشورهای اسلامی به سایر کشورها رفته اند، به کشور خود بازگردند، هم به کفار ضربه زده اند و هم کشورهای اسلامی را تقویت کرده اند.

قرآن درباره کسانی که از منطقه کفر هجرت نکرده اند، می فرماید:

۱- . انفال: ۷۲.

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلائِكَةُ ظالِمِی أَنْفُسِهِمْ قالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِی الْأَرْضِ قالُوا أَ لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ واسِعَةً فَتُهاجِرُوا فِيها فَأُولئِكَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ ساءَتْ مَصِيراً»(1)؛

همانا وقتی فرشتگان جان کسانی را که بر خویشتن ستم کرده اند می گیرند، از آنان می پرسند: شما در چه وضعی بودید؟ می گویند: ما در زمین مستضعف بودیم (و به ناچار در جبهه کافران قرار داشتیم)؛ فرشتگان (در پاسخ) می گویند: مگر زمین خداوند گسترده نبود تا در آن هجرت کنید؟ آنان، جایگاهشان دوزخ است و بد سرانجامی دارند.

از این آیه استفاده می شود که حتی سیاهیِ لشکر برای کفّار شدن هم حرام است. قاعده کلی این است که اگر می توانید، محیط را تغییر دهید و گرنه از آنجا هجرت کنید تا اینچنین مؤاخذه نشوید: «أَ لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ واسِعَةً فَتُهاجِرُوا فِيها»؛ زیرا اصل، خداپرستی است نه وطن پرستی.

در قرآن و روایات، اهداف متعددی برای هجرت بیان شده است؛ از جمله:

- گاهی هجرت برای عبادت است؛ نظیر هجرت حضرت ابراهیم از فلسطین به مکه:

«رَبَّنا إِنِّی أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِی بِوادٍ غَيْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِيُقِيمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»(2)؛

پروردگارا! من برخی فرزندانم را در درّه ای بی آب و علف در جوار خانه مکرّم تو اسکان دادم؛ پروردگارا! تا نماز را به پا دارند؛ پس دل هایی از مردم را به سوی آنها مایل گردان و از میوه ها روزیشان ده تا شکر گزاری کنند.

۱- . نساء: ۹۷.

۲- . ابراهیم: ۳۷.

- گاهی برای فرار از فشار دشمن است؛ نظیر هجرت مسلمانان از مکه به حبشه.

- گاهی هجرت برای تشکیل حکومت است؛ نظیر هجرت پیامبر از مکه به مدینه.

- گاهی هجرت برای تحصیل علم و حکمت است؛ نظیر هجرت حضرت موسی به سوی خضر.

- گاهی هجرت برای تجارت است؛ نظیر سفرهای تجارتی اهل مکه به شام: «إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ»(1).

- گاهی هجرت معنوی است؛ مثل هجرت از گناه و پلیدی و اخلاق ناروا: «وَ الرُّجْزَ فَاهْجُر»(2).

- گاهی نیز هجرت برای فراگیری علم و خدمت به دین یا دنیای مردم است؛ نظیر هجرت دانشجویان و طلاب به سوی مراکز علمی و برگشت به وطن برای انجام وظیفه: «فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَه»(3).

- گاهی هم هجرت برای فراموش کردن خاطرات تلخ گذشته است؛ نظیر هجرت پدر و مادر و برادران یوسف از منطقه فراق به منطقه وصال.

- گاهی هجرت برای جهاد در راه خداست؛ مانند مسلمین صدر اسلام: «وَ الَّذينَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا»(4).

- گاهی هجرت از خود به سوی خداست؛ چنانچه قرآن می فرماید: «إِنِّی مُهاجِرٌ إِلی رَبِّی»(5).

۱- . قریش: ۲.

۲- . مدثر: ۵.

۳- . توبه: ۱۲۲.

۴- . بقره: ۲۱۸.

۵- . عنکبوت: ۲۶.

به راستی اگر کسانی که می توانند هجرت کنند، بخشی از عمرشان را به روستاها، شهرها و کشورهای دیگر هجرت می کردند، می توانستند اسلام را به دنیا معرفی کنند. مانند چند تاجر شیرازی که زمانی به آفریقا هجرت کردند و امروزه مردم تانزانیا و زنگبار در اثر آن هجرت، مسلمانان هستند.

تعدادی ایرانی هم زمانی به چین هجرت کردند و امروز جمع زیادی از مردم چین در اثر آن هجرت، مسلمان و شیعه هستند.

اهمیت همسایه

یکی از معیارهای انتخاب مسکن، همسایه است. قرآن درباره همسایه می فرماید:

«وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ بِذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينِ وَ الْجارِ ذِي الْقُرْبى وَ الْجارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ مَنْ كانَ مُخْتالاً فَخُوراً»(۱)؛

و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و به بستگان و یتیمان و بینوایان و همسایه نزدیک و همسایه دور و یار هم نشین و در راه مانده و زیردستان و بردگانتان (نیز نیکی کنید)؛ همانا خداوند، متکبّر فخرفروش را دوست نمی دارد.

قرآن بعد از سفارش به بندگی خدا و دوری از شرک و احسان به والدین و بستگان و یتیمان و مساکین، به نیکی به همسایگان سفارش کرده است؛ چه همسایگان نزدیک و چه همسایگان دورتر: «الْجارِ ذِي الْقُرْبى وَ الْجارِ

الْجُنُبِ»(۲).این تعبیر، شامل همسایه فامیل و غیر فامیل، هم عقیده و غیر هم عقیده نیز می شود.

۱- . نساء: ۳۶.

۲- . بحار، ج۶۴، ص ۳۴۰.

به گفته روایات، تا چهل خانه از هر طرف، همسایه اند؛ یعنی در مناطق کوچک، همه همسایه اند. در روایت آمده است:

«وَ أَمَّا حَقُّ جَارِکَ فَحِفْظُهُ غَائِباً وَ إِکْرَامُهُ شَاهِداً وَ نُصْرَتُهُ إِذْ کَانَ مَظْلُوماً وَ لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَهً فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَیْهِ سُوءاً سَتَرْتَهُ عَلَیْهِ وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ یَقْبَلُ نَصِیحَتَکَ نَصَحْتَهُ فِیمَا بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ وَ لَا تُسْلِمْهُ عِنْدَ شَدِیدَهٍ وَ تُقِیلُ عَثْرَتَهُ وَ تَغْفِرُ ذَنْبَهُ وَ تُعَاشِرُهُ مُعَاشَرَهً کَرِیمَهً وَ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّه»(۱)؛

حق همسایه آن است که در غیابش آبروی او را حفظ کند؛ در حضورش او را گرامی بدارد؛ زشتی های او را تعقیب نکند؛ عیبش را بپوشاند؛ لغزشش را ببخشد؛ اگر مظلوم است او را یاری کند؛ در سختی ها او را رها نکند.

در قرآن نیز از بی تفاوتی نسبت به نیازهای مردم انتقاد شده است:

«فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّین... وَ یَمْنَعُونَ الْماعُون»(۲)؛

وای بر نمازگزارانی که... نسبت به وسایلی که معمولاً همسایگان به یکدیگر عاریه می دهند، بخل می ورزند.

در حدیث می خوانیم:

«مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ جَارَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ خَیْرَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ وَکَلَهُ إِلَی نَفْسِهِ وَ مَنْ وَکَلَهُ إِلَی نَفْسِهِ فَمَا أَسْوَأَ حَالَه»(۳)؛

هرکس که وسایل معمول را از همسایه اش دریغ کند، خدا در روز قیامت خیرش را از او دریغ می کند واو را به خود وامی گذارد و چه بسیار بد است حال کسی که خدا او را به خود واگذارد.

همچنین براساس روایات، حسن همجواری، عمر و روزی را زیاد و خانه ها را آباد می کند. امام کاظم علیه السلام فرمود: حسن همجواری تنها به این نیست که آزار نرسانیم؛ بلکه باید در برابر آزار آنان شکیبا باشیم.

۱- . من لایحضر الفقیه، ج۲، ص۶۲۳.

۲- . ماعون: ۴و۷.

۳- . من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۱۴.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اهمیت همسایه فرمود: قبل از خرید خانه از همسایگان سؤال کن:

«سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّار»(۱).

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید:

«الْكَرِيمُ يَأْبَى الْعَارَ وَ يُكْرِمُ الْجَار»(۲)؛

شخص بزرگوار، همسایه خود را گرامی می دارد.

«جَارُ السَّوْءِ أَعْظَمُ الضَّرَّاءِ وَ أَشَدُّ الْبَلَاءِ»(۳)؛

همسایه بد، بلای بزرگی است.

«مِنَ الْمُرُوَّهِ تَعَهُّدُ الْجِيرَانِ»(۴)؛

نشانه جوانمردی این است که انسان خود را نسبت به همسایه خود را مسئول بداند.

«مَا عَزَّ مَنْ ذَلَّ جِيرَانُهُ»(۵)؛

کسی که همسایه اش را ذلیل کند، عزیز نمی شود.

حتی در دعاها پناه بردن به خداوند از شر همسایه بد آمده است:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَارِ السَّوْء»(۶).

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۳ می فرماید: «وَ لَا يُضَارُّ بِالْجَار»(۷) و در نامه ۴۷ می فرماید:

«وَ اللهَ اللهَ فِي جِيرَانِكُم»؛

خدا را خدا را درباره همسایگانتان مراعات کنید.

ص:۷۹

۱- . کافی، ج۸، ص۲۴.

۲- . غررالحکم، ص۴۳۶.

۳- . غررالحکم، ص۴۳۶.

۴- . غررالحکم، ص۴۳۷.

۵- . غررالحکم، ص۴۳۷.

۶- . کافی، ج۲، ص۶۶۹.

۷- . نهج البلاغه، ص۳۰۶.

امام سجاد نیز در دعای ۲۶ صحیفه سجادیه برای همسایگان دعای ویژه ای دارد.

در تاریخ آمده است که شخصی به پیامبر اسلام گفت: همسایه ام مرا آزار می دهد. پیامبر(ص) به حضرت علی علیه السلام و سلمان و ابوذر دستور دادند که با بلندترین صدا در مسجد اعلام کنند:

«لا إیمان لمن لا یأمن جاره بوائقه»(۱)؛

هر کس همسایه خود را بیازارد، ایمان ندارد.

حفظ مسکن ورشکسته

براساس قوانین اسلام، اگر کسی ورشکسته شد، حاکم اسلامی می تواند اموال او را به فروش برساند و به طلبکاران پرداخت کند. اما سه چیز از این قاعده استثنا شده است: مسکنی که در شأنش باشد، مرکبی که مورد نیازش باشد و غلامی که به او نیاز داشته باشد.

این قانون بیش از ۱۴۰۰ سال است که در اسلام مطرح است، ولی در نظام حقوقی غرب بعد از ۱۴۰۰ سال، تنها خانه را و اخیراً ماشین را هم استثنا کرده اند. این مورد یکی از مواردی است که می توان در آن تفاوت بین قانون الهی و قانون بشری را دریافت کرد.

سکونت اقوام در یک محله

از آنچه در آیات قرآن آمده است چنین برداشت می شود که سکونت اقوام در یک محله کار مناسبی است. به عنوان مثال قرآن می فرماید: ما در بهشت ذریه مؤمن را به والدین مؤمن آنها ملحق می کنیم: «أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُم»(۲).

همچنین

۱- . روضه المتقین، ج۹، ص۳۷۳.

۲- . طور: ۲۱.

حضرت یوسف پدر و مادر و بستگان و برادران خود را نزد خود آورد: «وَ جاءَ بِکُمْ مِنَ الْبَدْو»(۱).

نعمت های خدادادی در ساختمان ها

قرآن می فرماید:

«وَ بَوَّأَکُمْ فِی الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِها قُصُوراً وَ تَنْحِتُونَ الْجِبالَ بُیُوتاً فَاذْکُرُوا آلاءَ اللَّهِ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ»(۲)

و در زمین شما را جایگاه (مناسب) داد؛ از قسمت های هموار زمین قصرها می سازید و کوه ها را برای ساختن خانه ها می تراشیدید؛ پس الطاف و نعمت های خداوند را یاد کنید و در زمین فساد نکنید.

در این آیه، سنگ کوه و خاک نرم زمین از منابع طبیعی ساخت مسکن شمرده شده است و از ما می خواهد که نعمت های خدا را یاد کنیم.

به راستی چرا ما در ساخت مسکن و شهر به طرح و نقشه و مهندس و کارگر می اندیشیم، اما یک لحظه هم فکر نمی کنیم که خاک و سنگ و ماسه و گچ که مصالح اصلی ساختمان است، از کجا آمده است؟ متأسفانه غفلت سراسر وجود ما را گرفته است؛ از همه چیز استفاده می کنیم، ولی به آفریدگار بخشنده آنها توجه نمی کنیم.

ص:۸۱

۱- . یوسف: ۱۰۰.

۲- . اعراف: ۷۴.

فصل سوم: اصول شهرسازی

اشاره

ص:۸۳

۱. تامین امنیت

امنیت مسکن

مراد از امنیت در ساخت وساز شـهر و مسکن، امنیتِ از سیل و زلزله و ریزش ساختمان و مراعات نکردن اصول مهندسی است، اما اسلام که دین جامعی است، امنیت را فراتر از اینها می داند.

در مورد امنیت مسکن، سخن مهمی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله صادر شده است:

«لا ضَرَرَ وَ لا ضِرارَ فِی الإِسلامِ»(۱)؛

این حدیث درباره شخصـی به نام سَمُره است که مردی شرور بود. او درختی در ملك یکی از مسلمانان داشت و در آن ملك، افرادی زندگی می کردند. او به بهانه سرکشی به درخت، گاه و بی گاه و بدون اجازه وارد آن ملك می شد. ساکنان ملك از او خواسـتند که اجازه بگیرد و سرزده وارد نشود؛ اما او نپذیرفت. آنان شکایت را به نزد پیامبر بردند. حضرت از سمره خواست که درختش را بفروشـد، امـا او حاضـر نشـد. حضـرت قیمت درخت را اضافه کردد و باز او قبول نکرد. پیشـنهاد جایگزینی این درخت با درختی دیگر به او شد، اما باز هم نپذیرفت. حضرت وعده درختان بهشتی به او دادند، ولی او نپذیرفت. پیامبر فرمود: اسلام اجازه ضرررسانی نمی دهد؛ درخت او را از بن بکنید و در کوچه بیندازید!(۲)

۱- . کافی، ج ۱۰، ص۴۳۶.

۲- . کافی، ج ۵، ص۲۹۳.

امنیت شهر

امنیت از مهم ترین و ضروری ترین نیازهای جامعه بشری است و از نعمت آب و نان مهم‌تر است؛ زیرا اگر امنیت بود، رزق و درآمد هم پیدا می شود. قرآن می فرماید:

«قَرْيَةً كانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيها رِزْقُها رَغَداً مِنْ كُلِّ مَكانٍ»(1)؛

منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود، همواره روزیش از هر جا می رسید.

آری اگر در کشوری امنیت باشد، مردم از داخل و خارج در آن سرمایه گذاری می کنند و این سرمایه گذاری ها سبب رونق اقتصادی می شود.

قرآن به شهر مکه به عنوان شهری امن قسم یاد می کند و می فرماید:

«وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمين»(2)؛

در تاریخ آمده است که پیامبر اکرم قبل از بعثت، با گروهی از جوانمردان مکه هم پیمان شدند تا امنیت کسانی که به شهر مکه وارد می‌شوند و زائران کعبه را تأمین کنند و اگر کسی مورد ستم قرار گرفت، به حمایت از او برخیزند. این پیمان در تاریخ به نام «حلف الفضول» آمده است.(3) از این ماجرا استفاده می شود که می توان برای تأمین امنیت شهر، حتی با مشرکان هم‌پیمان شد.

در ماجرای اصحاب کهف نیز قرآن می فرماید:

«وَ كَلْبُهُمْ باسِطٌ ذِراعَيْهِ بِالْوَصيدِ»(4)؛

سگ اصحاب کهف دستهای خود را بر آستانه غار نهاده بود و نگهبانی می داد (گویی این حیوان مأمور امنیت ساکنان غار بود).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در عباراتی متعدد می‌فرمایند:

۱- . نحل: ۱۱۲.

۲- . تین: ۳.

۳- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج۱۴، ص ۱۳۰.

۴- . کهف: ۱۸.

«شَرُّ الاَوطانِ ما لَم یَأمَنُ فیهِ القطان»(۱)؛

بدترین وطن‌ها جایی است که ساکنانش در امان نباشند.

«شَرُّ البِلادِ بَلَدٌ لا أَمنَ فیهِ وَ لا خصب»(۲)؛

بدترین شهرها، شهری است که در آن امنیت و ارزانی نباشد.

حضرت یوسف نیز هنگامی که به استقبال پدر به بیرون شهر رفت، فرمود:

«ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شاءَ اللّهُ آمِنِینَ»(۳)؛

به خواست خدا در امنیت و امان داخل مصر شوید.

تأمین امنیت، نه فقط برای مسلمانان، بلکه برای تمام آحاد جامعه لازم است. قرآن در خصوص دفاع از امنیت مراکز عبادی و دینی غیر مسلمانان می فرماید:

«وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِیَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ»(۴)؛

و اگر خداوند (ظلم و تجاوز) بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، صومعه ها و کنیسه ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می شود ویران می گردد.

قرآن در سوره کهف، یکی از مهم ترین خدمات ذوالقرنین برای محرومان را، ایجاد امنیت برای آنان می داند:

«آتُونی زُبَرَ الْحَدیدِ حَتَّی إِذا ساوی بَیْنَ الصَّدَفَیْنِ قالَ انْفُخُوا حَتَّی إِذا جَعَلَهُ ناراً قالَ آتُونی أُفْرِغْ عَلَیْهِ قِطْرا»(۵)؛

«قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید)» تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: «(در اطراف آن آتش بیفروزید، و) در آن بدمید!» (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: «(اکنون) مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم!»

۱- . غررالحکم، ص۴۴۷.

۲- . غررالحکم، ص۴۴۷.

۳- . یوسف: ۹۹.

۴- . حج: ۴۰.

۵- . کهف: ۹۶.

در دعای مکارم الاخلاق نیز می خوانیم:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِی السَّعَهِ فِی الرِّزْقِ وَ الْأَمْنِ فِی الْوَطَنِ وَ قُرَّهِ الْعَیْنِ فِی الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ الْمَقَامِ فِی نِعَمِکَ عِنْدِی وَ الصِّحَّهِ فِی الْجِسْمِ وَ الْقُوَّهِ فِی الْبَدَنِ وَ السَّلَامَهَ فِی الدِّینِ»؛

خدایا، رزق فراوان، امنیت در وطن، شادی در خانواده و مال و فرزند، پایداری در نعمت ها، سلامتی و توانمندی در جسم و سلامتی در دین عطا فرما!

امنیت راهها (راهنمایی و رانندگی)

قرآن درباره امنیت راه ها می فرماید:

«سیرُوا فیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنین»(۱)؛

شب ها و روزها در امنیت کامل سفر کنید.

هرکس که از خانه بیرون می رود، یا راننده است، یا مسافر، یا عابر؛ اگر راه ها و جاده ها امنیت لازم را نداشته باشند، بستری برای دغدغه بستگان و دوستان افراد می شوند. امروزه نیز متأسفانه بخش قابل توجهی از درآمد کشور صرف هزینه های ناشی از تصادفات می شود.

حرکت در خیابان های شهر، چه برای خودروهای سواری و چه برای عابران پیاده، باید همراه با امنیت باشد؛ چه در روز و چه در شب. بخشی از تأمین این امنیت به عهده نیروی انتظامی است و بخشی نیز به عهده شهرداری که در ساخت و طراحی معابر عمومی اعم از کوچه، خیابان، بزرگراه و پیاده رو هم حفاظ لازم را فراهم کند و هم نور کافی برای عبور از خیابان و پیاده رو و هر کجا لازم است پل عابر پیاده نصب گردد.

خداوند در سوره فرقان اولین نشانه بندگان خوب خود را این گونه می فرماید:

۱- . سبأ: ۱۸.

«يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنا»(۱)؛

با آرامش و بی تکبّر بر زمین راه می روند.

نحوه راه رفتن و گفتار و کردار و لباس پوشیدن هرکس نشانه ای از شخصیت اوست. رانندگی های غیرمعقول، بیشتر از افراد کم‌شخصیت سر می زند. انسان های متین و با شخصیت، از کلام و حرکت نابجا خودداری می کنند.

راننده صبور، صبر را به دیگران نیز تلقین می کند. ضمن آنکه راننده حسابگر می داند که در تصادفات چه عوارضی پیش می آید: جراحت و کشته شدن بی گناهان، یتیم شدن بچه ها، بیوه شدن زنان، معلول شدن افراد سالم، هزینه های درمانی، هزینه های توانبخشی (ویلچر، دست و پای مصنوعی)، قرار گرفتن تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد، آثار روحی و روانی در خانواده ها، آسیب های اجتماعی، زندانی شدن راننده خاطی، ایجاد ترافیک و تلف شدن عمرها در اثر کشته و مجروح شدن افراد در تصادفات، و خلاصه اینکه سرمایه های مادی و انسانی بسیاری از چرخه اقتصاد خارج می شوند.

در کشور ما هرساله حدود بیست هزار نفر در تصادفات کشته می شوند. گاهی در این تصادفات افرادی کلیدی جان خود را از دست می دهند؛ مثل معلمی که می تواند سی سال نسل نو را تربیت کند، مثل پزشک یا عالمی که می تواند ده ها سال سلامتی و عقاید مردم را تضمین نماید.

امنیت مرزها

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه دعایی ویژه برای مرزداران کشور اسلامی دارد؛ با آنکه مرزداران آن زمان از لشکر بنی امیه بودند، ولی به خاطر اهمیت شغل آنان، حضرت برایشان دعا می کند:

۱- . بقره: ۶۳.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ بِعِزَّتِکَ، وَ أَیِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِکَ»(۱)؛

خدایا بر محمّد و آل او درود فرست، و مرزهای مسلمانان را بغلبه و تسلّط خود استوار ساز، و نگهدارندگان آن مرزها را بنیروی خویش توانائی ده.

امنیت حیوانات

توجه به امنیت مسکن، حتی در میان حیوانات نیز وجود دارد. قرآن می فرماید: هنگامی که حضرت سلیمان با لشکرش از منطقه ای عبور می کرد، یکی از مورچگان به دیگر مورچگان گفت:

«یا أَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکُمْ لا یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیْمانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ»(۲)؛

«ای مورچگان! به لانه های خود وارد شوید تا سلیمان و لشکرش شما را ندانسته زیر پا نابود نکنند.

امنیت مردگان

بر اساس فقه اسلامی، جسم مؤمن نه فقط در زمان حیات، بلکه پس از مرگ نیز، باید در خانه قبر در امان باشد و نبش قبر حرام است.

امنیت کافران

کفاری که در بلاد اسلامی زندگی می کنند، جان و مالشان محترم است و تأمین امنیت آنان به عهده حکومت اسلامی است. هنگامی که حضرت علی شنید زینت زن غیر مسلمانی ربوده شده، فرمود: اگر مسلمان از غصه بمیرد جا دارد.(۳)

۱- . صحیفه، دعای ۲۷.

۲- . نمل: ۱۸.

۳- . نهج البلاغه، خطبه۲۷.

امنیت پناه جویان

درباره این موضوع، در قرآن می خوانیم:

«وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا يَعْلَمُونَ»(۱)؛

و اگر یکی از مشرکان از تو امان و پناه خواست، پس به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان؛ چرا که آنان گروهی ناآگاهند (و با شنیدن آیات الهی، شاید هدایت شوند).

۲. رعایت عفت عمومی

مسئولان شهر و مسکن باید در طراحی های خود به مسئله حیا و عفت عمومی در جامعه توجه داشته باشند و از هرگونه اختلاط غیرضرور جلوگیری کنند. چنانکه امروزه جداسازی بخش آقایان و خانم ها در اتوبوس های شهری و خطوط مترو صورت گرفته و عموم مردم نگاه مثبتی به آن دارند.

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای نجات از فرعون، منطقه را ترک و به مدین وارد شد. در کنار مدین چشمه آبی دید که چوپانان گوسفندان خود را آب می دهند و در کنار آن دو خانم را دید که ایستاده اند. موسی با آنکه تحت تعقیب و فراری بود و مسافت طولانی را طی کرده بود، در هوای گرم و حال گرسنه به خاطر حس نوع دوستی نزد این دو خانم رفت و از آنان پرسید: چرا شما کنار ایستاده اید؟

«قالَتا لا نَسْقِی حَتَّی یُصْدِرَ الرِّعاءُ وَ أَبُونا شَیْخٌ کَبِیرٌ»(۲)؛

آنها گفتند: ما (برای پرهیز از اختلاط با مردان، گوسفندان خود را) آب نمی دهیم تا اینکه همه چوپانان خارج شوند و (حضور ما در اینجا برای آن است که) پدر ما پیر مردی کهنسال است.

۱- . توبه: ۶.

۲- . قصص: ۲۳.

حضرت موسی گوسفندان آنها را آب داد و سپس به سوی سایه ای برای استراحت رفت و از خداوند خیر خواست. چیزی نگذشت که یکی از دختران به سوی او آمد و گفت: پدرم شما را به خانه دعوت کرده تا پاداش زحمات شما را بدهد.

قرآن، نحوه حرکت این دختر در خارج از خانه را ستایش می کند و می فرماید: «تَمْشی عَلَی اسْتِحْیاء»(۱).

آری؛ حرکت زنان و دختران در جامعه باید همراه با حیا و عفت باشد. چنانکه در آیات دیگر این حیا را چنین تبیین می کند:

۱. زینت خود را نشان ندهند: «وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُن»(۲)؛

۲. پایکوبی نکنند: «وَ لا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِن»(۳)؛

۳. با کرشمه حرف نزنند: «فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْل»(۴)؛

۴. به مردان نامحرم خیره نگاه نکنند: «یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِن»(۵)؛

۵. حجاب را مراعات کنند: «فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجاب»(۶).

۳. برقراری عدالت

در فرهنگ اسلامی، محترم شمردن محرومان و نیازمندان، مورد تأکید پیشوایان دینی و تبعیض میان آنان و دیگر اقشار جامعه مورد نکوهش و سرزنش است. بنابراین در توسعه شهری و توزیع امکانات و فضاهای عمومی، نباید میان منطقه مسکونی آنان و دیگر مناطق شهری تفاوت قائل شد. طراحان و مدیران

۱- . قصص: ۲۵.

۲- . نور: ۳۱.

۳- . نور: ۳۱.

۴- . احزاب: ۳۲.

۵- . نور: ۳۱.

۶- . احزاب: ۵۳.

شهری باید عدالت را در توسعه لحاظ کرده و در صدد کاهش و رفع محرومیت از مناطق محروم باشند.

قرآن می فرماید: یکی از جنایات فرعون این بود که:

«جَعَلَ أَهْلَها شِیَعا»(۱)؛

مردم را گروه گروه می کرد.

مسئولان شهر و مسکن باید توجه کنند که در توسعه شهری و توزیع امکانات، کاری نکنند که تفاوت محله ها بستری برای طبقاتی شدن جامعه شود.

۴. گسترش معنویت

اسلام در تربیت انسان دائماً به مسئله جهت گیری در کارها اشاره می کند. ده ها بار با عبارت «فی سبیل الله»، «لِوَجه الله» و «ابتغاء مرضات الله» سفارش کرده که نیت الهی را فراموش نکنید. در خوردن و آشامیدن، سوار شدن بر مرکب، آغاز هر کار و هر کلام، گفتن «بسم الله» سفارش شده است. نشستن رو به قبله، ذبح حیوان رو به قبله و نماز و دعا رو به قبله، نشان لزوم جهت گیری الهی انسان است.

چقدر خوب است که در بافت یک شهر اسلامی، ضمن اینکه راه ها مردم را به مقاصد زندگی دنیوی هدایت می کند، آنها را به مقاصد معنوی نیز هدایت کند؛ مسجد، حسینیه، امامزاده، قبور شهدا و دانشمندان و خدمتگزاران عامل ذکر است و راه تربیت بشر برای رسیدن به خدا.

در نحوه ساخت وساز شهر و مسکن قرآن می فرماید:

«وَ اجْعَلُوا بُیُوتَکُمْ قِبْلَه»(۲)؛

برای این جمله دو معنا ذکر شده است:

۱- . قصص: ۴.

۲- . یونس: ۸۷.

۱. خانه های خود را رو به قبله بسازید؛

۲. خانه های خود را مقابل هم بسازید؛

در تفسیر نمونه ذیل آیه می خوانیم:

خداوند به جدا کردن مسکن بنی اسراییل از فرعونیان امر کرد. این کار چند فایده داشت:

۱. آنها با ساختن مسکن در سرزمین مصر، علاقه بیشتری به دفاع از خود و آب و خاک خود پیدا می کردند؛

۲. از زندگی طفیلی در خانه های قبطیان، به یک زندگی مستقل، منتقل می شدند؛ چراکه ایجاد و شکل گیری محله، موجب تقویت هویت اجتماعی است؛

۳. اینکه خانه هایشان را مقابل یکدیگر و نزدیک به هم بسازند (زیرا قبله در اصل به معنی «حالت تقابل» می باشد و اطلاق کلمه «قبله» بر آنچه امروز معروف است، در حقیقت معنی ثانوی برای این کلمه است) کمک مؤثری به تمرکز و اجتماع بنی اسرائیل می کرد و آنها می توانستند مسائل اجتماعی را به صورت عمومی مورد بررسی قرار دهند. همچنین به عنوان انجام مراسم مذهبی دور هم جمع شوند و برای آزادی خویش نقشه های لازم را طرح نمایند.

۵. رعایت تقوا و مبارزه با فساد

قرآن می فرماید:

«قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلیکُمْ ناراً»(۱)؛

خود و بستگانتان را از آتش حفظ کنید.

ص:۹۳

۱- . تحریم: ۶.

بر این اساس، باید در معماری مسکن و مهندسی شهر، از قرار دادن ابزار و بسترهای گناه در خانه و ایجاد مراکز فساد در شهر جلوگیری کنیم.

حضرت لوط در برابر افراد فاسد ایستاد تا جلوی گسترش فحشا را در شهر بگیرد؛ اما چون شهر در اختیار افراد فاسد بود، او را تهدید به اخراج کردند و گفتند:

«قالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ یا لُوطُ لَتَکُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِینَ»(۱)؛

ای لوط! اگر (از حرف هایت) دست برنداری، قطعاً از شهر بیرون خواهی شد.

و سپس دستور اجرای این تهدید را دادند و گفتند:

«أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْیَتِکُمْ إِنَّهُمْ أُناسٌ یَتَطَهَّرُونَ»(۲)؛

او و یارانش را از شهر بیرون کنید، که آنان پاکدامنی را می طلبند.

آری؛ اگر در جامعه ای فساد زیاد شد، پاکان منزوی شده و حتی پاک بودن، جرم محسوب می شود! جالب آنکه قوم لوط، با آنکه به گناه عادت کرده بودند، امّا حضرت لوط و یاران او را پاک می دانستند؛ و این دلیل بر آن است که انسان فطرتاً پاکی و ناپاکی را تشخیص می دهد.

بنابراین حکومت اسلامی باید پاکی و تقوا را به گونه ای در جامعه نهادینه کند که افراد فاسد، یا نتوانند رشد کنند و یا اگر حضور یافتند، آنان شهر را ترک کنند و نه پاکان؛ چنانکه قرآن می فرماید: یکی از جریمه های افراد فاسد اخراج آنهاست: «أَوْ یُنْفَوْا مِنَ الْأَرْض»(۳).

۱- . شعرا: ۱۶۷.

۲- . اعراف: ۸۲.

۳- . مائده: ۳۳.

۶. توجه به کودکان، سالمندان و معلولان

مسئولان شهر و مسکن در طراحی ها باید به نیازها و شرایط کودکان و معلولان و سالمندان توجه ویژه کنند. براساس آموزه های دینی، در نماز جماعت امام باید مراعات اضعف مأمومین را بکند:

«وَ صَلُّوا بِهِمْ صَلَاةَ أَضْعَفِهِم»(۱)

در تربیت کودک نیز به والدین سفارش شده است:

«مَنْ كَانَ لَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَه»(۲)؛

هرکس کودکی دارد رفتار و گفتار خودش را با حال و هوای کودک تنظیم کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید:

«أَمَرَنِی رَبِّی بِمُدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا أَمَرَنِی بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ»(۳)؛

همان طور که خداوند مرا به انجام واجبات امر فرمود، به من دستور داد که با مردم با مدارا رفتار کنم.

بنابراین توجه به افراد ناتوانِ هر قشری باید در همه شؤون زندگی، از جمله ساخت و ساز مسکن مورد توجه قرار گیرد.

توجه به این امر، باعث می شود تا در مدیریت شهری، معابر عمومی، وسایل حمل و نقل عمومی، پارک ها و گردشگاه ها متناسب با نیاز این گروه ها طراحی و تأمین شود و در ساخت مسکن نیز، درها و پنجره ها، راه پله ها و بالابرها و سرویس های بهداشتی از دسترسی مناسبی برای کودکان، سالمندان و معلولان برخوردار شوند.

۱- . نهج البلاغه، نامه ۵۲.

۲- . عوالی اللیالی، ج۳، ص۳۱۱.

۳- . کافی، ج۲، ص۱۱۷.

۷. جایگاه بانوان در شهر اسلامی

قرآن، خـانه را محل قرار و آرامش زن دانسـته و می‌فرمایـد: «وَ قَرْنَ فی بُیُوتِکُن»(۱). امـا این حضور در خـانه، به معنای محروم شـدن از فراگیری علـم و حکمت نیست؛ زیرا به دنبـال آن می فرمایـد: «وَ اذْکُرْنَ مـا یُتْلی فی بُیُوتِکُنَّ مِنْ آیـاتِ اللَّهِ وَ الْحِکْمَه »(۲). بنـابراین اگر رشـد علمی و معنوی بـانوان نیـاز به خروج از خـانه داشت، حضور آنـان در جامعه با رعایت اصول عفاف و حجاب بلا اشکال است؛ چنانکه قرآن می فرماید: هنگامی که زنان از خانه بیرون می آیند،

بدون خودنمایی و آرایش باشد: «وَ لا تَبَرَّجْن» و زینت خود را آشکار نسازند: «وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُن»(۳).

این دسـتورات، مربوط به افراد است؛ اما مسـئولان شهر و مسکن برای عمل به این آیات باید برای حضور زنان در جامعه تدابیر خاص بیندیشند تا حرمت آنان حفظ گردد. امام سجاد علیه السلام در دعای ۱۷ صحیفه سجادیه می فرماید:

«وَ اجعَل مُؤمِنات مِنهُ حِرزٌ حارِزٌ وَ حِصنٌ حافِظٌ وَ کَهفٌ مانِعٌ»؛

خـدایا زنـان بـاایمـان را در پناهی قرار بـده که مانع دسترسـی هر کس باشـد و در قلعه ای قرار بـده که نگهبان آنان باشـد و در کهف و پناهی قرار بده که مانع از طمع بدخواهان باشند.

۸. زیباسازی شهر

اسلام دین فطرت است و درباره زینت و زیبایی سخن ها دارد. قرآن درباره زیبایی آسمان ها می فرماید:

۱- . احزاب: ۳۳.

۲- . احزاب: ۳۴.

۳- . نور: ۳۱.

«إِنَّا زَيَّنَّا السَّماءَ الدُّنْيا بِزِينَهٍ الْكَواكِبِ»(۱)؛

ما آسمان را با ستارگان زینت دادیم.

و درباره زیبایی زمین می فرماید:

«حَتَّى إِذا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَها وَ ازَّيَّنَتْ»(۲)؛

پس از باران، زمین با انواع سبزی ها و گل ها زینت داده می شود.

قرآن، گیاه و درخت را زینت زمین دانسته و می فرماید:

«إِنَّما مَثَلُ الْحَياهِ الدُّنْيا كَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعامُ حَتَّى إِذا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَها وَ ازَّيَّنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ»(۳)؛

همانا مَثَل زندگی دنیا همچون آبی است که از آسمان فرود آوردیم؛ پس گیاهِ زمین از آنچه مردم و چهارپایان می خورند با آن در آمیخت (و رویید)، تا آنکه زمین (از آن گیاهان) زینت گرفت.

براساس این آیه و آیات دیگر، بهره گیری از انواع گلها و گیاهان و درختان در طراحی شهرها، بهترین زینت و زیبایی است؛ به خصوص در مواردی که بتوان به جای گیاهان زینتی مانند چمن، یا درختان زینتی مانند کاج، گیاهان یا درختانی کاشت که بهره و میوه خوراکی هم داشته باشد. چنانکه در این آیه، ابتدا به تأمین خوراک انسان و حیوان اشاره می کند و سپس به ویژگی زینت بودن.

خداوند زیبایی و زینت را دوست دارد و به آن امر می فرماید:

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»(۴)؛

زینت های خود را همراهتان به مسجد ببرید.

ص:۹۷

۱- . صافات: ۶.

۲- . یونس: ۲۴.

۳- . یونس: ۲۴.

۴- . اعراف: ۳۱.

با زینت به مسجد رفتن، احترامی است به مؤمنان حاضر در مسجد، به عبادت خدا و همچنین سبب ایجاد جاذبه و ترغیب عملی دیگران به حضور در مسجد می شود.

بنابراین در ساخت شهر و مسکن، تا آنجا که به اسراف کشیده نشود، می توان از زینت ها و زیبایی های طبیعی و مصنوعی استفاده کرد.

جالب توجه است که بهره گیری از زینت به قدری مورد سفارش است که ترک بی دلیل آن موجب توبیخ است. خداوند در قرآن به مؤمنان می فرماید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَهَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِی الْحَياهِ الدُّنْيا خالِصَهً يَوْمَ الْقِيامَهِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»(۱)؛

بگو: چه کسی زینت هایی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و (همچنین) رزق های پاکیزه و دلپسند را بر خود حرام کرده است؟ بگو: این (نعمت ها) در زندگی دنیا برای مؤمنان است، (اگر چه کافران هم بهره مندند) درحالی که روز قیامت مخصوص (مؤمنان) است؛ ما این گونه آیات خود را برای گروهی که می دانند به تفصیل بیان می نماییم.

البته علاقه به زینت، نباید انسان را به غفلت و گناه سوق دهد، بلکه باید کنترل شده باشد؛ لذا قرآن، نشان دادن زینت زنان را جز برای شوهرانشان و افراد مَحرم، حرام می داند: «لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»(۲).

حضرت علی علیه السلام هنگام اعزام نماینده خود، ابن عبّاس به سوی خوارج، به او دستور می دهد بهترین لباس ها را بپوشد و خود را معطّر و خوشبو ساخته و با اسبی زیبا نزد آنها برود.

ص:۹۸

۱- . اعراف: ۳۲.

۲- . نور: ۳۱.

قرآن نیز در جایی دیگر می فرماید: ما به وسیله باران باغ های سرورانگیز رویاندیم: «حَدائِقَ ذاتَ بَهْجَه»(۱). این آیه اشاره به زیبایی ظاهری است، اما در اسلام زینت های معنوی هم داریم که باید در ساخت مسکن و شهر به آنها توجه شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«إنَّ الْحَیاءَ زِینَهُ الاسْلامِ»(۲)؛

حیا، زینت اسلام است.

بنابراین شهر اسلامی باید طوری طرّاحی شود که احکام اسلام درباره رعایت حیا و عفاف و حجاب در آن مراعات شود. زیبایی خانه مسلمان به آن است که از چشم نامحرمان محفوظ باشد.

باید توجه داشت که در مقایسه زیبایی های معنوی و مادی، زیبایی های معنوی برتر است؛ چنانکه قرآن می فرماید:

«لکِنَّ اللّهَ حَبَّبَ إلَیْکُمُ الایمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ»(۳)؛

خداوند ایمان را برای شما محبوب قرار داد و آن را در قلب شما زینت بخشید.

۹. جایگاه هنر در شهر اسلامی

بر اساس قرآن، آنچه را خدا آفریده، نیکو و زیبا آفریده است:

«الَّذی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ خَلَقَه»(۴)؛

و خداوند بهترین صورت گری را درباره انسان انجام داده است:

«وَ صَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُم» (۵).

ص:۹۹

۱- . نمل: ۶۰.

۲- . مستدرک الوسائل، ج ۱، ص۴۸۸.

۳- . حجرات: ۷.

۴- . سجده: ۷.

۵- . تغابن: ۳.

در دعا نیز چنین می خوانیم:

«یا مَن اَظهَرَ الجَمیلَ وَ سَتَرَ القَبیحَ»؛

ای کسی که زیبایی ها را ظاهر کردی و زشتی ها را پوشاندی.

راه تقرب به خداوند، ترک امور حلال و طیب نیست. بلکه استفاده به جا از آنهاست. در روایت آمده است که مهمانی برای امام باقر علیه السلام رسید و حضرت در اتاقی زیبا از او پذیرایی کرد. مهمان که وضع اتاق را دید، تعجب کرد. هنگام رفتن امام به او فرمود: فردا نیز به منزل ما بیا! روز بعد حضرت او را در اتاق ساده ای پذیرایی کرد و سپس به مهمان فرمود: اتاق دیروزی را همسرم با پول مهریه اش تزیین کرده بود. من هم چون حرامی ندیدم، او را نهی نکردم. ولی اتاق من همین اتاق ساده است.

جالب اینکه برخی افراد، مبل و صندلی را نشانه اسراف یا تجمل می دانند، درحالی که قرآن در تمام آیات بهشت، یا از «ارائک» و تخت ها سخن می گوید،

یا از «سریر» که تخت های مایه سرور است، و هرگز از نشستن روی زمین ستایشی نکرده است.

در مسجد النبی نیز کنار مرقد مطهر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ستونی است که نامش استوانه سریر است و به تختی که پیامبر روی آن می نشستند، اشاره دارد.

۱۰. گسترش فضای سبز

وجود باغ و بوستان در شهر و اطراف آن، از نعمت های الهی است. قرآن می فرماید:

«جَنَّتانِ عَنْ یَمینٍ وَ شِمال»(۱)؛

قوم سبا در منطقه ای زندگی می کردند که باغ هایی از راست و چپ داشت.

۱- . سبأ: ۱۵.

شاید راست و چپ اشاره به تمام اطراف شهر داشته باشد.

قرآن در آیه ۹۹ سوره انعام نیز می فرماید:

«وَ هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ کُلِّ شَیْ ءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراکِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِیَهٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّیْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَیْرَ مُتَشابِهٍ انْظُرُوا إِلی ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ یَنْعِهِ إِنَّ فِی ذلِکُمْ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ»؛

و او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد؛ پس به وسیله آن، هرگونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه ها خارج ساختیم؛ از آن (سبزه ها) دانه های برهم نشسته و چیده شده بیرون آوردیم و از شکوفه خرما خوشه هایی نزدیک به هم (پدید آوردیم) و نیز باغ هایی از (انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دادیم) که برخی شبیه به هم و برخی غیر متشابهند. به میوه آن، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه می رسد، بنگرید؛ همانا در آن، نشانه هایی برای گروه با ایمان است.

در آیه ۱۴۱ سوره انعام نیز می خوانیم:

«وَ هُوَ الَّذِی أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشاتٍ وَ غَیْرَ مَعْرُوشاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفاً أُکُلُهُ وَ الزَّیْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُتَشابِهاً وَ غَیْرَ مُتَشابِهٍ»؛

و اوست کسی که به وجود آورد باغ هایی با داربست و بی داربست، و درخت خرما و کشتزار با خوردنی های گوناگون و زیتون و انار (برخی میوه ها) شبیه به همند و برخی شباهتی با هم ندارند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«ثَلَاثَهٌ یَجْلُونَ الْبَصَرَ النَّظَرُ إِلَی الْخُضْرَهِ وَ النَّظَرُ إِلَی الْمَاءِ الْجَارِی وَ النَّظَرُ إِلَی الْوَجْهِ الْحَسَنِ»(۱)؛

سه چیز برای نور چشم مفید است، نگاه به سبزی و آب روان و صورت زیبا.

قرآن نیز بارها خبر از بوستان های زیبا داده است:

ص:۱۰۱

۱- . وسائل الشیعه، ج۵، ص ۳۴۰.

- گاهی می فرماید: «وَ جَنّاتٍ أَلْفافا»(۱)؛ باغ های پر درخت؛

- گاهی می فرماید: «وَ حَدائِقَ غُلْبا»(۲)؛ باغ هایی که درختان بزرگ دارد؛

- گاهی می فرماید: «حَدائِقَ ذاتَ بَهْجَه»(۳)؛ باغ هایی که سرور آفرین است.

با این تعبیرات، نظر قرآن و اسلام نسبت به باغ های سرسبز معلوم می شود.

۱۱. تامین سرویس بهداشتی عمومی

ده ها مغازه در سطح شهر برای واردات شکم وجود دارد. نانوایی، بقالی، لبنیاتی، طباخی، کبابی، رستوران و انواع مغازه های فروش مواد غذایی مانند ساندویچ، آش، حلیم، بستنی، آبمیوه و امثال آن؛ اما برای خروجی شکم کمتر فکر شده است.

امروزه دنیا، روزی را به عنوان روز بین المللی توالت ثبت کرده است و در بعضی دانشگاه ها رشته ای تحصیلی به مسائل این امر اختصاص داده اند! حبس ادرار از نظر پزشکی مضرات بسیار دارد و در دستورات اسلامی آمده است:

۱. اگر قاضی ادرار دارد، قضاوت نکند!

۲. کسی که ادرار خود را حبس کند، نمازش صحیح است، ولی قبول نیست!

۳. اگر شخصی که وضو دارد، نیاز به دستشویی پیدا کرد، حتی اگر به خاطر تجدید وضو به نماز جماعت نمی رسد، نماز فرادای او بهتر از شرکت در نماز جماعت در حال حبس ادرار است!

در جامعه ای که افراد مبتلا به دیابت فراوان هستند و ترافیک خیابان ها گسترش یافته و فاصله ها طولانی شده است، توسعه سرویس های بهداشتی در معابر عمومی نیاز به یک اقدام جدی دارد. اگر دولت و ملت به این مسئله

۱- . نبأ: ۱۶.

۲- . عبس: ۳۰.

۳- . نمل: ۶۰.

توجه نکننـد، باید تاوان امراضـی را که در اثر حبس ادرار پیدا می شود، بدهند. شـهرداری ها باید قبل از زیباسازی در و دیوار شهر، به این نیاز جدی بپردازند.

۱۲. توجه به شرایط منطقه و اقلیم

خداونـد در ساختمان بـدن انسان، چشم را که عضو ظریفی است در گودی قرار داده و برای آن دربانی مثل مژه و جلـدی مثل پلک و سایه بانی مثل ابرو آفریـده است. اما گوش که بایـد همواره بشـنود و بتوانـد جهت صـدا را تشـخیص دهد، به گونه ای دیگر آفریده و حفاظت شده است.

در ساخت وساز نیز بایـد متناسب با منطقه، مصالـح را انتخاب نمود و طراحی کرد. گاهی کاه گل، گاهی سـنگ، گاهی آجر، گاهی سقف شیروانی، گاهی مسطح؛ نمی توان یک طرح و نقشه و مصالح را برای همه جا به کار برد.

نقشه شـهر و مسـکن هر منطقه و اقلیم نیز، بایـد منـاسب آنجـا طراحی شود، زیرا چه بسـا نقشه هـای یـک اقلیم برای اقلیم دیگر کاربرد ندارد؛ مثلاً منطقه خشک

کویر با منطقه شرجی کنار دریا متفاوت است. بادگیرهایی که در مناطق کویری ساخته می شود، هوا را به حوضچه هدایت می کنـد تا مرطوب شود و بـدن را خنک کنـد، ولی بادگیرهای مناطق کنار دریا باید به گونه ای باشد که در مسیر راه از رطوبت هوا کاسته شود.

حکمت خداوند در آفرینش میوه ها و محصولات به گونه ای است که با شرایط بومی تناسب دارد. در حدیث می خوانیم:

«إِذَا دَخَلْتُمْ بِلَاداً فَکُلُوا مِنْ بَصَلِهَا یَطْرُدْ عَنْکُمْ وَبَاءَهَا»(۱)؛

هرگاه وارد منطقه ای شدید، از پیاز آن منطقه بخورید تا از بیماری های آن منطقه در امان باشید.

ص:۱۰۳

۱- . وسائل الشیعه، ج۲۵، ص۲۱۳.

۱۳. حفظ آثار باستانی گذشتگان

در قران به آیاتی برخورد می کنیم که می فرماید: «مسکن پیشینیان، بهترین معلم است». امروزه بازدید از میراث فرهنگی، بیشتر جنبه سرگرمی و تفریحی برای گردشگران و جنبه اقتصادی برای دولت ها دارد. درحالی که اگر گوش شنوا باشد، کاخ ها و خرابه های خاموش برای ما سخن می گویند. قرآن در این باره می فرماید:

«أَ وَ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَساكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ أَ فَلا يَسْمَعُونَ»(۱)؛

آیا برایشان روشن نشده که ما قبیله های بسیاری را قبل از ایشان هلاک کردیم، با اینکه در خانه های آن هلاک شدگان رفت و آمد دارند؟ همانا در این (هلاکت ها و جایگزین شدن ها، عبرت ها و) نشانه هایی است؛ آیا نمی شنوند؟

بنابراین در شهرسازی نباید خرابه ها و ویرانه های عبرت آموز بر جای مانده از اقوام گذشته را محو کنیم؛ چراکه قرآن درباره آنها می فرماید: «وَ إِنَّها لَبِسَبِيلٍ

مُقِيمٍ»(۲)؛ یعنی ویرانه های آن سرزمین، (هنوز) در کنار راه (کاروان ها) پا برجاست.

قرآن درباره مسجدالحرام می فرماید:

«فيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهيم»(۳)؛

در آن (خانه) نشانه های روشن هست، (از جمله) مقام ابراهیم.

مقام ابراهیم در کنار کعبه است. بنابر روایات، مقام ابراهیم سنگی است که به هنگام ساختن کعبه و بالا بردن دیوارهای آن، زیر پای ابراهیم علیه السلام قرار

۱- . سجده: ۲۶.

۲- . حجر: ۷۶.

۳- . آل عمران: ۹۷.

داشت و اثر پـای آن حضـرت بر روی آن مانـده است. بقـای این سـنگ و اثر پـا روی آن، از قرن هـا پیش از عیسـی و موسـی علیهما السلام با آن همه تغییر و تحوّلی که در کعبه و اطراف آن در اثر حمله ها، سیل ها و خرابی ها بوجود آمده، خود معجزه و نشـانه ای از قـدرت الهی است. امـام صـادق علیه السـلام درباره «آیاتٌ بَیِّناتٌ» فرمودنـد: مقصود مقام ابراهیم، حجر الاسود و حِجر اسماعیل است.

در مسـجد سـهله و مسـجد کوفه نیز مکان های خاصی به نام پیامبران و امامان است که در آنجا نماز خوانده می شود. همچنین در مکه در منطقه منی، مکانی بنام ستون شیطان است که حاجیان در مراسم حج به سوی آن سنگ پرتاب می کنند.

از این آثار و دعاها و اعمالی که برای آن مکان ها وارد شده، اسـتفاده می شود که در ساخت وساز شهری باید مکان هایی که در آن گنجینه های تاریخ و عبرت و ایثار و رشد و ا خلاص نهفته است، حفاظت شود.

۱۴. بهداشت شهر و مسکن

اسـلام به امر پاکیزگی و بهداشت بسـیار اهمیت می دهد و توصـیه های بسـیاری به صورت مسـتقیم و غیرمسـتقیم درباره حفظ بهداشت دارد که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می شود:

- قرآن می فرماید: خداوند پاکان را دوست دارد: «انّ الله یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرین»(۱)؛

- در مـاجرای هابیل و قابیل خداونـد کلاغی را فرسـتاد تا با زیر خاک کردن چیزی، دفن مرده را به قابیل یاد دهـد و این گونه بود که خداوند حفظ محیط زیست را به انسان آموخت؛

۱- . توبه: ۱۰۸.

- در اسلام، پاکی بدن و لباس شرط صحت نماز است. نماز هم در طول شبانه روز است و این یعنی پاکی شبانه روزی.

- اسلام، خبائث را بر بشر حرام کرده است: «وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِث»(۱)؛

- به افراد ناپاک دستور غسل می دهد: «وَ إِنْ کُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا»(۲)؛

- مصرف گوشت مرده و خون و خوک را حرام کرده است: «حُرِّمَتْ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَهُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزیر»(۳)؛

- به پیامبرش دستور می دهد لباس خود را تطهیر کند: «وَ ثِیابَکَ فَطَهِّر» (۴)؛

- نظافت را جز، ایمان شمرده است: «النَّظَافَهُ مِنَ الْإِیمَان»(۵)؛

- به حداقل نظافت قانع نشده و می فرماید: «تنظّفوا بکلّ ما استطعتم»(۶)؛

آنچه در توان دارید به نظافت بپردازید.

- برای شستن سر و بدن، هر هفته سفارش ویژه (غسل جمعه) دارد(۷)؛

- حتی در صورت ضرورت تیمم می فرماید: «فَتَیَمَّمُوا صَعیداً طَیِّبا»(۸)؛

بر زمین (و خاک) پاک تیمّم کنید؛

- انداختن آب دهان در چاه آب را ممنوع کرده: «وَ نَهَی عَنِ الْبُزَاقِ فِی الْبِئْرِ الَّتِی یُشْرَبُ مِنْهَا»(۹)؛

- خوردن آب از ظرف شکسته را منع کرده است؛

۱- . اعراف: ۱۵۷.

۲- . مائده: ۶.

۳- . مائده: ۳.

۴- . مدثر: ۴.

۵- . نهج الفصاحه، ص ۳۱۶۱.

۶- . نهج الفصاحه، ص ۱۱۸۲.

۷- . نهج الفصاحه، ص ۱۳۹۸.

۸- . نساء: ۴۳.

۹- . بحار، ج۶۳، ص ۴۶۰.

– سفارش کرده که نگذارید زباله شب در منزل بماند و زودتر آن را از منزل خارج کنید؛(۱)

–رعایت فاصله میان چاه آب آشامیدنی با چاه فاضلاب نیز نشانه توجه اسلام به بهداشت است؛

– کدام دندانپزشک را سراغ دارید که بگوید هر روز ۵ بار مسواک بزنید؟ درحالی که اسلام پاداش نماز با مسواک را معادل هفتاد رکعت می داند و پیامبر نیز همواره مسواکش را همراه خود داشت؛

– اسلام برای نظافت مسجد، که محل اجتماع مسلمین و رابطه با خداست، سفارشات ویژه ای دارد و به یکی از بزرگترین پیامبران خود حضرت ابراهیم دستور می دهد که مسجد الحرام را برای عبادت بندگان تطهیر کند: «طَهِّرا بَيْتِیَ لِلطَّائِفينَ وَ الْعاكِفينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُود»(۲)؛

اصولاً در همه ابعاد اسلام، نوعی پاکی به چشم می خورد:

– خالق هستی پاک ترین است: «یا اطهر الطاهرین»(۳)؛

– طهارت روح از شرک، خواسته مؤمنان است: «اَللّٰهُمَّ طَهِّر قَلبی مِنَ الشِّركِ»؛

– امتیاز پیامبر و اهل بیت او، تطهیر آنان از هرگونه آلودگی است. «إِنَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيرا»(۴)

– قرآن کتاب پاکی هاست: «مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَه»(۵)؛

– امتیاز زنان بهشتی پاکی آنها است: «أَزْواجٌ مُطَهَّرَه»(۶)؛

۱- . میزان الحکمه، ج۱۰، ص۹۵.

۲- . بقره: ۱۲۵.

۳- . دعای جوشن کبیر.

۴- . احزاب: ۳۳.

۵- . عبس: ۱۴.

۶- . بقره: ۲۵.

- حضـرت زهرا سـلام الله علیها می فرماید: فلسـفه نماز، پاکی از تکبر است. در هفده رکعت نماز روزانه، در هر رکعت دوبار، جمعاً سی و چهار بار، پیشانی را که بلندترین نقطه بدن است، در برابر خداوند به خاک می گذاریم؛

- روزه علاوه بر تمرین کنترل شکم و شهوت، برای پاک کردن بدن از انواع بیماری ها نقش دارد: «صُومُوا تَصِحُّوا»(۱)؛

- در مراسم حج در روز عید قربان یکی از وظایف، زدودن مو و ناخن و آلودگی هاست: «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُم»(۲)؛

- خمس و زکات و انفاق، عامل پاک کردن روح انسان از بخل است: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطى وَ اتَّقى...وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنى»(۳)؛

- امر به معروف و نهی از منکر، عامل پاک کردن جامعه از گناه و فساد است؛

با این نگاه گذرا، جایگاه پاکی و طهارت در اسلام، آن هم در معنای وسیع آن به خوبی دریافت می‌شود.

۱۵. نوآوری با حفظ تجربیات

برای بعضـی، تنوع یـک اصـل است و در سـاخت وساز دست به کارهای جدیـد می زننـد. در مقابل، گروه دیگری هسـتند که حاضر نیستند هیچ نوآوری از خود نشان دهند و همه رفتار و گفتار آنها کلیشه ای است.

از نظر عقل و وحی، اصل نه نوآوری است و نه سـنت گرایی؛ بلکه اصل فرمان خـدا و عقل است. در بعضـی از آیات، خداوند به پیامبرش دستور می دهد که راه و روش انبیای قبل را دنبال کن: «فَبِهُداهُمُ اقْتَدِه»(۴)؛ یا می فرماید: «شَرَعَ

۱- . دعائم الاسلام، ج۱، ص۳۴۲.

۲- . حج: ۲۹.

۳- . لیل: ۵ و ۸.

۴- . انعام: ۹۰.

لَکَمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصَّی بِهِ نُوحا»(۱)؛ یعنی از [احکامِ] دین، آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد.

از این آیات استفاده می شود که پیامبر بایـد راه هدایت و کمال انبیای قبل را پیروی کند و این یعنی حفظ سـنت های صـحیح گذشـته. اما اگر وحی یا عقل ضـرورت هایی را برای فرد و جامعه تشخیص داد، باید به سراغ نوگرایی و ابتکار رفت و نباید از آن بهراسـیم. شکسـتن سـنت های غلط و نوآوری گاهی لازم و ضـروری است. لـذا در ساخت وساز بایـد به هر دو اصل توجه کرد: هم اصولی که گذشتگان آنها را به کار می گرفتند، هم شرایطی که زندگی امروز برای ما پیش آورده است.

۱۶. خودباوری و خوداتکایی

اگر در سـاخت وسـاز بـه خـود تکیـه نکنیم، هم کفران نعمت است، هم بـاعث خودبـاختگی درونی و از دست دادن اعتمـاد به نفس.

قرآن می فرمایـد: «وَ اجْعَلْنـا لِلْمُتَّقِیـنَ إِمامـا»(۲). بنـدگان خـوب خـدا از خـدا می خواهنـد کـه الگـوی دیگران باشـند، نه مقلد بیگانگـان. در فقه اسـلامی، انسـان سـالم اگر در حـال نماز به چیزی تکیه دهـد، نمازش باطل است و این حکم به ما درس می دهد که باید روی پای خویش بایستیم. قرآن نشانه جامعه اسلامی را ایستادن روی پای خود می داند و می فرماید:

«فَاسْتَوی عَلی سُوقِه»(۳)؛

جامعه اسلامی مثل درختی است که روی پای خودش ایستاده است.

۱- . شوری: ۱۳.

۲- . فرقان: ۷۴.

۳- . فتح: ۲۹.

قرآن یکی از دلایل تغییر قبله را این می داند که یهودیان به مسلمانان طعنه نزنند که شما از خود قبله مستقلی ندارید و رو به بیت المقدس نماز می خوانید: «لِئَلَّا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَیْکُمْ حُجَّه»(۱).

۱۷. فاضلاب شهری

اسلام اجازه نمی دهد کسی در آب مصرفی مردم، بدن یا لباسش را شستشو کند و حضرت به کسی که اینگونه عمل می کرد، فرمود:

«وَ لَا تُفْسِدْ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ»(۲)؛

آب مردم را فاسد نکن.

امام صادق علیه السلام نیز از ادرار در نهر آب نهی فرمود: «وَ لَا تَبُلْ فِی مَاءٍ نَقِیعٍ»(۳).

در حدیثی دیگر می خوانیم:

«نَهَی رَسُولُ اللَّهِ أَنْ یُتَغَوَّطَ عَلَى شَفِیرِ بِئْرِ مَاءٍ یُسْتَعْذَبُ مِنْهَا أَوْ شَطِّ نَهَرٍ یُسْتَعْذَبُ مِنْهُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَهٍ مُثْمِرَه»(۴)؛

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از نشستن برای تخلّی در کنار چاه و جوی آبی که به مصرف آشامیدن می رسند و همچنین زیر درخت میوه دار نهی فرمود.

بنابرآنچه بیان شد، فاضلاب شهری باید آنگونه طراحی شود که بهداشت آب و محصولات کشاورزی مورد مصرف مردم حفظ شود و از سوی دیگر، مردم از بوی تعفن آن اذیت نشوند که آزار مردم به هر نحو که باشد گناه است.

کارخانجات بزرگ و صنعتی نیز حق ندارند که آب های پسماند خود را - که بسیاری از آنها با مواد شیمیایی مخلوط شده و برای انسان و حیوان و آب و خاک و طبیعت مضر است - به رودخانه ها و دریاها بریزند. زیرا این عمل،

۱- . بقره: ۱۵۰.
۲- . الکافی، ج۳، ص۶۵.
۳- . کافی، ج۶، ص۵۳۴.
۴- . خصال، ج۱، ص۹۷.

مصداق بارز فاسد کردن آب مردم است و نباید به خاطر تولید و ایجاد اشتغال، سلامتی انسان ها و طبیعت در خطر بیفتد. قرآن از ظهور فساد در دریاها انتقاد کرده است که نمونه آن، هدایت فاضلاب ها به رودخانه ها و دریاهاست: «ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النّاس»(۱)؛

در فقه اسلامی حتی برای فاصله چاه آب با چاه فاضلاب مقدار تعیین شده است و اگر زمین نرم باشد، این فاصله باید بیشتر باشد.

۱۸. بینش سیاسی در اداره شهر

امت اسلامی همواره در حال مبارزه با ظلم و ظالمان است و مهم ترین هدف انبیا بعد از دعوت به توحید، مبارزه با طاغوت بوده است:

«وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطّاغُوت»(۲)؛

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید».

بنابراین دشمنان بیکار نبوده و با ساخت و خرید مسکن و حتی ساختن مسجد، در فکر کمین گاهی برای ضربه زدن به دین هستند؛ لذا مسئولان اداره شهر باید به هوش باشند و جلوی نفوذ آنها را بگیرند. چنانکه مسجد ضرار نیز رصدخانه ای برای دشمنان خارجی بود: «وَ إِرْصاداً لِمَنْ حارَبَ اللّه»(۳).

همچنین قرآن به مؤمنان هشدار داده، می فرماید:

«لا تَتَّخِذُوا بِطانَهً مِنْ دُونِکُم»(۴)؛

از غیر خودتان همراز نگیرید.

۱- . روم: ۴۱.

۲- . نحل: ۳۶.

۳- . توبه: ۱۰۷.

۴- . آل عمران: ۱۱۸.

البته تمام آحاد مسلمین باید در برابر خرید و فروش و اجاره مسکن به بیگانگان هشیار باشند.

در تاریخ آمده است که سه گروه از یهودیان به مدینه هجرت کردند و در آنجا ساکن شدند و با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پیمان عدم تعرض بستند. در جنگ احُد گروهی از آنان با مشرکان مکّه همراه شدند و علیه مسلمانان توطئه کردند. پیامبر آگاه گردید و با آنان برخورد کرد. آنان به قلعه ای پناهنده شدند و مسلمانان با دستور پیامبر قلعه را محاصره کردند. سرانجام بعد از چند روز محاصره و جنگ، یهودیان پذیرفتند که از مدینه خارج شوند. این ماجرا در آیه دوم سوره حشر آمده است:

«هُوَ الَّذِی أَخْرَجَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ مِنْ دِیارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ما ظَنَنْتُمْ أَنْ یَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَیْثُ لَمْ یَحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ یُخْرِبُونَ بُیُوتَهُمْ بِأَیْدِیهِمْ وَ أَیْدِی الْمُؤْمِنِینَ فَاعْتَبِرُوا یا أُولِی الْأَبْصارِ»؛

اوست آنکه کسانی از اهل کتاب را که کفر ورزیدند، برای اولین بار از خانه هایشان بیرون راند؛ با آنکه شما گمان نداشتید که آنان (با داشتن آن همه قدرت، به آسانی) بیرون روند و خودشان گمان می کردند که قلعه ها و حصارهایشان آنان را از قهر خدا مانع خواهد شد؛ امّا قهر خدا از جایی که

گمان نمی کردند، بر آنان وارد شد و در دل هایشان ترس و وحشت افکند (به گونه ای که) خانه های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان خراب می کردند؛ پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید.

امروز نیز دشمنان در پوشش سفارتخانه، در پایتخت های کشورهای اسلامی لانه جاسوسی درست می کنند و چون سفارتخانه مصونیت دارد، هر توطئه ای در آنجا انجام می دهند.

ص:۱۱۲

آیات قرآن در همه زمان ها مصداق دارد؛ در زمان پیامبر، یهودیان توطئه گر اخراج شدند و در زمان ما، آمریکاییان توطئه گر به سرنوشت آنان مبتلا شدند؛ آری، سنت خدا ثابت است.

۱۹. اداره شهر براساس قانون

اشاره

زندگی در شهر و روستا، اگر براساس قانون نباشد، موجب اختلاف و درگیری می شود. در ساخت مسکن صدها مورد پیش می آید که حرف آخر را باید قانون بزند و همه تسلیم آن باشند و لذا قوانین مناسبی برای اداره شهر باید تدوین شود.

قوانین اسلام ثابت و پایدار است: «حَلَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَه»(۱)؛ اما گاهی بر اساس تغییر شرایط نیاز به قانون جدیدی است تا مردم در بن بست قرار نگیرند.

به عنوان مثال، در تاریخ اسلام آمده است که حضرت علی علیه السلام هنگامی که دید خمس و زکات برای فقرا کافی نیست، بر اسب ها نیز مالیات بست. در زمان امام کاظم علیه السلام نیز که رساندن خمس به دست حضرت - به خاطر زندانی بودن حضرت یا حضور جاسوسان بنی عباس - سخت بود، آن حضرت پیام دادند که من خمس را بخشیدم؛ ولی هنگامی که امام رضا

علیه السلام به امامت رسید، فرمود: بخشش پدرم به خاطر دستگیر نشدن شیعیان به دست بنی عباس بود و از هم اکنون باید پرداخت شود.

در عصر حاضر نیز فتوای میرزای شیرازی را می بینیم که چون درآمد تنباکو به نفع بیگانه بود، مصرف آن را حرام کرد. همچنین امام خمینی برای در بن بست قرار نگرفتن کشور، مجمع تشخیص مصلحت نظام را بنا نهاد.

۱- . کافی، ج۱، ص۹.

شهرداری ها حق دارند برای اداره شهر قوانینی را تصویب کنند و مردم نیز باید به این قوانین احترام بگذارند. در این میان حکومت اسلامی هم باید آن بر قوانین شهرداری ها نظارت کامل داشته باشد تا قانونی برخلاف دین و مصلحت مردم تصویب یا اجرا نشود.

مراعات قانون الزامی است؛ خواه مستقیم از طرف خدا و اولیای خدا باشد، خواه از طرف افراد و مقاماتی که منصوب خدا و اولیای خدا باشند.

قرآن می فرماید که هرچه را پیامبر برای شما آورد بگیرید: «وَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوه»(۱) و از هرچه نهی کرد، دوری کنید: «وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»(۲). این آیه کوتاه، پاسخ هزاران سؤال است که می پرسند فلان حکم دینی کجای قرآن آمده است؟ پاسخ آن است که لازم نیست تمام امر و نهی ها در قرآن آمده باشد؛ همین که سخن رسول و معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) بود، مراعاتش لازم است.

در قرآن تعداد رکعات نماز و تعداد دورهای طواف نیامده، در حالیکه از مسلّمات است که رکعات نماز در شبانه روز هفده رکعت و طواف هفت دور است.

پیامبر اکرم(ص) نیز فرمود: مرجع شما بعد از من قرآن و اهل بیت است و اهل بیت فرمودند: هرگاه دست شما به ما نرسید، مرجع شما فقیه عادل است؛ اگر آنان را رد کنید، گویا ما را رد کرده اید: «الرادّ علیهم کالرادّ علینا»(۳).

۱- . حشر: ۷.

۲- . حشر: ۷.

۳- . حاشیه وافی، بهبهانی، ص۱۸۳.

حضرت امیر علیه السلام به مردم فرمود: دستورات مالك اشتر دستورات من و عمل به آن لازم است. اگر گفت کوچ کنید، کوچ کنید: «فَإِنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تَنْفِرُوا فَانْفِرُوا»(۱) و اگر دستور داد بمانید، حتماً بمانید: «وَ إِنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تُقِيمُوا فَأَقِيمُوا»(۲).

رسول خدا(ص) فرمود: «وَ مَنْ أَطَاعَ هَذَا فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي»(۳)؛ هرکس از فرمانده منصوب من اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هرکس او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است. آن حضرت در آستانه رحلت، لشکری را به فرماندهی اسامه به منطقه ای فرستاد و فرمود: خدا لعنت کند هر کسی را که از فرمان او سرباز زند: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْ جَيْشِ أُسَامَه»(۴).

کوتاه سخن آنکه قوانین اداره شهر و ساخت مسکن باید زیر نظر فقیه عادل تصویب شود؛ زیرا دستور فقیه عادل در زمان غیبت به منزله دستور معصوم علیه السلام است.

البته همیشه کسانی هستند که با زرنگی قانون را دور می زنند و به اصطلاح، کلاه شرعی سر قانون می گذارند؛ مثل یهودیان که در روز شنبه با حفر گودال، ماهی ها را از دریا به حوضچه ها می کشاندند و روز یکشنبه آن ها را صید

می کردند و گمان می کردند شنبه صید نکرده اند! آری چهره واقعی گناه با کلاه شرعی و حیله عوض نمی شود. (۵)

ص:۱۱۵

۱- . نهج البلاغه، ص۴۱۱.
۲- . نهج البلاغه، ص۴۱۱.
۳- . صحیح مسلم، ص۱۴۶۶.
۴- . بحار، ج ۳۰، ص۴۳۲.
۵- . با کمال تأسف گاهی قانون شکنی را با پرداخت جریمه مالی جبران می کنند؛ نظیر کاری که زمانی درکلیسا انجام می گرفت که از مردم پول می گرفتند و گناهان آنان را می بخشیدند! در بعضی از موارد شهرداری ها پول می گیرند و اجازه تخلف صادر می کنند!

آسانی قوانین

اسلام دین سهله و سمحه است. قرآن یکی از نقش های پیامبر را برداشتن بار گران (تکالیف سخت) از دوش مردم می داند: «وَ یَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتِی کانَتْ عَلَیْهِم»(۱).

«إِصْرَ»، به تکلیف سخت و دشوار که انسان را از فعّالیّت باز دارد گفته می شود و «غُلّ»، به معنای زنجیر، شامل افکار و عقائد باطل، خرافات و آداب و رسوم دست و پاگیر است.

مسئولان امر مسکن و شهر باید به گونه ای برنامه ریزی کنند که خدمت رسانی به مردم به آسانی انجام شود.

در وضع قوانین ساخت وساز، مراعات توان مردم را بکنند و بر مردم سخت نگیرند. اسلام، دین آسان و احکام آن انعطاف پذیر است و در زمان ها و مکان های مختلف، شایستگی اجرا شدن را دارد. قرآن می فرماید:

«ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ»(۲)؛

در دین (اسلام) سختی بر شما قرار ندارد.

حضرت امیر علیه السلام در رعایت حال مردم حتی در انجام عبادت می فرماید:

«وَ صَلُّوا بِهِمْ صَلَاهَ أَضْعَفِهِم»(۳)؛

با مردم آنگونه نماز جماعت بخوان که ضعیف ترین آنان بتوانند به تو اقتدا کنند.

۱- . کافی، ج۸، ص۳۵۵.

۲- . حج: ۷۸.

۳- . نهج البلاغه، ص۴۲۶.

نظارت بر ساخت و ساز

قرآن چندین ناظر بر کارهای انسان معرفی کرده است که همه از کار او آگاهند. این ناظران عبارتند از:

خداوند، فرشتگان، زمین، زمان، اعضای بدن، پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام.

در دعای کمیل نیز حضرت علی علیه السلام به خدا می گوید:

«وَ کُنتَ اَنتَ الرَّقیبُ عَلَیهِم مِن وَرائِهِم وَ الشَّاهِدَ لِما خَفِیَ عَنهُم»؛

با اینکه کار نظارت بر مردم را به فرشته ها سپرده ای، خودت از پشت سر مراقب آنها هستی و از آنچه از ایشان مخفی می ماند خبر داری.

در ساخت و سازها نیز اگر نظارت دلسوزانه و ماهرانه نباشد، سرمایه ملی به هدر می رود، مصالح غیر استاندارد تهیه و به طور ناقص به کار گرفته می شود. جالب اینکه بزرگترین آیه قرآن درباره دقت در تنظیم اسناد است و اگر طرفین سواد ندارند، نویسنده ای عادل، آن را بنویسد و بر کار خود شاهد بگیرند:

«کُتِبَ عَلَیْکُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَ کَ خَیْرً ا الْوَصِیَّهُ لِلْوَالِدَیْنِ وَالْأَقْرَ بِینَ بِالْمَعْرُ وفِ حَقًّا عَلَی الْمُتَّقِینَ»(1)؛

بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند؛ [این کار] حقی است بر پرهیزگاران.

اگر تنظیم یک سند تجاری، نیاز به شاهد دارد، ساخت و ساز شهر و مسکن که یا ثروت ملی و بیت المال است و یا حق اشخاص حقیقی، می تواند بدون ناظر متدین و کاردان باشد؟

۲۰. حمل و نقل شهری

درباره وسایل نقلیه قرآن می فرماید:

ص:۱۱۷

۱- . بقره: ۱۸۰.

«وَ الْخَیْلَ وَ الْبِغالَ وَ الْحَمیرَ لِتَرْکَبُوها وَ زینَهً وَ یَخْلُقُ ما لا تَعْلَمُون»(۱)؛

خداوند اسبان و استران و خران را آفرید تا بر آنها سوار شوید و برای شما تجمّلی باشد و چیزهایی را می آفریند که نمی دانید.

براین اساس، مَرکب باید در درجه اول برای سواری باشد و در مرحله دوم مایه زینت؛ برخلاف رفتار برخی افراد که برای تجمّل و تشریفات، مدام در فکر تهیه خودروی جدید هستند، بدون آنکه واقعاً نیازی به آن داشته باشند.

به نظر می رسد که در این آیه، خداوند از اختراع وسایل حمل و نقل در آینده نیز خبر داده و فرموده است: «وَ یَخْلُقُ ما لا تَعْلَمُونَ»(۲).

نکته دیگر اینکه در شهر اسلامی باید ماشین های فرسوده به ماشین های خوب تبدیل شوند؛ زیرا کلمه «مرکب» در کنار کلمه «زینت» آمده است. البته برای این کار، دولت نیز باید تسهیلاتی فراهم کند.

درباره مرکب نیز باید گفت که چابکی یک اصل است. قرآن درباره سفر حج می فرماید:

«وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا و عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ»(۳)؛

در میان مردم بانگ حج برآور تا آنان پیاده و سوار بر مرکب های چابک، از هر راه دور به سراغ تو بیایند.

«ضامِر» به معنای حیوانی است که پیه بدنش آب شده و گوشت هایش به ماهیچه تبدیل شده و چابک است؛ مانند حیوانی که برای مسابقات آماده می کنند.

۱- . نحل: ۸.

۲- . نحل: ۸.

۳- . حج: ۲۷.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اَلیَوم المِضمارُ وَ غَدًا السّباقُ»(۱)؛

امروز خود را چابک کنید تا در قیامت سبقت بگیرید.

۲۱. ساخت راههای وسیع و متعدد

اشاره

در قرآن کریم درباره انواع راه ها سخن به میان آمده است؛ یک‌جا در باره وسعت راه می فرماید:

«سُبُلًا فِجاجاً»(۲)؛

ما در زمین راه های وسیع قرار دادیم.

در جای دیگر درباره تعدد راهها می فرماید:

«وَ لَقَدْ خَلَقْنا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرائِق»(۳)؛

در آسمان ها هفت راه خلق کردیم.

مراد از راه های آسمانی در این آیه، یا راه عبور فرشتگان است یا مدار حرکت کرات و یا هفت آسمان.

قرآن در جایی دیگر می فرماید:

«وَ اتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوا»(۴)؛

دریا را آرام پشت سر بگذار.

کلمه «رَهو» به معنای راه باز و آرام و گسترده است.

براساس روایات نیز، هیچ کس حق ندارد راهی را که عموم مردم از آن عبور می کنند، تغییر دهد:

«لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُغَيِّرَ طَرِيقاً عَنْ حَالِهِ إِذَا كَانَ سَابلًا يَمُرُّ عَلَيْهِ عَامَّةُ الْمُسْلِمِين»(۵)؛

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

۲-. نوح: ۲۰.

۳-. مؤمنون: ۱۷.

۴-. دخان: ۲۴.

۵-. جامع الاحادیث الشیعه، ج۲۳، ص۹۰۸.

انجام فعالیت برای اصلاح و آبادی راه ها بسیار ارزشمند است؛ طوری که در حدیثی می خوانیم: برخی از افراد به خاطر برداشتن شاخه تیغی از راه مردم، اهل بهشت می شوند: «دَخَلَ عَبْدٌ الْجَنَّهَ بِغُصْنٍ مِنْ شَوْكٍ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِين» (۱).

براساس روایات، کسی که از راه مردم چیزی را که آزار دهنده است بردارد، پاداش تلاوت صدها آیه قرآن دارد که برای هر حرفی از آن ده حسنه حساب می شود.(۲)

توسعه و گشایش در راه مردم نیز از نظر اسلام ضروری و ارزشمند است. در تاریخ آمده است که پیامبر اکرم (ص) خیابان تنگی را تا ده برابر توسعه داد:

«كَانَ شَارِعاً ضَيِّقاً، فَوَسَّعَهُ اللَّهُ تَعَالَى، وَ جَعَلَهُ عَشَرَهَ أَضْعَافِه»(۳).

در این زمینه از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بخشی از راه عبور مردم را تصرف کرد؟ امام فرمودند: خیر.(۴)

از امام صادق علیه السلام روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: زنان از وسط کوچه و خیابان راه نروند؛ بلکه از کناره ها راه بروند.(۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمودند: ای عراقیان! خبر یافته ام که زنانتان در راه به مردان تنه می زنند؛ آیا شرم نمی کنید؟(۶)

همچنین از امام کاظم علیه السلام روایت است که چون قائم ما بپاخیزد، ندا می دهد: «ای سواران! از وسط راه حرکت کنید و ای پیادگان! از دو سوی راه

ص:۱۲۰

۱- . خصال، ج۱، ص۳۲.

۲- . الفصول المهمه فی اصول الائمه.

۳- . بحار، ج۲۲، ص۳۷۱.

۴- . وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۸۱.

۵- . الکافی، ج۵، ص۵۱۹.

۶- . الکافی، ج۵، ص۳۶۵.

گام بردارید». پس هر سواری که بر دو سوی راه حرکت کند و به کسی آسیب برساند، او را به پرداخت دیه وادار می کند و هر پیاده ای که از وسط راه گام بردارد یا هر سواری که از دو سوی راه

حرکت کند و به او آسیبی برسد، دیه ای نخواهند داشت.(۱)

مصداق بارز این روایت در زمان ما، حرکت موتورسواران در پیاده روهاست که خطرات زیادی را به دنبال داشته و دارد. همچنین است عبور عابران از وسط خیابان ها و به ویژه بزرگراه ها که سوانح بسیاری را به همراه دارد.

نصب علائم و نشانه ها

حضرت علی علیه السلام در حدیثی در این موضوع چنین می فرماید:

«وَ أَقَامَ الْمَنَارَ لِلسَّالِكِينَ عَلَى جَوَادِّ طُرُقِهَا»(۲)؛

خداوند برای روندگان بر راه ها نشانه ها بر پا فرمود.

۲۲. جلوگیری از سدّ معبر

امام سجاد علیه السلام سد معبر را در ردیف گناهانی همچون ترک صله رحم می‌داند.(۳)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: اگر کسی به راه مسلمین خسارتی وارد کند، ضامن است:

«مَنْ أَضَرَّ بِشَيْ ءٍ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ»(۴).

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام، چند دسته از افراد مورد لعنت قرار می گیرند؛ یکی از آنان کسانی هستند که راه عمومی مردم را تنگ می کنند: «وَ

۱- . التهذیب، ج ۱۰، ص۳۱۴.

۲- . نهج البلاغه، خطبه۹۱.

۳- . وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۲۸۲.

۴- . من لایحضر الفقیه، ج۴، ص۱۵۵؛ الکافی، ج۷، ص ۳۵۰.

السَّادُّ الطَّرِيقَ الْمَسْلُوك»(۱). دسته دیگر نیز کسانی هستند که محل عبور مردم در زیر سایبان ها را آلوده می کنند: «الْمُتَغَوِّطُ فِی ظِلِ النُّزَّال»(۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ملعون است کسی که راه عبور و مرور مردم را ببندد.(۳)

ایشان همچنین می فرمایند: هر که راهی را ببندد، پروردگار عمرش را کوتاه می کند.(۴)

اصولا اموری که باعث آزار عابرین باشد از نظر اسلام مذموم است. به عنوان مثال پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ أَخْرَجَ مِیزَاباً أَوْ کَنِیفاً أَوْ أَوْتَدَ وَتِداً أَوْ أَوْثَقَ دَابَّهً أَوْ حَفَرَ بِئْراً فِی طَرِیقِ الْمُسْلِمِینَ فَأَصَابَ شَیْئاً فَعَطِبَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ»(۵)؛

هر که ناودان یا فاضلاب خانه اش را به گذرگاه مسلمانان باز کند یا در گذرگاه میخی بکوبد یا چارپایی را ببندد یا چاهی حفر کند و چیزی یا کسی تلف شود، ضامن است.

همچنین بر اساس برخی روایات، وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام می کند، در کوفه فاضلاب ها و ناودان هایی را که به خیابان می ریزند ویران می سازد و سایبان های مزاحم راه را تخریب می کند.(۶)

در اسلام حتی به مسئله حذف موانع در توسعه شهری نیز اشاره شده است؛ در حدیثی می خوانیم:

«وَ وَسَّعَ الطَّرِیقَ الْأَعْظَمَ وَ کَسَرَ کُلَ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِی الطَّرِیق»(۷)؛

۱- . الکافی، ج۲، ص۲۹۲.

۲- . کافی، ج۲، ص۲۹۲.

۳- . وسائل الشیعه، ج۱، ص۳۲۶.

۴- . من لایحضر الفقیه، ج۱، ص۱۸.

۵- . کافی، ج۷، ص۳۵۰.

۶- . ارشاد مفید، ص۴۱۲ ؛ بحار، ج۵۲، ص۳۳۳.

۷- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۴۷.

راه های اصلی را توسعه بده و قسمت های برآمده ساختمان ها (نظیر بالکن و تراس) را حذف کن.

۲۳. رعایت حقوق شهروندی

انسان حقوقی دارد و مسئولان شهر و مسکن، باید در ساخت وساز آنگونه تدبیر کنند که این حقوق ایفا شود و حقی از کسی ضایع نشود.

انسان حق حیات دارد؛ پس باید مسکن و شهر آنگونه باشد که جان افراد سالم بماند. پرتگاه ها و چاله ها و راه های خطرآفرین باید اصلاح شود؛ پل های هوایی یا زیرگذرهایی برای عبور مردم ساخته شود و روی جوی ها و رودخانه ها پل های قابل اطمینان نصب گردد؛ در کنار کودکستان ها و مدارس و مکان های پر تردد و شلوغ، تدابیری اندیشیده شود که از ایجاد حادثه جلوگیری کند؛ برای خاموش کردن آتش و جلوگیری از ورود حیوانات خطرناك به منطقه مسکونی اقدامات لازم صورت گیرد.

انسان حق انتخاب مسکن دارد؛ پس باید در قوانین شهر و مسکن آنگونه تدبیر شود که مردم از این حق محروم نشوند و کسی را در ساخت وسازی که ضرری به دیگران نمی زند منع نکنند.

انسان حق آزادی عقیده دارد؛ پس باید مسئولان شهر و مسکن برای عبادتگاه های دیگر مذاهب ایجاد مزاحمت نکنند و کلیساها و کنیسه ها و صومعه ها در انجام مراسم مذهبی خود - تا جایی که مزاحمتی برای ادیان و مذاهب دیگر ایجاد نکند - آزاد باشند.

انسان ها از هر زبان و نژادی، با یکدیگر برابرند؛ پس نباید در اداره شهر و مسکن تبعیضی میان مردم گذارده شود و برای نژاد یا زبانی خاص، امتیاز قائل شویم.

ص:۱۲۳

انسان حق دارد بر حریم خصوصی خود مسلط باشد؛ پس در ساخت شهر و مسکن، باید آنگونه تدبیر کرد که دیگران نتوانند به حریم خصوصی افراد راه پیدا کنند و مزاحم آنان شوند. عایق بندی دیوارها و درها باید آنگونه باشد که صدایی منتقل نشود و همسایگان نتوانند استراق سمع کنند.

انسان حق کرامت دارد و نباید هیچ گونه توهینی به او بشود؛ پس باید در مراجعه به ادارات مورد تکریم قرار گیرد.

انسان حق استراحت دارد و شب برای استراحت است؛ پس نباید در وقت استراحت مردم، برنامه های پر سروصدا اجرا شود؛ خواه به نام عزاداری باشد یا عروسی؛ از افراد دوره گردی که با بلندگو سبب مزاحمت می شوند نیز باید جلوگیری شود. اسلام غیر از اذان، اجازه بلند کردن صدا را نداده است. بنابراین نباید به اسم دعا و مناجات و سحرخوانی مزاحم مردم شویم. در روایت جالبی امام صادق فرمودند:

«مِنَ الْجَوْرِ قَوْلُ الرَّاكِبِ لِلْمَاشِي الطَّرِيقَ الطَّرِيقَ»(۱)؛

از نمونه های ظلم آن است که کسی سوار مرکب شود و به عابران بگوید: راه را باز کنید تا من عبور کنم!

براین اساس، استفاده از بوق جز در موارد ضروری، نوعی ظلم به دیگران محسوب می شود.

۲۴. ساماندهی تبلیغات شهری

امروزه نقش تبلیغات بر هیچ کس پوشیده نیست؛ زیرا تبلیغات فرهنگ ساز است. قرآن می فرماید: سامری که هنرمندی زبردست بود، توانست در یک فرصت کوتاه، با تبلیغات زرق و برق دار مردم را به بت پرستی بکشاند و زحمات حضرت موسی را به هدر دهد. در دنیای امروز نیز قدرتمندان و

۱- . روضه الواعظین، ج۲، ص۴۶۶.

ثروتمنـدان برای افزایش قدرت و ثروت خود همواره از ابزار هنر بهره جسـته و افکار عمومی جامعه را تحت تأثیر خواسـته های خود قرار می دهند. در این شـرایط، مدیران شـهری مسئولیت سنگینی به عهده دارند تا منافع ملی و دینی را بر کسب درآمد از تبلیغـات نابجـا ترجیـح داده و اجازه ندهنـد فرهنگ بومی و ملی تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار گرفته و سـبک زنـدگی جامعه تغییر یابد.

نمادها در شهر

نمادهـا و مجسـمه هـایی که معمولاًـ در میـادین بزرگ شـهرها نصب می شود، نشان دهنـده هویت و فرهنگ مردم آن شـهر و منطقه است. در بعضـی از شـهرهای ایران نمـادی از خـوشه انگور، انـار و امثـال آن دیـده می شود؛ در بعضـی منـاطق مجسـمه شخصیت های علمی و انقلابی و مذهبی و هنری به چشم می خورد.

نمادها در اسلام برای هدایت و یاد خدا استفاده می شوند؛ قرآن در این باره می فرماید:

«فیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهیمَ»(۱)؛

در مسجدالحرام نشانه هایی روشن است، (از جمله) مقام ابراهیم.

مقام ابراهیم سـنگی است که حضـرت ابراهیم روی آن ایسـتاده و پایه های کعبه را بالا برد. این سنگ هزاران سال است که در کنار کعبه قرار گرفته و زائران خانه خدا پشت این سنگ دو رکعت نماز طواف می خوانند.

در همان سـرزمین مکه، در منطقه منی نیز سه سـتون سنگی به نام ستون شیطان وجود دارد که همه حاجیان، در سه روز متوالی آنها را رمی می کنند و به آنها سـنگ می زنند. مقام ابراهیم و سـتون شـیطان، هر دو سـنگ است، اما یکی نماد ولایت و یکی نماد برائت.

۱- . آل عمران: ۹۷.

از سوی دیگر، اگر نمادی مظهر کفر و شرک و انحراف بود، باید تخریب و محو شود. چنانکه حضرت ابراهیم علیه السلام همه بت ها را شکست: «فَجَعَلَهُمْ جُذاذاً»(۱). پیامبر اسلام نیز هنگامی که بت های داخل کعبه را شکست، دستور داد بت بزرگ را در مسیر ورودی مسجد الحرام دفن کنند تا زیر پای زائران باشد. همچنین حضرت موسی گوساله طلایی سامری را آتش زد و خاکستر آن را به دریا ریخت تا اثری از آن باقی نماند: «لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِی الْیَمِّ نَسْفاً»(۲).

پایتخت کشور اسلامی

قرآن، شهر مکه را «أُمَّ الْقُری» شمرده و آنجا را پایتخت و مرکز بعثت و هدایت معرفی کرده است:

«لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُری وَ مَنْ حَوْلَها»(۳)؛

تا مکّه و مردم پیرامون آن را انذار کنی.

«حَتّی یَبْعَثَ فی أُمِّها رَسُولا»(۴)؛

تا اینکه در کانون تجمع آنها پیامبری مبعوث کند.

بعضی گمان کرده اند که «قریه» در قرآن به معنای روستای کوچک است؛ در حالی که به مناطق پر جمعیت نیز، در قرآن قریه گفته شده است: «فَلَوْ لا ـ کانَتْ قَرْیَهٌ آمَنَتْ فَنَفَعَها إیمانُها إِلاَّ قَوْمَ یُونُس»(۵). براساس آیات دیگر قرآن، این قریه بیش از صد هزار نفر جمعیت داشته است: «وَ أَرْسَلْناهُ إِلی مِائَهِ أَلْفٍ أَوْ

۱- . انبیاء: ۵۸.

۲- . طه: ۹۷.

۳- . شوری: ۷.

۴- . قصص: ۵۹.

۵- . یونس: ۹۸.

یَزیدُون»(۱). حتی در بعضی قریه ها قصرهایی بوده که نشان می دهد شهری پرجمعیت بوده است: «فَکَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَهٍ أَهْلَکْناها وَ هِیَ ظالِمَهٌ فَهِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِها وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَهٍ وَ قَصْرٍ مَشید»(۲).

در ماجرای موسی و خضر نیز یکجا واژه «قریه» به کار رفته و می فرماید: «أَتَیا أَهْلَ قَرْیَهٍ اسْتَطْعَما أَهْلَها»(۳)؛ یعنی این دو بزرگوار وارد قریه ای شدند و از مردم طعام خواستند و درباره همین قریه در آیات بعد واژه مدینه آمده است: «لِغُلامَیْنِ یَتیمَیْنِ فِی الْمَدینَه»(۴).

به پایتخت مصر نیز، هم قریه گفته شده است: «وَ سْئَلِ الْقَرْیَهَ الَّتی کُنَّا فیها»(۵) و هم مدینه: «وَ قالَ نِسْوَهٌ فِی الْمَدینَهِ امْرَأَتُ الْعَزیز»(۶).

زندگی پاک و طیب در شهر

کلمه «طیب» به معنای دلپسند، در موارد متعددی از قرآن به کار رفته است. از جمله:

۱. همسر: «وَ الطَّیِّباتُ لِلطَّیِّبین»(۷)؛

۲. فرزند: «ذُرِّیَّهً طَیِّبَه»(۸)؛

۳. شهر: «بَلْدَهٌ طَیِّبَه»(۹)؛

۴. خانه: «وَ مَساکِنَ طَیِّبَه»(۱۰)؛

۱- . صافات: ۱۴۷.

۲- . حج: ۴۵.

۳- . کهف: ۷۷.

۴- . کهف: ۸۲.

۵- . یوسف: ۸۲.

۶- . یوسف: ۳۰.

۷- . نور: ۲۶.

۸- . آل عمران: ۳۸.

۹- . سبأ: ۱۵.

۱۰- . توبه: ۷۲.

۵. خاک: «صَعیداً طَیِّبا»(۱)؛

۶. درخت: «کَشَجَرَهٍ طَیِّبَه»(۲)؛

۷. باد و نسیم: «بِریحٍ طَیِّبَه»(۳)؛

۸. غذا: «کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُم»(۴)؛

۹. گفتگو: «وَ هُدُوا إِلَی الطَّیِّبِ مِنَ الْقَوْل»(۵)؛

۱۰. درود و سلام: «دَخَلْتُمْ بُیُوتاً فَسَلِّمُوا عَلی أَنْفُسِکُمْ تَحِیَّهً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبارَکَهً طَیِّبَه»(۶).

زندگی طیب سبب می شود که انسان مرگ طیب هم داشته باشد. قرآن در این باره می فرماید: «تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِکَهُ طَیِّبین»(۷).

به طور طبیعی، زندگی و مرگ طیب، آخرت طیب را نیز به دنبال دارد: «سَلامٌ عَلَیْکُمْ طِبْتُم»(۸).

ولی با کمال تأسف، افرادی این نعمت های دلپسند را هدر می دهند و مورد توبیخ قرآن قرار می گیرند: «أَذْهَبْتُمْ طَیِّباتِکُمْ فی حَیاتِکُمُ الدُّنْیا»(۹).

مسجد در شهر اسلامی

بهترین مکان برای عبادت خدا مسجد است و مسئولان شهر و مسکن، باید توجه ویژه ای به مسجد داشته باشند؛ همان گونه که در قرآن و روایات توجه ویژه ای به نماز و مسجد شده است. خداوند می فرماید:

۱- . نساء: ۴۳.

۲- . ابراهیم: ۲۴.

۳- . یونس: ۲۲.

۴- . بقره: ۵۷.

۵- . حج: ۲۴.

۶- . نور: ۶۱.

۷- . نحل: ۳۲.

۸- . زمر: ۷۳.

۹- . احقاف: ۲۰.

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّهَ مُبارَكاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ»(۱)؛

اوّلین خانه ای که برای (عبادت) مردم مقرّر شد، همان است که در سرزمین مکّه است که مایه برکت و هدایت جهانیان است.

اولین کار پیامبر پس از هجرت به مدینه، ساختن مسجد بود؛ چنانکه قبل از ورود به مدینه نیز چند روزی که در منطقه قبا بودند، مسجدی ساختند.

قرآن می فرماید: صالحانی که به حکومت می رسند باید اولین کارشان اقامه نماز باشد:

«الَّذینَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّكاهَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَهُ الْأُمُور»(۲)؛

طبیعی است که اقامه نماز نیاز به مسجد دارد؛ بنابراین مسئولان حکومت اسلامی و مدیران شهری باید در امر مکان یابی، تأمین زمین و فراهم نمودن امکانات لازم برای ساخت مسجد در هر محله و منطقه اقدام کنند و تسهیلات لازم را در اختیار مردم نمازگزار قرار دهند.

قرآن می فرماید: هنگامی که مومنان خواستند ساختمانی را بر مراز اصحاب کهف بسازند، گفتند: بر قبور آنان مسجد می سازیم:

«وَ كَذلِكَ أَعْثَرْنا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَهَ لا رَيْبَ فيها إِذْ يَتَنازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْياناً رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قالَ الَّذينَ غَلَبُوا عَلى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدا»(۳)؛

و بدین سان [اهل شهر را] بر آنها واقف کردیم تا بدانند که وعده ی خدا راست است و در [وقوع] قیامت تردیدی نیست و این هنگامی بود که [مردم] در میان خود درباره امر [معاد] مناقشه داشتند؛ پس [مشرکان] گفتند: بر آنها بنایی بسازید [تا کسی از آنها آگاه نشود].

ص:۱۲۹

۱- . آل عمران: ۹۶.

۲- . حج: ۴۱.

۳- . کهف: ۲۱.

متولیان مسجد

قرآن می فرماید: متولیان مسجد باید افراد باتقوی باشند: «إِنْ أَوْلِیاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ»(۱). همچنین درباره احداث و تعمیر مسجد می فرماید:

«إِنَّما یَعْمُرُ مَساجِدَ اللَّه مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَ لَمْ یَخْشَ إِلاَّ اللَّهَ فَعَسی أُولئِکَ أَنْ یَکُونُوا مِنَ الْمُهْتَدین»(۲)؛

مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که به خدا و روز واپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده است؛ پس امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند.

لذا نباید از نااهلان در ساخت مسجد کمک گرفت:

«ما کانَ لِلْمُشْرِکِینَ أَنْ یَعْمُرُوا مَساجِدَ اللَّهِ»(۳)؛

مشرکان حقّ ندارند مساجد خدا را تعمیر کنند.

آری در بنای مساجد و بنیادهای دینی و فرهنگی مسلمانان، بیگانگان حق دخالت ندارند؛ زیرا تأمین هزینه مهم نیست و نیّت، نقش اصلی را دارد؛ نه هر درآمدی مشروع است و نه هر مشارکتی ارزشمند. لذا باید مراقب باشیم که به عشقِ آبادانی مساجد، افراد نا اهل در امور دینی نفوذ نکنند.

خطر سوء استفاده از مسجد

منافقان مدینه به بهانه اینکه افراد ناتوان و بیمار نمی توانند در مسجد پیامبر حاضر شوند، مسجدی ساختند که در واقع پایگاه تجمّع خودشان بود. آنها از پیامبر نیز خواستند که آنجا نماز بخواند و آن را افتتاح کند. آیه نازل شد که:

۱- . انفال: ۳۴.

۲- . توبه: ۱۸.

۳- . توبه: ۱۷.

«وَ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَ کُفْراً وَ تَفْرِیقاً بَیْنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ إِرْصاداً لِمَنْ حارَبَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَیَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنا إِلَّا الْحُسْنی وَ اللّهُ یَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ»(۱)؛

و (گروهی از منافقان) کسانی هستند که برای ضربه زدن به اسلام و ترویج کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمین گاهی برای دشمنان خدا و پیامبرش، مسجدی ساختند، و همواره سوگند می خورند که جز خیر، قصدی نداریم! (ولی) خداوند گواهی می دهد که آنان دروغگویانند.

بدین ترتیب نیّت شوم آنها برملا شد و پیامبر فرمان داد مسجد را ویران کرده و محلّ آن را زباله دان کنند.

آری؛ دشمن از مسجد و مذهب، علیه مذهب سوء استفاده می کند و ما باید مراقب باشیم و فریب نخوریم.

ساخت مسجد در مرکز شهر

پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد را به عنوان مرکز شهر برگزید و فرمود: هر محله ای نیز مسجدی داشته باشد و لذا برای هر محله ای مسجدی بنا نمود.

مسجد در اسلام محور عبادت، سیاست، خدمت، مشورت و تربیت است و باید از هرگونه اعمال سلیقه شخصی یا حزبی به دور باشد؛ زیرا همان گونه که زمین مسجد از ملک همه خارج است و ملک خداست، هرگونه بهره برداری غیر الهی از آن نیز جایز نیست. چنانکه قرآن می فرماید:

«وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللّهِ أَحَدا»(۲)؛

و مساجد ویژه خداست، پس هیچکس را با خدا مخوانید.

قرآن درباره برتری مسجد بر دیگر بناها می فرماید:

۱- . توبه: ۱۰۷.

۲- . جن: ۱۸.

«فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصال»(۱)؛

(نور هدایت) در خانه هایی است که خدا اذن داده رفعت یابند.

کلمه «تُرْفَعَ» در آیه به معنای بلندی مکانی نیز می تواند باشد؛ نظیر آیه «إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیلُ»(۲) که حضرت ابراهیم پایه های کعبه را بلند ساخت.

از آنجا که در نماز جماعت، ارزش آن است که جمعیت بیشتری حاضر باشند، سزاوار است مسجد در جایی ساخته شود که مردم به راحتی به آن دسترسی داشته باشند. قرآن درباره مکان مبارزه موسی و ساحران، می فرماید: «مَکاناً سُوی»(۳)؛ جایی که همه مردم به طور مساوی به آن دسترسی داشتند؛ یعنی مرکز شهر.

آری؛ محل های فرهنگی و دینی باید در مرکز شهر باشد، چنانکه قرآن می فرماید: «یَبْعَثَ فی أُمِّها رَسُولا»(۴)؛ یعنی خدا در کانون سرزمین، پیامبری مبعوث کند.

به هرحال مساجد باید از جایگاه رفیع و بلندی برخوردار باشند که آنها را از دیگر ساختمان های شهر متمایز سازد. البته زیبایی ظاهری نباید ما را از زیبایی معنوی مساجد غافل نسازد. پیامبر اکرم به عنوان گلایه می فرماید: در آخر الزمان ظاهر مساجد آباد و زیباست ولی درون آنها از هدایت خالی است: «مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِیَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَی»(۵).

۱- . نور: ۳۶.

۲- . بقره: ۱۲۷.

۳- . طه: ۵۸.

۴- . قصص: ۵۹.

۵- . کافی، ج۸، ص۳۰۸.

حریم مسجد

در فقه اسلام از هر طرف تا چهل ذراع که حدود بیست متر است، حریم مسجد محسوب می شود.(۱)

امروزه حفظ حریم مسجد برای حضور نمازگزارانی که اتومبیل دارند، ضروری است.

مشارکت در امور مسجد

مشـارک و تعـاون در تمام امور خیر مورد پسـند و سـفارش اسـلام است؛ به ویژه در آبادانی مساجـد. از آیه «وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیل»(۲) اسـتفاده می شود که در بالا بردن پایه های کعبه، پدر و پسـر با هم شریک بودند. در ساختن مسجد مدینه نیز پیامبر و اصحاب شرکت داشتند.

همچنین از آیه «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثابَهً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّی وَ عَهِدْنا إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ أَنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْعاکِفِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُود»(۳) استفاده می شود که ابراهیم و اسماعیل باهم در تطهیر مسجد مشارکت داشتند.

حضرت موسی نیز هنگامی که خداوند به او دستور داد تا برای هدایت فرعون حرکت کند، از خدا خواست که برادرش هارون را در این مأموریت بزرگ شریک او قرار دهد: «هارُونَ أَخِی... وَ أَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی»(۴).

مساجد بین راهی

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: نظر شما درباره مساجدی که حجاج در راه مکه می سازند، چیست؟ فرمود:

۱- . من لایحضر الفقیه، ج۳، ص۱۰۲.

۲- . بقره: ۱۲۷.

۳- . بقره: ۱۲۵.

۴- . طه: ۳۰ و ۳۲.

«بَخْ بَخْ تِلْکَ أَفْضَلُ الْمَسَاجِد»(۱)؛

بعد از مسجد الحرام و مسجد مدینه، از بهترین مساجد هستند.

محل دستشویی مسجد

طبق فقه اسـلام، دسـتشویی بایـد بیرون مسـجد باشد، نه داخل آن؛ زیرا حفظ طهارت مسـجد، وظیفه همه نمازگزاران است: «وَ اجْعَلُوا مَطَاهِرَکُمْ عَلَی أَبْوَابِ مَسَاجِدِکُمْ»(۲).

مناره بلند ممنوع

پیامبر اکرم به بلال حبشی فرمود: بر بالای دیوار برو و با صدای بلند اذان بگو: «اعْلُ فَوْقَ الْجِدَارِ وَ ارْفَعْ صَوْتَکَ بِالْأَذَان»(۳).

حضـرت علی علیه السـلام نیز وقتی از کنـار مناره بلنـدی عبور می کرد، فرمود: مناره نبایـد از بام مسـجد بلنـدتر باشـد: «لَا تُرْفَعُ الْمَنَارَةُ إِلَّا مَعَ سَطْحِ الْمَسْجِدِ»(۴).

کتابت قرآن بر دیوار مسجد

راوی می گوید: امام صادق (ع) بر اطراف حجره اش و محراب مسجدش آیه الکرسی را نوشته بود:

«رَأَیْتُ مَکْتُوباً فِی بَیْتِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (ع) آیَةَ الْکُرْسِیِّ قَدْ أُدِیرَتْ بِالْبَیْتِ وَ رَأَیْتُ فِی قِبْلَهِ مَسْجِدِهِ مَکْتُوباً آیَةَ الْکُرْسِیِّ»(۵)؛

۱- . بحار، ج۸۱، ص۱۱.

۲- . التهذیب، ج۳، ص۲۵۴.

۳- . الکافی، ج۳، ص۳۰۷.

۴- . من لا یحضر الفقیه، ج۱، ص۲۳۹.

۵- . محاسن، ج۲، ص۶۰۹.

خوشبو کردن مسجد

پیامبر اکرم فرمود: مسجد را هر هفته یکبار خوشبو کنید: «وَ جَمِّرُوهَا فِی کُلِ سَبْعَهِ أَیَّام»(۱).

حضرت علی علیه السلام نیز فرمود: هرکس از چیزهایی که بوی آن آزاردهنده است مصرف کرد، به مسجد نرود: «مَنْ أَکَلَ شَیْئاً مِنَ الْمُؤْذِیَاتِ رِیحُهَا فَلَا یَقْرَبَنَ الْمَسْجِدَ»(۲).

اطلاع رسانی در مسجد

امام رضا علیه السلام فرمود: «وَ یُخْبِرُهُمْ بِمَا وَرَدَ عَلَیْهِ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَ مِنَ الْأَحْوَالِ الَّتِی لَهُمْ فِیهَا الْمَضَرَّهُ وَ الْمَنْفَعَه»(۳)؛ یعنی امام جمعه در خطبه ها از مسائلی که برای مردم سود یا ضرر دارد و در جهان واقع شده خبر می دهد.

ساخت مدرسه

ارزش تعلیم و تعلم در اسلام نیاز به بیان ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نبرد بدر، مشرکانی را به اسارت گرفت و فرمود که به ازای خون بهای خویش، ده مسلمان را خواندن و نوشتن بیاموزند.(۴)

همچنین آن حضرت، تازه مسلمانان را به کسی می سپرد تا احکام اسلام را به آنان بیاموزند.

ساخت بازار

رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصاً محل بازار مسلمین را برمی گزید.(۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بازار مسلمین را مستقل از بازار یهودیان و در

۱- . بحار، ج ۸۰، ص۳۴۹.

۲- . التهذیب، ج۳، ص۵۲۲.

۳- . وسائل الشیعه، ج۷، ص۳۴۴.

۴- . الترتیب الاداریه، ج۱، ص۴۸.

۵- . التراتیب الاداریه، ج۲، ص۱۶۳.

نزدیکی آنـان برپا نمود. شایـد هـدف آن حضـرت: ایجاد حالت رقابت بود که همیشه به سود مردم است. علاوه بر آنکه مردم می توانستند تفاوت رفتار یهودیان و مسلمانان را مقایسه کنند.

همچنین حکومت موظف است برای نگاهداری از احوال مردم و نظافت بازار هزینه کند و حقوق مأموران را نیز بپردازد.(۱)

درباره آداب کاسبی در بازار نیز آن حضـرت فرمودند: بازار مسلمانان مثل مسجد آنان است؛ هرکس زودتر جایی را گرفت تا شب بدان جا سزاوارتر است.(۲)

بوستان معنوی (کتابخانه)

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف کتاب و کتابخانه می فرماید:

«الْکُتُبُ بَسَاتِینُ الْعُلَمَاء»(۳)؛

کتاب ها، بوستان دانشمندان است.

اگر تحصیل علم کار شایسته و نیکویی است، ایجاد کتابخانه مصداق «وَ تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی»(۴) است؛ زیرا دیگران را در مطالعه و علم آموزی یاری می کند.

همچنین از آنجا که تعدد افراد نشاط آور است، در کتابخانه ای که افراد زیادی مطالعه می کنند، فضای بانشاطی فراهم است.

اگر برای مطالعه، فضای آرام لازم است، باید کتابخانه ها برای مطالعه فضای آرامی فراهم کنند.

۱- . شهر اسلامی، جعفر مرتضی العاملی.

۲- . بحار، ج۱۰۱، ص۲۵۶.

۳- . غرر الحکم، ح۱۰۳۴.

۴- . مائده: ۲.

ساخت ورزشگاه

خداوند پاداش بعضـی از عبادات را براساس گام های انسان قرار داده است که امروزه به عنوان ورزش پیاده روی مطرح است. هر قدمی که برای تحصیل علم یا انجام عبادت یا کمک به دیگران و یا صله رحم و زیارت دوستان و اولیای

خدا برداشته شود، مقدار معینی ثواب دارد؛ یعنی اسلام به نوعی، حرکت را درون عبادات قرار داده است.(۱)

اسـلام در نماز رکوع و سـجود قرار داده که نوعی حرکت است. حج، آغاز تا پایانش حرکت است. اسـلام در ورزش، لذت و خـدمت را در کنـار هم قرار داده است؛ به این صـورت که اسب سواری (یـا فراگرفتن انواع سواری هـا)، تیر انـدازی (یـا سـایر آموزش های نظامی) و شـنا کردن امروز ورزش و لـذت و تفریح است و فردا می توان از این طریق به جامعه خدمت کرد؛ پس امروز لذت است و فردا خدمت.

بنابراین مسـئولان شهری نیز باید مکانهایی را برای ورزش اقشار مختلف جامعه با امکانات ویژه و حفظ حریم ها و اصول فراهم کنند.

جایزه مسابقات

پیـامبر اسـلام جـایزه برنـده مسـابقه را یا شتر حامله قرار می داد و یا درخت خرمای باردار که هر دو تولیـدی هسـتند. مسـئولان ورزش نیز می توانند جوایز خود را کارخانه تولید لباس ورزشـی و شـریک کردن ورزشکاران نمونه در سرمایه و سود آن قرار دهنـد. البته متاسـفانه جـایزه هـایی که امروزه دنیا می دهـد، فقط برای یک لحظه عکس برداری و سـپس قرار دادن در ویترین است.

ص:۱۳۷

۱- . الکافی، ج۲، ص۱۸۴تا ۱۹۷.

پادگان

پادگان نظامی از ضـروریات هر جامعه ایست. پیامبر صلی الله علیه و آله در ماجرای تجهیز سپاه اُسامه، جایی را در شمال مدینه برگزید و آنجا را به مثابه پادگانی قرار داد که سپاه هرگاه می خواست به سوی هدفی اعزام شود، در آن گرد می آمد.(۱)

زندان

به طور طبیعی در هر جامعه ای افراد خلافکاری وجود دارند که مسئولان اداره شهر و تأمین امنیت آن، باید به گونه ای مناسب با این افراد برخورد کنند؛ گاهی جریمه نقدی، گاهی تنبیه بدنی و گاهی زندان. در قرآن و روایات کلمات «سجن»، «حبس» و «حصـر» در قالب های مختلف بکار رفته است. قرآن در جایی می فرماید: اگر حضرت یونس با گفتن «سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمین»(۲) عذرخواهی نمی کرد، تا روز قیامت در شکم نهنگ زندانی می شد: «لَلَبِثَ فی بَطْنِهِ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُون»(۳).

حضـرت علی علیه السـلام نیز در حدیثی می فرماید: واجب است بر امام مسـلمین که عالم فاسق و طبیب جاهل را زندانی کند: «یَحْبِسَ الْفُسَّاقَ مِنَ الْعُلَمَـاءِ وَ الْجُهَّالَ مِنَ الْأَطِبَّاء»(۴). آن حضـرت بـدهکار متهم را نیز زنـدانی کرده و هنگامی که فقر او ثابت می شد، آزادش می کرد:

«أَنَّ عَلِیّاً کَانَ یَحْبِسُ فِی الدَّیْنِ فَإِذَا تَبَیَّنَ لَهُ حَاجَةٌ وَ إِفْلَاسٌ خَلَّی سَبِیلَهُ حَتَّی یَسْتَفِیدَ مَالًا»(۵).

ص:۱۳۸

۱- . تاریخ الامم و الملوک، ج۳، ص۲۲۳.

۲- . انبیاء: ۸۷.

۳- . صافات: ۱۴۴.

۴- . من لایحضر الفقیه، ج۳، ص۳۱.

۵- . وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۴۱۸.

در روایات می خوانیم که حضرت یوسف علیه السلام بر در زندان چنین نوشت: «هذا قُبورُ الأحیاءِ وَ بَیتُ الأحزانِ وَ تَجرِبَهُ الأصدِقاءِ وَ شَماتَهُ الأعداءِ»(۱)؛ یعنی زندان قبرستان زنده ها، خانه غم ها، تجربه صادقان و دوستان و نیش دشمنان است.

البته باید استفاده از زندان را به حداقل رساند؛ زیرا به هرحال زندان آفاتی دارد، از قبیل:

۱. تحمیل هزینه نگهداری زندانیان بر بیت المال؛

۲. فاسدتر شدن برخی زندانیان به خاطر انتقال تجربه های بد به یکدیگر؛

۳. در معرض فساد قرار گرفتن خانواده های زندانیان؛

۴. پیدا شدن روحیه انتقام.

اگر هدف از زندانی کردن افراد اصلاح آنان است، پس زندانیان نباید از مسائل عبادی و فرهنگی و اجتماعی محروم بمانند؛ لذا در اسلام سفارش شده زندانیان را روزهای جمعه به نماز جمعه بیاورند تا خطبه ها را بشنوند و خدا را یاد کنند، با امت دیداری داشته باشند و مردم عبرت بگیرند.

سرای مستمندان و غریبان

در حکومت پیامبر برای افراد بی خانمان مکانی در مسجد تعبیه شده بود. ابن حجر می گوید: صفه مکانی بوده در انتهای مسجد النبی که به عنوان سرپناهی برای اقامت مسلمانان غریب و بی خانمان ساخته شد.(۲)

اختصاص محل برای اشیای گمشده

در تاریخ است که حضرت علی علیه السلام در کوفه محلی را برای نگهداری حیوانات اهلی که پیدا می شدند، آماده کرده بود و آن ها را تغذیه می کردند تا صاحبانش پیدا شود.

ص:۱۳۹

۱- . تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص۴۳۲.

۲- . وفاءالوفا، ج۳، ص۴۵۳.

در فقه اسلام برای اشیای پیدا شده احکام و قوانینی است که در کتب فقهی تحت عنوان «لقطه» آمده است. از این رو مسئولان شهر و حکومت اسلامی برای اجرای این احکام بایـد تدبیری بیندیشد؛ تدبیری که وقت مردم تلف نشود و از مال پیدا شده نیز سوء استفاده نشود.

استراحت گاه مسافران

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«وَ مَنْ بَنَی عَلَی ظَهْرِ الطَّرِیقِ مَا یَأْوِی بِهِ عَابِرُ سَبِیلٍ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یَوْمَ الْقِیَامَهِ عَلَی نَجِیبٍ مِنْ نُورٍ وَ وَجْهُهُ یُضِیءُ لِأَهْلِ الْجَمْعِ»(۱).

هر کس در کنار راه برای عابرین جایگاهی بنا کنـد، خداونـد در روز قیامت او را با نور مخصوصـی مبعوث می کند و صورت او برای اهل بهشت می درخشد.

کشتارگاه

پیامبر صلی الله علیه و آله محلی را برای کشتار حیوانات در بیرون مدینه قرار داد تا این امر ساماندهی شده و از لحاظ بهداشتی و بوی نامطبوع و حشرات موذی، شهر حفظ شود.

قبرستان

پایان عمر همه زنـدگان، مرگ است. جسـد انسـان نیز پس از مرگ احترام دارد و بایـد به صورت کامل شسـتشو و غسل داده شود. سپس لباس مخصوص اموات (کفن) به آن پوشانده شده و در خانه آخرت که قبر است، با احترام دفن شود؛ اما قبرسـتان نباید در مکانی غیر قابل دسترس و دور از شـهر باشد. از حضـرت علی علیه السـلام پرسـیدند که چرا شـما در کنار بقیع مسکن گرفته ای؟ حضرت فرمود: زیرا من آنها را همسایگان صادقی یافتم که قیامت را متذکر می شوند:

۱- بحار، ج۷، ص۲۱۶.

«قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا شَأْنُكَ جَاوَرْتَ الْمَقْبَرَهَ فَقَالَ إِنِّي أَجِدُهُمْ جِيرَانَ صِدْقٍ... وَ يُذَكِّرُونَ الْآخِرَه»(۱).

به نظر می رسد که مسئولان امور شهری باید در تعیین مکان گورستان شهر نکاتی را رعایت کنند:

۱. چون زیارت اهل قبور (به خصوص صبح جمعه و عصر پنجشنبه) مستحب است و انسان را از غفلت بیرون می آورد و نوعی قدردانی از زحمات نیاکان

است، بهتر است که قبرستان ها در دسترس باشند و این در صورتی است که قبرستان ها متعدد باشد، تا مردم هر منطقه ای بتوانند راحت رفت و آمد کنند و گرفتار ترافیک و صرف وقت زیاد نشوند؛

۲. در قبرستان، برجسته کردن نام شخصیت های دینی و علمی که در آنجا مدفون هستند، نوعی قدردانی از خدمات بزرگان است؛

۳. در قبرستان ها نباید آنگونه فضا را تزیین کنیم که گویا پارک است و مردم تفریحات خود را به آنجا منتقل کنند و «عبرتکده» به «عشرتکده» تبدیل شود. البته تسهیلات هرچه بیشتر باشد بهتر است؛ مثل ایجاد سایبان هایی در برابر باران و آفتاب.

در فرهنگ اسلامی، ارتباط ما با مردگان قطع نمی شود:

همان گونه که به زندگان سلام می کنیم، به مردگان نیز سلام می کنیم؛

همان گونه که به دیدن زنده ها می رویم، به دیدن مرده ها نیز می رویم؛

همان گونه که به زنده ها هدیه می دهیم، برای مرده ها نیز هدیه می فرستیم؛

همان گونه که برای زنده ها دعا می کنیم، برای مرده ها نیز دعا می کنیم؛

همان گونه که به بزرگان در زمان حیاتشان احترام ویژه می گذاریم، به بزرگان از دنیا رفته نیز احترام ویژه می گذاریم؛

۱- . بحار، ج ۳۱، ص ۱۴۲.

همان گونه که در گوش نوزاد اذان و اقامه می گوییم، به گوش مردگان نیز تلقین می خوانیم؛

همان گونه که توهین به زنده ممنوع است، توهین - مانند پرتاب آب دهان - در قبرستان ممنوع است؛

همان گونه که غیبت زنده حرام است، غیبت مرده نیز حرام است؛

همان گونه که ورود به خانه زندگان بدون اجازه ممنوع است، نبش قبر مردگان نیز ممنوع است.

خانه آخرت

در آیات بسیار برای کسانی که در مدار ایمان و تقوا حرکت کرده و از مسئولیت خود غافل نشده اند، وعده خانه های بهشتی داده شده است. اگر بخواهیم سیمای بهشت و خانه آخرت را از قرآن و روایات بیاوریم، یک کتاب مفصل می شود. ولی در اینجا چند نکته را می آوریم تا این کتاب، به قول قرآن «خِتامُهُ مِسکٌ» شود.

قرآن به همه زنان و مردان می گوید: الگوی شما همسر فرعون باشد که در کاخ فرعون زندگی می کرد و انواع وسایل رفاهی در اختیارش بود؛ جایی که فرعون می گفت: «أَ لَیْسَ لی مُلْکُ مِصْر...»(۱)؛ آیا حکومت مصر از آن من نیست و این نهرها زیر پای من جریان ندارد؟

اما این خانم با ایمان از این کاخ زود گذر گذشت و به خانه آخرت دل بست و از خداوند چنین درخواست کرد: پروردگارا برای من خانه ای نزد خودت در بهشت قرار بده: «رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّه»(۲)؛

۱- . زخرف: ۵۱.

۲- . تحریم: ۱۱.

باید بدانیم که در خانه آخرت هیچ گونه محدودیتی نیست: «وَ فیها ما تَشْتَهیهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذَّ الْأَعْیُن»(۱)؛

وسعت آن به اندازه آسمان ها و زمین است: «عَرْضُها کَعَرْضِ السَّماءِ وَ الْأَرْض»(۲).

آنجا پر است از تخت های متعدد «سُرُرٌ مَرْفُوعَه»(۳)، تختهای زیبای بلند «عَلَى الْأَرائِكِ»(۴)، تختهای آراسته بهشتی، نهرهای متعدد «وَ أَنْهارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى»(۵) و جویبارهایی از انگبینِ ناب؛

نه خستگی و نه کهنگی، نه فساد و نه لغو و نه عوارض جسمی در آنجا نیست؛

همسایگی با پیامبر و اولیای خدا و بالاتر از همه رضایت خداوند در آنجاست: «وَ رِضْوانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَر»(۶)؛

کوتاه سخن آنکه بالاخره خانه های دنیا را رها می کنیم و می رویم:

«کَمْ تَرَکُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُیُون»(۷)؛

چه باغ ها و چشمه سارانی [که آنها بعد از خود] بر جای نهادند.

این خانه های دنیا زیر و رو می شود:

«وَ دَمَّرْنا ما کانَ یَصْنَعُ فِرْعَوْن»(۸)؛

و آنچه را که فرعون و قومش ساخته بودند؛ ویران کردیم.

این خانه ها هرچه هم محکم باشد، مانع ورود حضرت عزراییل نیست:

«أَیْنَما تَکُونُوا یُدْرِکْکُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ کُنْتُمْ فی بُرُوجٍ مُشَیَّدَه»(۹)؛

۱- . زخرف: ۷۱.

۲- . حدید: ۲۱.

۳- . غاشیه: ۱۳.

۴- . کهف: ۳۱.

۵- . محمد: ۱۵.

۶- . توبه: ۷۲.

۷- . دخان: ۲۵.

۸- . اعراف: ۱۳۷.

۹- . نساء: ۷۸.

هر کجا باشید، شما را مرگ درمی یابد؛ هر چند در بُرج های استوار باشید.

این خانه ماندگار نیست:

«دَارُ زَوَال»(۱)؛

این خانه نابود شدنی است.

فریب این دنیا را نباید خورد:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَياةُ الدُّنْيا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكاثُرٌ فِی الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَباتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَراهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطاماً وَ فِی الْآخِرَهِ عَذابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَهٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوانٌ وَ مَا الْحَياةُ الدُّنْيا إِلَّا مَتاعُ الْغُرُورِ»(۲)؛

بدانید که زندگانی پستِ دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی و زینت طلبی و فخرفروشی در میان خود و افزون طلبی بر همدیگر در اموال و فرزندان نیست؛ همانند بارانی که گیاه آن، کشاورزان را به شگفتی وا دارد، سپس خشک شود و آن را زرد بینی؛ سپس کاه شود و در آخرت، عذابی شدید (برای گنهکاران) و مغفرت و رضوانی (برای اطاعت کنندگان) از جانب خداوند است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

از جمع بندی آیات قرآن در مورد دنیا می توان اینگونه استفاده کرد که هرگاه دنیا را به عنوان هدف و مقصد بنگریم، وسیله اغفال و غرور ما خواهد بود؛ ولی اگر دنیا را مزرعه آخرت، مقدّمه و وسیله رسیدن به کمال بنگریم، نعمت های آن ارزشمند و سازنده خواهند بود. لذا از همین زندگانی دنیا، گروهی آنگونه بهره می گیرند که مغفرت و رضوان الهی را دریافت می نمایند و گروهی آنگونه که گرفتار عذاب شدید می شوند.

۱- . تحف العقول، ص۳۷۷.

۲- . حدید: ۲۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹